

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله گفتارهای قرآنی



مؤلف:

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ



مترجم:

عبدالبصیر الکوزی



سلسله گفتارهای قرآنی

- ♦ مؤلف: دکتر اسرار احمد رحمته الله
- ♦ مترجم: عبدالصیر الکوزی
- ♦ ناشر: مترجم
- ♦ چاپ: انتشارات آفاق
- ♦ شمار: ۵۰۰ جلد
- ♦ نوبت چاپ: اول زمستان ۱۳۹۹

حق چاپ این اثر به شرط عدم تصرف در متن آن برای همه آزاد است.

مرکز بخش:

- هرات، شهرنو، پایحصار، کوچه گدام، فروشگاه انتشارات آفاق.
تلفن: ۰۷۹۹۱۵۹۱۷۱ - ۰۷۹۹۳۲۳۱۶۳

فهرست مطالب

مقدمه.....	۶/
زندگی نامه دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ	۸/
شناخت قرآن کریم.....	۱۲/
حقوق قرآن کریم بر مسلمانان.....	۲۷/
معرفی مختصر سوره های قرآن کریم.....	۳۰/
نکات اساسی و محوری دوره ترجمه قرآن کریم.....	۷۳/
پیام های قرآنی.....	۲۰۰/
خاتمه.....	۲۲۸/
پیوست ها.....	۲۳۱/
معرفی گناهان کبیره.....	۲۳۵/

مقدمه

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله و اصحابه و من اهتدى بهداه. «اللهم إنا نسئلك علماً نافعاً، و عملاً صالحاً، و قلباً خاشعاً، و دعاءً مسموعاً، اللهم علمنا ما ينفعنا و انفعنا بما علمتنا و زدنا علماً و عملاً! يا أرحم الراحمين!».

کتاب حاضر مجموعه گفتارها و نکات اساسی و رهنمودی است که از دوره ترجمه قرآن کریم اثر دانشمند جهان اسلام دکتر اسرار احمد رحمته الله که طی یک صد و هشت ساعت نوار ویدیویی به زبان اردو ارایه گردیده بود؛ ترجمه شده است. نیاز به ترجمه این اثر آنگاه احساس شد که بیشترین علاقه مندان به معارف قرآنی به زبان اردو آشنایی نداشته و از جانبی دیگر مصروفیت های بیش از حد جامعه به گونه است که هر کس به آسانی نمی تواند این حجم صحبت ها را مشاهده نماید؛ لذا به این نتیجه رسیدم تا نکات اساسی دوره ترجمه قرآن کریم را که سبب سعادت دنیا و آخرت ما شده و از جانبی سبب انگیزه برای جوانان قرآن دوست ما باشد، گزینش، تلخیص و ترجمه نمایم، تا زمانی که قرآن در اجتماع ها حاکم بوده و روح اخلاق قرآن در میان مردم وجود داشته است، آنان از آرامش روحی شگرفی برخوردار بوده اند. هم چنین این حالت در افراد و خانواده هایی که قرآن را محور زندگی خود ساخته اند،

احساس می‌شود. اقبال لاهوری رحمته الله، کسی که خود را با عشق قرآن جاودانه کرده و هم اوست که می‌گوید: «من هرچه یافتم از رهنمونی پدرم یافتم که به من می‌گفت: قرآن را چنان بخوان که گویی اکنون بر تو نازل می‌شود».

و به خوانندگان محترم توصیه می‌گردد که در پهلوی مطالعه این اثر، کلیپ‌های ویدیویی دوره ترجمه قرآن کریم دکتر صاحب اسرار احمد رحمته الله را نیز مشاهده نمایند تا از فیوضات مزید قرآن کریم بیشتر مستفید شوند، و با اطمینان و قاطعیت کامل به عرض می‌رسانم که در ختم مشاهده کلیپ‌ها، شما یک انسان کاملاً متفاوت خواهید بود.

در اخیر از نظریات و پیشنهادات شما گرامیان استقبال می‌نمایم تا در چاپ‌های بعدی از آن‌ها بهره بگیرم؛ امیدوارم که صاحب نظران از ارایه نقدها و دیدگاه‌های ارزنده خود، بنده را محروم نسازند.

عبدالبصیر الکوزی

۱/۱۰/۱۳۹۷

زندگی نامه دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ به تاریخ ۲۶ اپریل ۱۹۳۲م در منطقه حصار ولایت شرقی پنجاب، آن زمانی که هند تحت حاکمیت انگلیس قرار داشت، چشم به جهان گشود. بعد از فراغت یافتن از مکتب، به شهر لاهور تشریف آورد و در رشته طب دروس خویش را در دانشکده «کنگ ایدورد میدیکل کالج» آغاز کرده و در سال ۱۹۵۴م با پایان دوره لیسانس در رشته طبابت به کار آغاز نمود و هم‌زمان به تحصیل رشته علوم اسلامی داده و در سال ۱۹۶۵م از دانشگاه کراچی به درجه فوق لیسانس فارغ گردید.

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ در سال ۱۹۵۰م عضویت جماعت اسلامی پاکستان را که توسط مولانا ابوالاعلی مودودی رحمۃ اللہ علیہ رهبری می شد، به دست آورد. اما در سال ۱۹۵۷م بنابر اختلافات سیاسی بر سر موضوع شرکت و عدم شرکت در انتخابات، این جماعت را ترک نمود.

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ به این عقیده بود که در پاکستان و همه ممالک اسلامی باید یک نظام اسلامی بر اساس قانون و احکام قرآن و سنت حاکم گردد؛ در غیر آن، نظام سیاسی که از سوی غرب بالای ممالک اسلامی تحمیل می گردد، مردود و بر خلاف قرآن و سنت می باشد و نظام های

پادشاهی و جمهوریت فعلی به طور کلی بر بنیاد شرک مبتنی اند؛ چرا که پادشاهی تنها از آن الله تعالی است، و قوانین وضعی ساخت بشر بوی شرک می دهد و ما اکنون شاهد این هستیم که نظام بانکداری ممالک اسلامی بر اساس سود و ربا استوار بوده و در محاکم خلاف قرآن و سنت فیصله می گردد، سران و حکام کشورهای اسلامی با دشمنان الله تعالی و رسول اکرم ﷺ دست دوستی دراز کرده اند؛ لذا در چنین حالاتی ضروری است که خلافت اسلامی حاکم شود تا نظام آن بر میزان عدل قرآن و سنت نبوی ﷺ پایدار باشد.

دکتر اسرار احمد رحمته الله با شخصیت های مشهوری مانند امام ابوالاعلی مودودی رحمته الله و مولانا امین احسن اصلاحی رحمته الله، فعالیت اسلامی داشته و آثار و تألیفات امام شاه ولی الله دهلوی رحمته الله تأثیرات عمیقی بر شخصیت ایشان داشته است.

در ارتباط با معارف و علوم قرآن کریم چهار تن از شخصیت های اسلامی: علامه محمد اقبال لاهوری، مولانا ابوالاعلی مودودی، شیخ الہند مولانا محمود حسن و علامه شبیر احمد عثمانی رحمته الله بر دکتر صاحب اسرار احمد بسیار تاثیرگذار بوده اند و در کنار آنان به مسایل مهمی از علوم قرآنی دست یافت.

دکتر اسرار احمد رحمته الله، قرآن کریم را به روش شیخ الہند، محمود حسن رحمته الله و علامه شبیر احمد عثمانی رحمته الله ترجمه نمود، ایشان در عصر حاضر تنها عالمی بود که قرآن کریم و علوم طبیعی روز را با هم مقایسه می نمود تا برای مردم واضح شود که پیشرفت ساینس و تکنولوژی امروزه از برکت قرآن کریم

است؛ وی باور داشت که تعالیم قرآن و سنت باید بر تمام شاخصه‌های یک نظام از قبیل سیاست، اقتصاد، امور اجتماعی، قضایی و فرهنگی عملی گردد. ایشان جهت عملی ساختن این امور، دست به یک سری ابتکارات زدند، ابتدا در پاکستان تنظیم اسلامی را تأسیس کرده و به تعقیب آن تحریک خلافت و مرکز انجمن خدام القرآن را ایجاد نمودند. هدف اساسی تنظیم اسلامی این بود که در نظام فعلی و حاکم، اصلاحات لازم را به وجود آورد تا با این شیوه بتواند نظام خلافت اسلامی را حاکم گرداند، روی این ملاحظه ایشان همه زندگی خویش را وقف تعلیم و تعلم قرآن و سنت نمود تا از این طریق بتواند سطح آگاهی مردم را بالا ببرد؛ و با این اقدام، مردم از کشش‌های دنیوی تزکیه گردیده و به سطحی پیشرفت نمایند تا با نظام‌های طاغوتی امروزی مقابله کرده بتوانند. جهت تربیت و تعلیم عموم مسلمانان، مراکز آموزشی درس‌های قرآن کریم را در شهرهای مختلف پاکستان به نام مرکز انجمن خدام القرآن تأسیس نمودند. هم‌چنان برای کسانی که به زبان عربی آشنایی نداشتند، دوره‌های یک ساله آموزش عربی را ایجاد نمود تا هر مسلمان بتواند به طور مستقیم با قرآن کریم ارتباط داشته و از این منبع ناب الهی، سیراب شده و قلوب‌شان بطور مستقیم گیرنده انوار الهی گردد.

یکی از ویژگی‌های این دانشمند گرامی این بود که همیشه، مال و جان خویش را وقف اقامه دین الله متعال نموده بود و در خطبه‌های خویش همیشه اصرار می نمود که دین الهی حاکم و شریعت ناب اسلامی در سرزمین خداوند قایم گردد.

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ، چهل سال از عمر عزیز خویش را صرف بیداری امت اسلامی کرد و هدف تلاش‌های‌شان این بود که بر اساس قرآن و سنت، انقلاب اسلامی به وجود آمده و نظام‌های طاغوتی دگرگون گردند.

سرانجام بعد از تلاش‌های پیوسته و خستگی ناپذیر، این دانشمند بزرگ جهان اسلام، به سن ۷۸ سالگی به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۰م در شهر لاهور پاکستان، به اثر حمله قلبی جهان فانی را وداع گفته و به جهان ابدیت پیوست، روح‌شان شاد و یادشان گرامی باد!

شناخت قرآن کریم

عقیده ما در مورد قرآن کریم:

قرآن کریم کلام خداوند متعال است که بر سرور کاینات جناب محمد رسول الله ﷺ نازل گردیده، و از ویژگی های این کتاب این است که الله متعال حفظ آن را تضمین نموده و هیچ راهی برای تحریفش وجود ندارد.

و از خصوصیات دیگر قرآن کریم این است که یک قسمت آن قسمت دیگر را تفسیر و تشریح می کند؛ الله متعال می فرماید: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا﴾^۱ خداوند بهترین سخن را (به نام قرآن) فرو فرستاده است، کتابی را که (از لحاظ کاربرد و گیرایی الفاظ، و والائی و هم آوایی معانی، در اعجاز) همگون و (مطالبی چون مواظ و براهین و قصص، و مسایل مقابل و مختلفی همانند: ایمان و کفر، حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شر، حسنات و سیئات، بهشت و دوزخ، البتّه هر بار به شکلی تازه و به شیوه ای نو، در آن) مکرر است.

و در قرآن کریم انعکاس تمام صفات ذات باری تعالی موجود است. قرآن کریم و مصحف موجود نزد ما همان مصحف عثمانی است که در عصر صحابه رضی الله عنهم ترتیب گردیده و این همان نقل تصدیق شده ای اصل قرآن کریم

که در لوح محفوظ یا ام الكتاب است، می باشد؛ ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾^۱ قرآنی که در لوح محفوظ در پیش ما است، والا و استوار است. قرآن کریم توسط جبرئیل علیه السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گردید، به همین ترتیب رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرآن کریم را برای عرب ها رسانید و سپس توسط پیروان مخلص شان به تمام جهان رسید. بشر از جایگاهی برخوردار نیست که الله تعالی با وی هم کلام شود، مگر به وسیله وحی و وحی الهی به بندگان اش انواع مختلفی دارد:

نوع اول: بدون واسطه فرشته بوده و این نوع از وحی را الهام نیز می گویند که برای پیامبر و دیگر انسان ها می باشد.

نوع دوم: این نوع وحی از پشت پرده می باشد، مانند وحی که بر سیدنا موسی علیه السلام؛ چنانچه در بین الله تعالی و موسی علیه السلام پرده و حجابی وجود داشت و مانند هم سخن شدن الله متعال در شب معراج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

نوع سوم: وحی توسط فرشته که الله متعال توسط ملک مؤلف جبرئیل امین، قرآن کریم را بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله جهت هدایت بشر نازل نمود، این نوع از وحی از طریق رسولی که فرشته است، به سوی رسولی که انسان است، فرستاده شد و رسول بشر این پیام را برای هم نوعان بشر خود رساند.

قرآن کریم به مرور زمان و به تدریج بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است و علت نزول قرآن کریم به شکل تدریجی، همانا سنگینی و عظمت آن است، سنگینی که اگر بر کوه ها نازل می شد، تاب تحمل و برداشت آن را نداشتند، و

از جانب دیگر قرآن کریم، مطابق واقعیت های زندگی بشر نازل شد تا تطبیق عینی و عملی پیدا نموده و برای نسل های بعدی الگوهای زنده ارائه نماید.

قرآن کریم در دو شهر مکه و مدینه که شهرهای مهم حجاز اند، بر رسول اکرم ﷺ نازل گردیده است. بنابراین نزول سوره های قرآن کریم در دوره مکی و قبل از هجرت رسول اکرم ﷺ را سوره های مکی می نامند و بعد از هجرت و سوره های نازل شده در مدینه منوره را مدنی می گویند؛ بناءً متذکر می شویم که در مجموع قرآن کریم در سرزمین حجاز نازل شده است.

در مورد حفظ قرآن کریم باید گفت که یگانه کتابی آسمانی است که از جانب الله تعالی تضمین حفظ و بقای آن داده شده است و قرآن امروزین همان کتابی است که رسول خدا ﷺ از جانب او تعالی آورده و آن حضرت نیز با کمال امانت داری به امت شان رسانیده و در طی قرن ها تا امروز کدام خللی در آن وارد نشده است؛ ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ همانا ما خود قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما خود آن را نگاه داریم.

قرآن کریم به زبان عربی اصیل نازل گردیده، همانی که بیشتر در بین روستا نشینان رایج بوده است. و از جانبی دیگر مردم حجاز بر این باور بودند که زبان اصیل عربی، زبان اهل دهکده ها می باشد؛ چرا که مردمان شهری رفت و آمدهای شان به شهرهای بزرگ دنیای آن زمان بسیار بوده و طبیعتاً این رفت و آمدها و خلط شدن ها روی اصالت زبان تاثیرگذار بود. به همین جهت برای فراگیری زبان اصیل عربی، بیشتر سران قریش فرزندان شان را به

دهکده‌ها و شهرک‌ها می‌فرستادند تا مدتی در آن محیط از زندگی ساده و هوای سالم برخوردار بوده و زبان خالص عربی را بیاموزند.

قرآن کریم در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد و هم‌چنان در قرآن کریم آهنگ ملکوتی موجود است، آهنگ صوتی اش بی نهایت شیرین است، به همین سبب تاکید شده است که قرآن کریم باید به آواز خوش تلاوت شود. قرآن کریم بیشترین نیکی را به زبان عربی عنایت نموده است و به همین سبب زبان عربی پایدار و محفوظ است؛ در حالی که بسیاری از زبان‌ها در دنیا، در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفته‌اند.

قرآن کریم اسم‌های مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان این نام‌ها را برشمرد: القرآن، الكتاب، الذکر، الهدی، النور، الفرقان، کلام الله، الوحی، روح، و با صفات ذیل نیز توصیف شده است: الحکیم، العظیم، المجید، المبین، الرحمة، العلی، بصائر، بشراً، بشیر، نذیر، عزیز، بلاغ، بیان، احسن القصص، احسن الحديث، موعظة، شفاء، مبارک، مهیمن، قیم، سبع مثانی، متشابه.

امام فراح می‌گوید: لفظ قرآن کریم از لفظ قَرَن (نزدیک) ساخته شده است؛ یعنی در قرآن کریم آیات الله تعالی جمع و نزدیک گردیده است. اسلوب بیان قرآن کریم به شکل خطبه است، یعنی قرآن کریم مجموعه خطابه‌های الله تعالی برای بشر است.

از ویژگی‌های خطبه این است که خطبه بین گوینده و شنونده یک رابطه مستقیم و هماهنگ ایجاد می‌نماید و بین هر دو یک پس‌منظر و تاریخچه قرار می‌دهد؛ البته اگر گوینده خطاب نموده و فکر شنونده متوجه بوده و خسته نشود.

در قرآن کریم فن خطاب موجود است، یعنی در یک قسمت یک شخص معین را مورد خطاب قرار می‌دهد و در عین حال همزمان شخص دیگری را نیز مخاطب می‌کند و برای فهم درست از قرآن باید متوجه بوده و یادداشت برداری کنیم که در کدام قسمت با کدام شخص خطاب صورت می‌گیرد و در کدام قسمت چه کسی مورد خطاب است؛ به طور مثال، در قرآن کریم در یک قسمت، الله تعالی به رسول اکرم ﷺ خطاب می‌نماید و در قسمت دیگر با کفار سخن می‌گوید.

نکته دیگری در بیان ایراد خطبه نیز حایز اهمیت است؛ و خطاب قرآن کریم تنها متوجه عقل نه، بلکه علاوه بر آن، احساسات و عواطف را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد. در قرآن کریم آغاز و انجام، یعنی آیات اول و آخر هر موضوع بسیار تاثیرگذار و جاندار است، تا با این شیوه کسی را که قرآن کریم را تلاوت و یا مطالعه می‌کند به سوی خود بکشاند، مانند آیات ابتدایی و انتهایی سوره‌های مبارکه بقره و آل عمران.

از ویژگی‌های دیگر قرآن کریم توقیفی بودن آیات آن است و بر مبنای کدام منطق و دستور زبان نمی‌باشد، یعنی همان طوری که رسول اکرم ﷺ فرموده است که چه اندازه یک آیه می‌باشد؟ مانند: الم که یک آیه است و آیه الکرسی هم یک آیه می‌باشد، این در حالیست که رسول اکرم ﷺ ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن کریم را مشخص نموده و به اجتهاد کسی دیگر نگذاشته‌اند.

در عصر صحابه رضی الله عنهم، قرآن کریم به هفت منزل و یا حزب تقسیم گردید تا کسی که در هفت روز قرآن کریم را ختم می‌کند، هر شب یک منزل از آن را تلاوت نماید و به چنین روشی ساده و آسان، آن را به پایان ببرد.

رکوع بندی قرآن کریم در زمان حجاج بن یوسف صورت گرفته است، هر چند حجاج در تاریخ اسلامی نام خوبی ندارد؛ اما وی با این کار خود، توانست اقدامی نیک و خدمت بزرگی به قرآن انجام دهد، هدف از رکوع بندی قرآن کریم در واقع نشانه گذاری برای تلاوت در نماز بوده است، طوری که یک رکوع نصابی برای یک رکعت نماز محسوب می شد، هر چند ادای نماز با سه آیه کوتاه و یک آیه طولانی نیز صحیح می شود.

ترتیب نزولی قرآن کریم با ترتیب مصحف کاملاً متفاوت است، سیرت پیامبر ﷺ از ترتیب نزولی قرآن کریم اخذ می گردد و نزد اهل سنت و جماعت، اصل قرآن کریم به ترتیب مصحف عثمانی می باشد و همین ترتیب در لوح محفوظ و ام الکتاب ثبت است.

قرآن کریم در عصر رسول اکرم ﷺ جمع گردیده و به همین ترتیب پیامبر اکرم ﷺ، قرآن کریم را برای اصحاب کرام قرائت می نمودند؛ بنابراین قرآن کریم در عصر مبارک رسول اکرم ﷺ، ترتیب گردید. در دوره خلیفه راشد سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه و بعد از حادثه جنگ یمامه که تعداد زیادی از قاریان قرآن به شهادت رسیدند، شرایط طوری رقم خورد که باید قرآن کریم از سینه حفاظ، روی لوحه ها و اشیای دیگری که نوشته شده بود، جمع آوری گردد. تا خدای نکرده از میان رفتن حافظان، سبب از بین رفتن قرآن کریم نگردد؛ بناءً برای این کار اقدام عملی و جدی روی دست گرفته شد و به شکل یک کتاب منظم، تدوین و دیزاین گردید. و بعد از اقدام به این کار و عملی شدن آن، عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نام مصحف را بر روی قرآن کریم گذاشت.

بعداً در دوره خلافت سیدنا حضرت عثمان رضی الله عنه، قدمی دیگر جهت خدمت به قرآن کریم برداشته شد، فتوحات اسلامی به گوشه و کنار دنیای آن روز رسیده بود، ملت های مختلف با پذیرش اسلام پیرو این دین مبارک می گردیدند، چون قرآن کریم به لهجه های مختلف عرب خوانده می شد، این کار سبب شد تا ملت های تازه به اسلام وارد شده، به اختلاف بیفتند، بناءً هنگامی که بزرگان صحابه این اختلاف را احساس نمودند، فوراً اقدام به تدوین قرآن کریم به لهجه قریش نمودند. سیدنا عثمان برای عملی نمودن این کار، کمیته یی متشکل از علمای صحابه تشکیل داد و نسخه های پیشین جمع آوری گردید، سپس نسخه ای جدید از قرآن کریم که با لهجه قریش بود، تثبیت شد. و چندین نسخه از مصحف جدید نوشته شده و برای اطراف و اکناف جهان اسلام در آن زمان فرستاده شد. در حقیقت این آخرین کاری بود که در عصر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت و مصاحف موجود امروزه، نیز مشهور به مصاحف عثمانی می باشد.

هر یک از سوره های قرآن کریم یک مضمون محوری دارد و آیات موجود در آن سوره بر محور آن می چرخد، و بیشتر سوره های قرآن همانند هم اند؛ لیکن مضمون آن یکی است، مانند الزهراوین (سوره بقره و سوره آل عمران). قرآن کریم دارای یک صد و چهارده سوره است، و هر سوره از حکمت و آیات الهی خبر می دهد، هر سوره بر گرفته شده از حکمت و قدرت خداوند تعالی گرفته شده است؛ همان طوریکه قبلاً گفتیم، هر یک از سوره ها در قرآن کریم به شکل دانه های صدف که به ترتیب تشکیل شده و یک مضمون محوری دارد و آیات موجود در آن سوره، بر محور آن می چرخد، به شکل

دانه‌های صدف که به ترتیب تشکیل شده و با هم هماهنگ اند که در نتیجه یک طوق زیبا از خود به نمایش می‌گذارند.

زمان تقسیم بندی قرآن کریم بشکل جزء وار، نامعلوم است، البته هدف از تقسیم بندی به شکل جزء، شاید به این علت شده باشد تا اگر کسی بخواهد در یک ماه قرآن کریم را ختم کند، به عنوان مثال روزانه یک جزء تلاوت نموده و با این شیوه در یک ماه یکبار ختم گردد، در واقع تقسیم بندی قرآن کریم بطور جزءوار، شبیه همان کاری است که در عصر صحابه قرآن کریم به هفت حزب تقسیم شده بود، می باشد. البته این کار جهت سهولت تلاوت قرآن کریم انجام شده است و علمای قرآنی این زحمت را برای ساده نمودن رجوع امت به آن ایجاد نموده اند.

قرآن کریم کتاب آسمانی است که عجایب و شگفتی آن هیچ‌گاه ختم نمی‌شود و با تکرار تلاوت و مطالعه، کهنه و فرسوده نمی‌گردد. قرآن کریم مانند گنجینه‌الماسی است که هر زمان از آن گنج، الماس بر داشته شود، دوباره بر آن افزوده می‌شود، به این معنی که اعجاز قرآنی پایان ناپذیر است.

قرآن کریم به هفت قسمت تقسیم شده و هر قسمت دارای سوره‌های مختلف می‌باشد: قسمت اول قرآن کریم سوره مبارکه فاتحه است و مضمون مرکزی این قسمت، شریعت می‌باشد. ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۱، قسمت دوم و سوم قرآن کریم رسالت انبیاء ﷺ نقطه محوری است، و قسمت چهارم و پنجم توحید و یکتایی الله متعال مضمون محوری بوده و دو قسمت اخیر انداز و هشدار آخرت مضامین محوری قرآن کریم را تشکیل می‌دهد.

موضوع قرآن کریم انسان و هدایت وی است:

علوم انسانی دو بخش دارد، یک بخش آن از حواس خمسسه به وجود می‌آید و با عقل انسانی قابل تحلیل و تطبیق است تا بتوان از آن نتیجه اخذ نمود، و تعلق این علوم به علم و آگاهی از اسم‌های است که الله تعالی به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام عنایت فرمود. بخش دوم علوم انسانی، داشته‌های است که از علم وحی و هدایت الهی سر چشمه می‌گیرد و تجارب بشری در آن داخل نیست که بزرگ‌ترین مثال آن، قرآن کریم است و از عمده‌ترین اهداف این کتاب، هدایت بشر به بهترین راه‌هاست، به همین سبب، یکی از نام‌های قرآن کریم «الهدی» می‌باشد.

برای فهم درست و صحیح از قرآن کریم رعایت اصول ذیل ضروری اند:

۱- اسلوب استدلال قرآن کریم بر اساس خطاب فطری است؛ یعنی مطابق فطرت انسانی با ما سخن دارد.

در قرآن کریم دو گونه آیات وجود دارد؛ محکمات و متشابهات. مراد از آیات محکم، آیاتی است که در معنای آن‌ها نوعی صراحت و ایتقان وجود دارد که خواننده بدون تردید و اشتباه به معنای آنها پی می‌برد، مانند این فرموده الله متعال: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...﴾^۱ او است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده است. بخشی از آن، آیه‌های «مُحْكَمَات» است (و معانی مشخص و اهداف روشنی دارند و) آن‌ها اصل و اساس این کتاب هستند، و بخشی از آن آیه‌های

«مُتَشَابِهَات» است، (و معانی دقیقی دارند و احتمالات مختلفی در آن‌ها می‌رود).

آیات محکمات دلالت صریحی بر معنای خود دارند و هر کسی که آیه را بخواند و با زبان عربی آشنا باشد، بدون تردید معنای آن را متوجه می‌شود. و آیات متشابه، آیاتی اند که مقصود از آن برای شنونده روشن نیست و چنان نیست که شنونده به محض شنیدن، معنای آن را درک کند؛ بلکه در این که منظور چیست؟ تردید دارد و تردیدش وقتی برطرف می‌شود که به آیات محکم رجوع نموده و به کمک آن‌ها معنای آیات متشابه را مشخص کند، و در نتیجه همان آیات متشابه نیز محکم میشوند. پس آیات محکم بذات خود محکم هستند و آیات متشابه، توسط آیات محکم، محکم می‌شوند. بر اساس این قول، مراد از متشابه مسائلی مانند زمان برپایی قیامت، ماهیت روح و مانند آن از اموری است که بشر آن‌ها را نمی‌داند و مراد از محکم، آیه‌های متقن و واضحی است که همگان می‌توانند به معانی و تفسیر آن‌ها پی ببرند و در فهم آنها دچار اشتباه و التباس نشوند.

فرق بین تفسیر و تأویل، تفسیر در لغت به معنی روشن نمودن و تبیین است و در تعریف اصطلاحی تفسیر، تعریف‌های متعددی را دانشمندان گفته‌اند، از جمله: بدرالدین زرکشی فرموده است، تفسیر علمی است که با آن، کتاب خدا که به پیامبرش نازل شده شناخته می‌شود و بیان معانی و به دست آوردن احکام و حکمت‌های قرآن، از تفسیر استفاده می‌شود.

تأویل در لغت به معنی رجوع و برگشت می‌باشد و حتی در تمامی مواردی که در قرآن به کار رفته ناشی و برگرفته از معنی لغوی‌اش می‌باشد، راغب اصفهانی می‌گوید: تأویل برگرداندن چیزی است به پایان و نتیجه‌ای

که از آن منظور گوینده است، خواه این نتیجه گفتاری باشد یا کرداری و نظر بیشتر کارشناسان قرآنی نیز همین معنای دوم می باشد.

۲- توجه به تاویل عام و تاویل خاص:

قرآن کریم در زمان و مکان خاصی نازل گردیده است، یعنی ۱۴۰۰ سال قبل در سرزمین حجاز بر قومی صحرانشین فروفرستاده شد. در آن زمان پیشرفت خاصی نشده بود و ضرورت به فلسفه، تکنالوژی که امروزه ما از آن برخوردار هستیم نبود، و آیات قرآن کریم نظر به شرایط و حالاتی که مردم در آن زمان بودند، نازل گردید. در قدم نخست ما باید همه شرایط و حالات نزول آیات قرآن کریم که در آن زمان حاکم بود را بدانیم، یعنی در شرایط حاکم آن زمان و مکان خاص، معانی از آیاتی را که اخذ کرده می توانیم، تاویل خاص می گویند، شان نزول آیات در تاویل خاص در نظر گرفته می شود، از سوی دیگر قرآن کریم برای همیشه کتاب هدایت است و مقید به زمان خاصی نیست و بلکه عمومی می باشد، بنابر نظریه عمومی هدایت قرآن کریم، آن را تأویل عام می گویند؛ نکته دیگر در تاویل عام، بحث الفاظ در سیاق و سباق آیات مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۳- تذکر و تدبر در قرآن:

در مورد تذکر و تدبر باید گفت که از قرآن کریم، هدایت بنیادی حاصل نمودن بسیار آسان است، و اما اگر انسان در عمق بحر قرآن کریم غوطه ور گردد و به تعمق و تفکر بپردازد، از این جهت مشکل ترین کتاب دنیا است و این را تذکر و تدبر می گویند.

۴- نگاه و نگرش به قرآن کریم:

دیدگاه طالب علم از تفسیر قرآن کریم باید دید اسلاف نگر باشد، به این معنا، کسی که در مورد احکام قرآن کریم به تحقیق و بررسی به هدف فهم درست قرآن می پردازد، باید ببیند که اسلاف و علمای گذشته از قرآن چه برداشتی داشته و پیشتر از آنان تابعین و تبع تابعین چگونه برداشتی از قرآن داشتند و قبل از آنان یاران و شاگردان مستقیم پیامبر ﷺ قرآن را چگونه فهمیدند و حتی بالاتر از همه خود را باید به قدم های پیامبر اکرم برساند که آن بزرگوار چگونه قرآن را تفسیر و ترجمه عملی نمودند. چنین اقدامی یعنی اقتداء به علمای سلف و عصر ابتدایی نزول قرآن کریم در واقع قسمت علمی دین است که مسایل مربوط به حلال و حرام، جایز و ناجایز را به ما می آموزاند؛ اما در باب حکمت و علوم ساینسی قرآن کریم، باید همواره راه تلاش و کوشش را پیش گرفته و به جلو حرکت کنیم.

۵- قرآن کریم کتابی نیست که انسان آن را در کتابخانه جهت مطالعه باز نموده و از کتب دیگر حواله جمع آوری کند تا آن را بفهمد؛ بلکه برای فهم درست قرآن کریم، این شرط لازم و ضروریست که به همان جهتی حرکت نماییم که قرآن کریم به ما ترسیم نموده است، در این صورت حقایق مزید قرآنی بر ما منکشف می شود، و در غیر آن، حرکت مغایر با جهت ترسیم شده قرآن کریم، سبب دور شدن از حقایق و فهم معانی آن خواهد شد، حتی اگر تفسیر قرآن کریم را هم بنوسیم، بناء فهم صحیح قرآن کریم بدون عمل به آن ممکن و میسر نخواهد بود.

۶- یکی از اعجاز قرآن کریم این است که در هر عصر و زمان، مانند یک خورشید نو طلوع می کند، و انسان فکر می کند که قرآن کریم امروز بدستم رسیده و حل تمام مسایل و مشکلات امروزی ما در قرآن کریم است.

قرآن کریم نشانه رسالت رسول اکرم ﷺ است، شخصیت رسول اکرم ﷺ دلیل حقانیت قرآن کریم و قرآن کریم دلیل رسالت آنحضرت ﷺ می باشد.

قرآن کریم در اصل معجزه رسول اکرم ﷺ است و در تعریف معجزه گفته شده آنچه که طرف مقابل را عاجز نماید، در معجزه دو چیز لازم است: دعوت، و تحدی یا همان مقابله و چالش.

معمولا پیامبران الهی ﷺ برای حقانیت رسالت شان در مقابل مخاطبان، به اجازة الله متعال معجزه نشان می دادند و جانب مقابل را در مقابل خود از انجام آن عاجز می کردند، مانند: معجزه تبدیل شدن عصای سیدنا موسی علیہ السلام به اژدهای بسیار وحشتناک.

۷- در باب معجزه بودن قرآن کریم، آیات متعددی موجود است که گویای این حقیقت روشن است، مانند این آیه مبارکه در سوره بنی اسرائیل که خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾^۱ «بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر این که هم چون این قرآن را (با این شیوه های دلربا و معانی زیبا بسازند و) بیاورند، نمی توانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هر چند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی

دیگر شوند (چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست).»

در سوره یونس آمده است: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلْطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱ «بلکه آنان می گویند که (محمد قرآن را خود ساخته و پرداخته است و) او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است. بگو: (اگر چنین است و قرآن ساخته بشر است) شما يك سوره همانند آن را بسازید و ارائه دهید و در این کار هرکسی را که می خواهید بجز خدا فرا خوانید و به کمک بطلبید، اگر راست می گوئید (که قرآن را من ساخته و پرداخته‌ام)».

قرآن کریم از حیث لغت، ادب، فصاحت، بلاغت و... در اوج قرار دارد که این خود معجزه‌ای از معجزه‌های آن می باشد.

قرآن کریم از حیث ماندگاری و دوام، به ذات خود معجزه است، ادعاهای قرآن مبنی بر مسایل ساینسی و اختراعات، معجزه‌ای دیگر برای آن محسوب می شود، و هم چنان از دیدگاه سیاسی نیز قرآن کریم کتابی معجزه آسا است. نقشه کارنامه انقلابی رسول اکرم ﷺ قرآن بود و با این نقشه کامل توانستند نظامی در جهان حاکم سازند که بر مبنای عدل و انصاف استوار بود و نظیر آن در جهان قبل و بعد از آن وجود ندارد.

قرآن، حبل الله است و «حبل» وصل نمودن و رسیدن به چیزی را می گویند. و معنی دیگر حبل نگهداشتن از تفرق و پراکندگی است و تشبیه قرآن به ریسمان، تشبیه نهایت جامع و بلیغ می باشد؛ ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ

جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... ﴿۱﴾ «وهمگی به رشته (ناگسستی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید...»

معنی دیگر حبل الله این است که قرآن کریم مسلمانان را باهم متعهد و متفق می‌سازد، قرآن کریم منبع اتحاد فکری، مقاصد، نظریات و ارزش‌های انسانی می‌باشد.

قرآن کریم وسیلهٔ تقرب بنده به الله متعال است و این وسیله آسان‌ترین و مؤثرترین وسیلهٔ ممکن رسیدن به خداوند می‌باشد. قرآن کریم مانند ریسمانی است که یک طرف ریسمان نزد الله تعالی است و طرف دیگرش نزد کسی است که آن را تلاوت می‌کند.

حقوق قرآن کریم بر مسلمانان

قرآن کریم حقوق ذیل را بالای مسلمانان دارد:

۱. تلاوت و ترتیل: قرآن کریم را طوری که حق تلاوتش بر ماست، بخوانیم.

۲. فهمیدن (تذکر و تدبر): قرآن کریم طوری بفهمیم که حق فهمیدن آن است.

۳. عمل: عمل در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، در بعد فردی زندگی شخصی خویش را طبق قرآن کریم عیار نماییم و در بعد اجتماعی، همه موازین و خواسته‌های اجتماعی قرآن را در زندگی خویش تطبیق نماییم.

۴. نشر و پخش دعوت قرآن: عام کردن و رساندن قرآن کریم برای دیگران، تا هیچ یک از امت رسول اکرم ﷺ از این خیر و سعادت محروم نماند، به گونه‌ای که مصداق عملی این حدیث پیامبر اسلام قرار بگیریم «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۱ «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران بیاموزاند».

برای مسلمانان امروزی فهم صحیح ده سوره قرآن کریم خیلی ضروری است، گویا این ده سوره خلاصه‌ای از تمام قرآن کریم می‌باشد، و این ده

سوره از جمله بزرگترین سوره‌های قرآن کریم بشمار می‌رود و به شکل یک دسته گل زیبا تبارز نموده است. از آن جمله، پنج سوره آن را مسبحات می‌گویند؛ یعنی سوره‌های که با تسبیح خداوند متعال شروع می‌شود. این ده سوره: سوره‌های حدید، مجادله، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون، تغابن، طلاق و تحریم می‌باشند.

قابل ذکر است، مسلمانانی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند، باید متوجه این حقیقت باشند که قرآن کریم، با الفاظ و معانی وحی شمرده می‌شود، تا معاذالله مانند مسیحیان دچار اشتباه و گمراهی نگردند، در آیین مسیحیت تنها وحی بالمعنی اصل است؛ آنان مانند مسلمانان بر وحی با الفاظ یقین ندارند؛ چون به این عقیده‌اند که از سوی الله متعال، مفهوم وحی بر حضرت عیسی علیه السلام نازل گردیده است و حضرت عیسی علیه السلام آن وحی را با الفاظ خود ادا کرده و برای مردم رسانده است. حتمی بودن این عقیده در بین مسیحیان، سبب شده تا انجیل‌های متفاوتی نوشته شود و از این ناحیه دچار گمراهی بزرگ شده‌اند؛ اما ما مسلمانان به این باور هستیم که قرآن کریم با الفاظ و معنای وحی می‌باشد، یعنی تمام آیاتی که از سوی الله تعالی بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده، و ایشان درست همان‌طور برای عالم بشریت رسانده‌اند، و با بعثت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، وحی به الفاظ و معانی نیز ختم گردید.

اما رویا، کشف، القاء، الهام همه وحی بالمعنی‌اند که در دل انسان مومن از سوی الله تعالی انداخته می‌شود و و این دروازه تا امروز البته با شرایطی که شریعت وضع نموده است، باز می‌باشد.

انسان با فطرت و سرشت خود مسلمان آفریده شده، و این ایمان فطری در درون انسان غیر فعال و خوابیده است، بناء قرآن کریم سبب بیدار نمودن ایمان فطری خفته در درون انسان می باشد، به همین ترتیب قرآن کریم سبب بیدار نمودن روح خفته در جسم انسان است، و منبع روح و قرآن کریم، ذات الله متعال می باشد.

معرفی مختصر سوره‌های قرآن کریم

سوره فاتحه:

سوره مبارکه فاتحه مکی و دارای ۷ هفت آیه است، این سوره به اعتبار مصحف قرآنی، اولین سوره است؛ لیکن به اعتبار نزول، این سوره اولین سوره کاملی است که بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است، پیش از این سوره، آیات مختلفی بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده بود. سوره فاتحه به معنی سوره آغازین است (از فتح یفتح — به معنای باز کردن اخذ شده است)، و مفتاح به معنی کلید است. سوره فاتحه نام‌های زیادی دارد، لیکن مشهورترین نام‌هایش: الکافیه، الشافیه، ام القرآن، و اساس القرآن می‌باشد.

تعدادی از علما فرموده اند که «بسم الله الرحمن الرحیم» یک آیه از آیات سوره فاتحه است که بطور مکمل هفت آیه می‌شود و بعضی هم به این نظر اند که بسم الله از آیات سوره فاتحه نیست.

در حدیث شریف، این سوره دعاء نامیده شده است، بخاطر اسلوب این سوره که بر مبنای دعا است و به همین دلیل، قراءت این سوره در نمازها، جزء جدایی ناپذیر، قرار داده شده است؛ چنانچه در حدیثی از پیامبر بزرگوارمان صلی الله علیه و آله روایت شده است که نماز سوره فاتحه است، در حدیثی دیگر

نقل شده است، «لَا تَجْزِي صَلَاةَ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^۱ کسی که سوره فاتحه را در نماز تلاوت نکند نماز وی نماز نیست، حضرت امام مالک رحمته الله فرموده: در رکعت‌های که قراءت توسط امام بلند خوانده می‌شود، مقتدی باید سوره فاتحه را پشت سر امام بشنود؛ و در رکعت‌های که تلاوت آهسته خوانده می‌شود، باید سوره فاتحه را بخواند.

در مورد حکمت و فلسفه قرآن کریم این را باید دانست که هدایت بنیادی در دل هر انسانی بالقوه موجود است و وظیفه کتب منزل آسمانی این است تا شعور خوابیده را بیدار و فعال سازد. انسانی که دارای عقل و فطرت سلیم باشد و فطرتش مسخ نشده باشد، به بعضی حقایق دسترسی پیدا می‌کند و لیکن برای هدایت مزید به کتاب ضرورت دارد، و این برای کسانی است که ایمان به الله تعالی و آخرت دارند و به این عقیده‌اند که آن ذاتی که مرا پیدا نموده است، دوباره روز قیامت نزدش برای حساب و کتاب حاضر می‌شوم، پس برایم لازم است که بندگی و اطاعت او را بنمایم و مطابق هدیای داده شده از سوی او عمل کنم. و اینجاست که دست به دعا می‌شود و در جستجوی راه صحیح و هدایت می‌گردد و از خود می‌پرسد که کدام راه؟ و این همان نقطه‌ای است که انسان باید خود را عیار نموده و سپس سوره فاتحه را تلاوت کند.

در سه آیه اول سوره فاتحه، حمد، ثناء و صفات الله تعالی قرار دارد و سه آیه دوم سوره فاتحه مربوط بهندگان الله تعالی است که همه باید خواهان هدایت از سوی او تعالی باشند. یعنی هدایت انسان به صراط مستقیم

بزرگترین کمک و عنایت از سوی الله تعالی برای بنده است. در این مورد حدیثی قدسی نیز وجود دارد که پیامبر به نقل از الله متعال می‌فرماید:

«مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يَقْرَأْ فِيهَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ فَهِيَ خِدَاجٌ ثَلَاثًا غَيْرَ تَمَامٍ». فَقِيلَ لِأَبِي هُرَيْرَةَ إِنَّا نَكُونُ وَرَاءَ الْإِمَامِ. فَقَالَ اقْرَأْ بِهَا فِي نَفْسِكَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ). قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَمْدُنِي عَبْدِي وَإِذَا قَالَ (الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ). قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَثْنَى عَلَيَّ عَبْدِي. وَإِذَا قَالَ (مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ). قَالَ مَجْدُنِي عَبْدِي وَقَالَ مَرَّةً فَوَضَّ إِلَيَّ عَبْدِي فَإِذَا قَالَ (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ). قَالَ هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ. فَإِذَا قَالَ (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ). قَالَ هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ»^۱ کسی که نماز بخواند و در آن سوره فاتحه را بخواند پس نماز وی ناقص است، ناقص است، ناقص و نا تمام است. و فرمود که الله می‌فرماید که من نماز را بین خود و بین بندهام تقسیم نمودم که نصف آن از من و نصف آن از بندهام می‌باشد و برای بندهام هر آنچه که بخواهد داده می‌شود. پس چون بنده می‌گوید: «الحمد لله رب العالمین» الله (می‌گوید: بنده ام حمد مرا گفت، و چون بگوید: «الرحمن الرحیم» الله می‌گوید: بندهام بر من ثنا گفت. و چون گفت: «مالک يوم الدين» می‌گوید: بندهام مرا به بزرگی یاد کرد، و چون گفت: «إياك نعبد و إياك نستعين» می‌گوید: این در بین من و بندهام می‌باشد و برای بندهام آنست که می‌خواهد، و چون می‌گوید: «إهدنا الصراط المستقیم، صراط الذين

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» می‌گوید: این از بنده‌ام است و برای بنده‌ام همانست که می‌خواهد».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«الرحمن الرحيم» دو نام از نام‌های الله متعال اند و از ماده رحمة اخذ گردیده اند. نام «الرحمن» دلالت بر رحمت الله تعالى به شکل توفانی و جوش و خروش می‌کند و «الرحيم» دلالت بر رحمت واسعه پروردگار به گونه دوام و تسلسل می‌نماید، پس هر دو نام «رحمن و رحيم» به طور مستقل و مستمر بالای بندگان موجود است، به همین دليل در میان اين دو اسم، هيچ وقت حرف عطف نمی‌آید.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

همه تعریف‌ها و تمجیدها و شکرگزاری‌ها برای الله تعالى است، ذاتی که ربّ تمام کاینات است، رب به معنی کسی است که هم مالک و هم مربی باشد.

﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

بی‌نهایت بخشنده و بی‌نهایت مهربان است.

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

ذاتی که مختار مطلق در روز جزاء و پاداش است.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

﴿اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

ما را به راه راست راهنمایی فرما.

بزرگترین کمک از سوی الله تعالی برای بندگانش هدایت و استقامت است؛ چراکه اگر انسان گمراه باشد حتی اگر تمام دنیا را هم داشته باشد با وجود آن نیز از جمله بدبخت ترین انسانها است.

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

هدایت مان کن به راه آنانی که بدانان نعمت داده‌ای؛ (انبیای کرام، صدیقین، شهدا و مسلمانان صالح)، نه راه آنانی که بر ایشان خشم گرفته‌ای و نه راه گمراهان و سرگشتگان. (او تعالی بر کسانی خشم و غضب می‌کند که با وجود واضح بودن راه مستقیم و هدایت روشن، از آن سر باز زده و راه کسانی را می‌پیمایند که مستحق خشم و غضب الهی شدند؛ همان کسانی که در پی بر آورده نمودن امیال نفسانی، تکبر، و حسد هستند. بعنوان مثال اگر تاریخ را مطالعه کنیم، مثال واضح از کسانی که مورد خشم و غضب او تعالی قرار گرفتند، یهودیان می‌باشند. الله تعالی برای آنها کتاب آسمانی تورات را فرستاد، تعداد فراوانی از پیامبران را جهت هدایت شان فرستاد، اما ایشان بنابر شرارت ها و پیروی هوای نفسانی، از هدايات کتاب آسمانی تورات روی برتافتند.

ولا الضالین و نه آنانی که گمراه شدند، لفظ ضالین در قرآن کریم به معنی گمراه و کسی که در تلاش حق است استفاده می‌شود، یعنی کسی که بر او

حق واضح نشده و در تلاش بدست آوردن حق است. ضالین به کسانی اطلاق می شود که در حیرت و سردرگمی بسر برده، اسیر احساسات بوده و مبتلا به غلو و افراط می باشد، بنابر این مشکلات است که راه حق را گم نموده در سلک گمراهان قرار می گیرد. قرآن کریم نمونه واضح از این گروه، نصرانی ها را معرفی می نماید؛ آنانی که در حق سیدنا عیسی مسیح علیه السلام غلو و افراط نموده و در نهایت نسبت های ناروا به آن بزرگوار بستند. (او را به خدا نسبت دادند، به او فرزند خدا گفتند) و در طول قرن ها گرفتار این باور غلط شده اند که هنوز این باور در بین شان جریان دارد. اخیرا تذکر داده می شود، نصرانی ها در ابتدای امر با تعالیم سیدنا عیسی علیه السلام راه هدایت را پیش گرفته بودند و دچار این خرافات نبودند؛ اما به مرور زمان تعالیم آن بزرگوار را تحریف کرده و با غلو بیش از حد، در حق پیامبر شان دچار گمراهی شدند.

«آمین»

گفتن لفظ آمین بعد از قراءت سورة فاتحه بین جمهور علماء، متفق علیه، مسنون و الزامی است.

سورة بقره:

سوره مبارکه بقره مدنی و دارای ۲۸۶ دو صد و هشتاد و شش آیه است و بزرگترین سورة قرآن کریم شمرده می شود و در مدینه منوره نازل شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله این سوره را سنام القرآن و یا بلندای قرآن کریم نامیده اند. این سوره شامل بخش های مختلفی بوده و اولین منزل قرآن کریم است. شبیه این سوره، سورة آل عمران است که در مصحف قرآنی بعد از آن قرار گرفته است. یکی از علایم و وجوه شباهت آن، آنست که این هر دو سوره با حروف

مقطعه «الم» آغاز گردیده‌اند. این دو سوره را رسول اکرم ﷺ الزهراوین (روشن و تابناک) نامیده است. محبت با این دو سوره سبب درآمدن در سایه سارها در گرمای روز قیامت می‌گردد.

سوره بقره به دو بخش تقسیم می‌شود؛ در بخش اول، اصل سخن و یا مبحث محوری روی امت‌های گذشته خاصاً بنی اسرائیل است، و در بخش دوم، خطاب به امت اسلامی است. بحث رکوع اول سوره بقره دعوت است، نه رکوع سوره بقره ردی بر تقلید بی جا و نقد و انتقاد از یهود بنی اسرائیل است، و چهار رکوع اخیر سوره، به جایگزینی امت اسلامی بجای بنی اسرائیل می‌باشد؛ آن‌هم بدین جهت که ایشان از مسیر درست دچار انحراف گردیده و بسا پیمان‌های که با خدا بسته بودند، شکستند. یکی از نشانه‌های آمدن امت جدید در میدان، بحث تحویل قبله از بیت المقدس به بیت الله الحرام است که در قسمتی از سوره به آن اشاره شده است.

سوره آل عمران:

سوره آل عمران مدنی و دارای ۲۰۰ دو صد آیه است، این سوره در بسیاری از مسایل مطرح شده با سوره بقره شباهت داشته و در بعضی مضامین، این سوره با سوره مبارکه بقره تفاوت‌های اندکی دارد. در این سوره آیاتی با تفصیل در مورد غزوه احد موجود است، همچنان حضرت پیامبر اکرم ﷺ سوره بقره و سوره آل عمران را الزهراوین نامیده‌اند.

در اخیر سوره مبارکه آل عمران دعای بسیار جامع وجود دارد؛ یکی از بحث محوری این سوره که قسمت قابل توجه سوره را تشکیل می‌دهد، موضوع مسیحیان است. این سوره دارای بیست رکوع می‌باشد که ده رکوع در

نیمه اول و ده رکوع در نیمه دوم سوره قرار دارد. در این سوره مهمترین بحثی که از احکام شده موضوع سود «ربا» می باشد.

سوره نساء:

سوره مبارکه نساء مدنی و دارای ۱۷۶ یکصد و هفتاد و شش آیه است و نظیر آن سوره مبارکه مائده می باشد. بخش اول این سوره خطاب به اهل ایمان است و در بخش دوم آن، مورد خطاب اهل کتاب می باشد و بخش سوم سوره، منافقین را مورد خطاب خویش قرار می دهد. خطاب های ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ در این سوره متوجه منافقین نیز می باشد؛ چرا که در قرآن کریم به عنوان یا ایها الذین نافقوا خطابی متوجه این گروه نگردیده است؛ و همچنان منافق به ظاهر مسلمان است، اما در دل کافر می باشد. پس شناخت و تفکیک این نوع آیات نیاز به توجه عمیق و دقیق دارد، در غیر آن دچار غلط فهمی می شویم.

در این سوره مباحثی پیرامون حقوق زنان، حقوق زن و شوهر و آداب همبستری نیز وجود دارد، گویا این سوره در مورد زیر بنای تمدن انسانی بحث می کند. سوره مبارکه مائده در مورد بلندترین درجه تمدن که شامل ریاست، نظام عدالتی، تعزیرات و حدود است، بحث می کند. ضمن بیان موضوعات عدیده ای در سوره های نساء و مائده، آخرین خطابه ها برای اهل کتاب نیز بیان گردیده است.

سوره المائده:

سوره مبارکه مائده مدنی و دارای ۱۲۰ یکصد و بیست آیه است. اسلوب و بیان این سوره مانند سوره نساء می باشد؛ با این تفاوت که بیشتر خطاب های

سوره مائده متوجه اهل کتاب است. در سوره مبارکه مائده اتمام حجت بر اهل کتاب صورت گرفته و هم‌چنان آخرین دعوت ایشان به حق و حقیقت نیز در همین سوره بیان گردیده است.

سوره انعام:

سوره مبارکه انعام مکی و دارای ۱۶۵ یک صد و شصت و پنج آیه است، در مورد فضیلت سوره مبارکه انعام امام ابن کثیر رحمته الله در تفسیرشان به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می نماید: عَنْ جَابِرٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ سُورَةُ الْأَنْعَامِ سَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، ثُمَّ قَالَ: «لَقَدْ شَيعَ هَذِهِ السُّورَةَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا سَدَّ الْأُفُقَ»؛ از جابر رضی الله عنه روایت شده که فرمود: آنگاه که سوره انعام نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تسبیح گفتند و فرمودند، همانا این سوره توسط تعدادی از ملائکه همراهی شده که تعداد شان کناره های افق آسمان را پر نموده است.

در سوره های مکی خطاب متوجه مشرکین عرب است و در مضمون محوری سوره های مکی توحید، اثبات توحید و نفی شرک، ایمان به آخرت و ایمان به رسالت را نیز شامل است. بناء اصل مضامین سوره های مکی بحث روی قضایای ایمانی و اخلاقی مانند انجام کارهای درست، و اجتناب از کارهای بد است. بحث دیگری که در سوره های مکی جلب توجه می کند، بیان حقانیت رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. و در سوره های مدنی، خطاب متوجه اهل ایمان است. در این سوره ها، خطاب هدایت امت مسلمه به سوی راه راست می باشد. هم‌چنان در سوره های مدنی اگر خطابی متوجه اهل کتاب گردیده، این خطاب به گونه ملامت، دعوت، ترهیب و ترغیب بیان گردیده است.

به همین ترتیب در سوره های مدنی خطاب به منافقین نیز وجود دارد. مباحث دیگری که سوره های مدنی در خود دارند، مسایل احکام شرعی می باشد. در سوره مبارکه انعام مهمترین بحث و تاکید روی رسالت انبیاء و به خصوص رسالت نبی اکرم ﷺ شده است. در این سوره خبر داده شده که آن دسته از امت های پیشین که دعوت پیامبرشان را نپذیرفتند، دچار هلاکت و نابودی گردیدند؛ اما در مورد امت نبی اکرم ﷺ، تعامل به گونه دیگری است؛ یعنی آن دسته از بلایا و مصایبی که بر اثر نپذیرفتن حق بر امت های گذشته نازل شد، به برکت و دعای پیامبر اکرم ﷺ از این امت دفع گردیده و ایشان به اشکال دیگری مورد محاسبه الله متعال قرار می گیرند. و بیشترین تذکر در سوره مبارک، انعام، در مورد عظمت و بزرگی الله متعال می باشد.

سوره اعراف:

سوره اعراف مکی و دارای ۲۰۶ دو صد و شش آیه است، این سوره بزرگترین سوره مکی می باشد. سوره مبارکه اعراف به ایام تذکر می دهد (روزهای بزرگی که عذاب الله متعال بر ملت های مختلف به سبب نافرمانی شان نازل گردیده است، مانند: عاد، ثمود و قوم فرعون).

سوره انفال:

سوره مبارکه انفال مدنی و دارای ۷۵ هفتاد و پنج آیه بوده و بعد از غزوة بدر نازل گردیده است. در سوره انفال اتمام حجت با مشرکین عرب صورت

گرفته است. و هم چنان چگونگی عذاب الهی که سران قریش را از منطقه حرم مکه خارج ساخت و آنان را به وسیله لشکری که عاری از وسایل و امکانات جنگی بودند، گرفتار نموده و در نهایت آنان را دچار عذاب نمود. بحث دیگری که این سوره بدان پرداخته است، موضوع اموال و غنایمی است که در جنگ توسط مجاهدین به دست می آید، و این که هدف از جنگ فتح است و به دست آوردن مال غنیمت، چیز ضمنی می باشد.

سوره توبه:

سوره مبارکه توبه مدنی و دارای ۱۲۹ یک صد و بیست و نه آیه است، سوره توبه مشکل ترین سوره قرآن کریم است، در این سوره خطاب های مختلفی وجود دارد که در زمان های مختلف نازل گردیده و اگر کسی متوجه شأن نزول آیات آن نباشد، با مشکلاتی مواجه شده و برداشت درستی از آن کرده نمی تواند و حتی سبب غلط فهمی دیگران نیز خواهد شد. بخش اول این سوره شامل پنج رکوع و بخش آخرش شامل یازده رکوع می باشد.

از دو رکوع اول این سوره دانسته می شود که بعثت آن حضرت به دو بخش خصوصی و عمومی تقسیم گردیده است، به این معنی که بخش خصوصی رسالت آنحضرت متوجه مشرکین عرب یا بنی اسماعیل است و بخش دوم رسالت شان متوجه عموم انسان ها می باشد.

سنت الهی این است که هرگاه پیامبری از جانب الله متعال به سوی قومی فرستاده شود، اگر آن قوم دعوتش را نپذیرند، بعد از اتمام حجت، خداوند ایشان را مورد محاسبه خویش قرار می دهد، بناء در قسمت هایی از این سوره

به این موضوع اشاره شده و یازده رکوع آخر سوره مبارکه توبه، در مورد غزوه تبوک می باشد.

سوره یونس:

سوره یونس مکی و دارای ۱۰۹ یک صد و نه آیه است، این سوره با سوره هود وجوه مشترکی دارد. یعنی سوره یونس هم طراز سوره مبارکه هود است. سوره مبارکه یونس دارای یازده رکوع می باشد، دو رکوع اول آن در مورد سرگذشت پیامبران گذشته بوده و نه رکوع دیگر آن، تذکر در مورد ارتباط و تعلق انسان ها با الله متعال است و موضوعاتی همچون نعمت ها، احسان، قدرت، خلقت و معرفت الله تعالی را شامل می شود.

سوره هود:

سوره هود مکی و دارای ۱۲۳ یک صد و بیست و سه آیه و ده رکوع است، شش رکوع اول آن در مورد سرگذشت پیامبران پیشین، و چهار رکوع دیگر، تذکر به ایام الله و توجه به عظمت و بزرگی الله متعال است.

سوره یوسف:

سوره یوسف مکی و دارای ۱۱۱ یک صد و یازده آیه است، سوره یوسف در تمام قرآن کریم یک سوره منحصر به فرد می باشد. این سوره از جمله سوره های قصص النبیین در قرآن کریم است. مجموع سوره حکایت از حضرت یوسف علیه السلام دارد. قابل تذکر است که حضرت یوسف علیه السلام نبی بود نه رسول و فرق میان رسول و نبی این است که رسول می گوید بندگی الله تعالی را نموده و از من و اطاعت کنید، در غیر آن گرفتار عذاب الهی خواهید شد؛

اما شیوه دعوت نبی نسبت به دعوت رسول خاصتر است، به این اعتبار که انبیاء اشخاص مصلح، نیک، اولیاء و بندگان برگزیده خداوند متعال اند. و فرق دیگر نبی و رسول درین است که اگر از نبی مخالفت صورت گیرد، عذاب به طور عموم دامنگیر همگان نخواهد شد.

همچنان سوره یوسف زمانی بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردید که یهودی ها نسبت به بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شک بودند و سوال های به شکل غیر مستقیم از آن حضرت صلی الله علیه و آله می نمودند، اما بعد از نزول سوره یوسف، تمام سوالات یهود پاسخ داده شد.

سوره رعد:

سوره مبارکه رعد مدنی و دارای ۴۳ چهل و سه آیه است، سوره رعد هم طراز سوره ابراهیم می باشد.

سوره ابراهیم:

سوره مبارکه ابراهیم مکی و دارای ۵۲ پنجاه دو آیه است، سوره ابراهیم با سوره رعد وجوه مشترک داشته و با آن هم طراز می باشد.

سوره حجر:

سوره مبارکه حجر مکی و دارای ۹۹ نود و نه آیه بوده و شامل شش رکوع می باشد. درین سوره دو بار کلمه «الذکر» برای قرآن کریم به کار رفته است. سوره حجر از حیث زمان نزول در اوایل دوران مکی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردیده و از جمله سوره های منحصر به فرد در قرآن کریم به شمار می رود.

سوره نحل:

سوره مبارکه نحل مکی و دارای ۱۲۸ یک‌صد و بیست و هشت آیه و ۱۶ شانزده رکوع می‌باشد، مبحث عمده و مهم این سوره در مورد نعمت‌های الهی است و آیات آن بطور مجموعی نازل شده و وجوه مشترکی با سوره‌های انعام و روم دارد.

سوره اسراء:

سوره مبارکه اسراء مکی و دارای ۱۱۱ یک‌صد و یازده آیه است، در باب بیان حکمت قرآن کریم، این سوره عظیم‌ترین سوره قرآن است. این سوره با تسبیح به الله متعال شروع می‌شود و میزان معرفت الهی با بیان تسبیح نصف می‌شود و با حمد که در اخیر سوره تذکر رفته است، تکمیل می‌گردد. از جمله محورهای مهم این سوره قضیه معراج پیامبر اسلام ﷺ به آسمان‌ها می‌باشد؛ چنانچه در احادیث معتبر نیز موضوع معراج به طور مفصل ذکر گردیده است. رکوع اول سوره به خاطر بیان حقایق تاریخی بنی اسرائیل، از اهمیت خاصی برخوردار است، در این رکوع چهار دوره تاریخ بنی اسرائیل یادآوری گردیده که قبل از بعثت پیامبر اتفاق افتاده است، گویا تاریخ دو هزار ساله بنی اسرائیل در این رکوع خلاصه شده است. در سوره اسراء لفظ عبد (بنده) برای پیامبر ﷺ به کار برده شده است.

سوره کهف:

سوره مبارکه کهف مکی و دارای ۱۱۰ یک‌صد و ده آیه است، این سوره با حمد بر الله متعال آغاز می‌شود؛ در حدیث شریف به روایت سهل بن معاذ

از پدرش آمده که پیامبر فرمود: ﴿مَنْ قَرَأَ أَوَّلَ سُورَةِ الْكَهْفِ وَآخِرَهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا مِنْ قُدَمِهِ إِلَى رَأْسِهِ وَمَنْ قَرَأَهَا كُلَّهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا مَابَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾^۱ «هر کس اول و آخر سوره کهف را بخواند، برایش نوری از قدم تا سر او خواهد بود، و هر کس تمام این سوره را بخواند، برایش نوری در بین آسمان و زمین می باشد».

در سوره مبارکه کهف، تذکر داده شده که خداوند متعال بر پیامبر کتابی به نام قرآن نازل نموده است. در این سوره لفظ عبد (بنده) بر پیامبر ﷺ اطلاق شده است.

سوره مریم:

سوره مبارکه مریم مکی و دارای ۹۸ نود و هشت آیه است، این سوره زمانی نازل شد که مسلمانان به طرف حبشه راه هجرت را در پیش گرفته بودند و از سوی قریش عمرو بن عاص رضی الله عنه که هنوز مسلمان نشده بود به طرف حبشه رفت تا با نجاشی پادشاه آن وقت حبشه در مورد بازگردانیدن مسلمانان به مکه، گفتگو کند. هنگامی که نجاشی از جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه نظر وی را در مورد حضرت مریم عليها السلام پرسید، جعفر در پاسخ به وی، آیاتی از سوره مریم را تلاوت کرد و در نتیجه نجاشی گفت چیزی که در مورد مسیح تلاوت نمودی، وی از آن ذره ای بالاتر نیست، و اعلان نمود مسلمانان در سرزمین حبشه به آرامی زندگی کنند و به کسی اجازه داده نمی شود آنان را با خود به مکه برگرداند.

شیوه بیانی سوره مبارکه مریم، بنابر سرگذشت پیامبران پیشین است.

سوره طه:

سوره مبارکه طه مکی و دارای ۱۳۵ یکصد و سی و پنج آیه است، این سوره با پرداختن پنج رکوع از مجموع هشت رکوعش به بحث حضرت موسی علیه السلام، به طور کلی تقریباً در مورد همین پیامبر می باشد.

نسبتی که سوره یوسف با این سوره دارد، درین است که کشور مصر در عصر حضرت یوسف علیه السلام با ورود بنی اسرائیل از رونق و آبادی چشمگیری برخوردار شد، و بنی اسرائیل در آن سرزمین مسکن گزین شدند؛ اما با قیام و رسالت سیدنا موسی علیه السلام و آزاد نمودن بنی اسرائیل از چنگال فرعون دوباره به سرزمین فلسطین رجعت نمودند.

سوره انبیاء:

سوره مبارکه انبیاء مکی و دارای ۱۱۲ یکصد و دوازده آیه است و طرز بیان این سوره مبارکه بر مبنای قصص انبیاء می باشد.

سوره حج:

سوره مبارکه حج، مدنی و دارای ۷۸ هفتاد و هشت آیه است، بعضی مضامین سوره حج با سوره بقره مشابهت دارد. این سوره در اثنای سفر هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید و مشتمل بر آیاتی در مورد احکام روزه، قتال فی سبیل الله و احکام حج می باشد.

سوره مؤمنون:

سوره مبارکه مؤمنون مکی و دارای ۱۱۸ یک‌صد و هجده آیه است، یازده آیه اول این سوره در مورد تحسین اعمال نیک و صالح بندگان مؤمن است. فلسفه خودی را علامه اقبال رحمته الله علیه از آیه مبارکه قد افلح المومنون گرفته است، یعنی در جسم ما روحی وجود دارد و هرکس این روح را از غلاف های مادی جسم به وسیله تقوی، اعمال صالح و تزکیه نفس بیرون نمود، رستگار شده است.

سوره نور:

سوره مبارکه نور مدنی و دارای ۶۴ شصت و چهار آیه است، این سوره در سال ششم هجری نازل گردید. در این سوره یک واقعه بسیار بزرگ بیان شده، حادثه تهمت رئیس منافقان عبدالله ابن ابی بر حضرت ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها. در اخیر سوره نحوه حجاب و احکام مربوط به حجاب داخل خانه ها برای زنان مسلمان و هم چنان معرفی محرمات شرعی برای زنان و مردان مسلمان، تشریح گردیده است.

سوره فرقان:

سوره مبارکه فرقان مکی و دارای ۷۷ هفتاد و هفت آیه است، فرقان سومین سوره نازل شده ای قرآن کریم است که در آیات آن به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب عبد (بنده) شده است. هم چنان در این سوره آیاتی وجود دارد که مشرکین عرب خواستار معجزه حسی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شده اند تا با ارایه معجزه ها، ثابت نمایند که فرستاده واقعی الله متعال اند.

سوره شعراء:

سوره مبارکه شعراء مکی و دارای ۲۲۷ دو صد و بیست و هفت آیه است، این سوره مکی تعداد آیاتش از همه سوره های دیگر مکی، بیشتر است. آیات این سوره کوتاه و آهنگ صوتی آن روشن و نمایان است و این اسلوب در تمام سوره های مکی دیگر نیز وجود دارد. محور اصلی و کلی بحث سوره شعراء، سرگذشت پیامبران گذشته می باشد.

سوره نمل:

سوره نمل مکی و دارای ۹۳ نود و سه آیه است، در این سوره تذکر به نعمت های الله متعال رفته و شامل یک قسمت از قصص انبیاء می باشد.

سوره قصص:

سوره مبارکه قصص مکی و دارای ۸۸ هشتاد و هشت آیه است، در این سوره داستان و سرگذشت سیدنا موسی علیه السلام ذکر گردیده و در اخیر سوره به داستان قارون تاجر و سرمایه دار بنی اسرائیل، به طور کلی اشاره شده است.

سوره عنکبوت:

سوره مبارکه عنکبوت مکی و دارای ۶۹ شصت و نه آیه است، این سوره در سال پنجم بعثت نازل گردید. محتوای این سوره در مورد آزمایش ها و فتنه های است که پیامبر صلی الله علیه و آله در اوایل دوران مکی با آن مواجه شدند. هم چنان این سوره یکی از سوره های مهم قرآن کریم است؛ چون محتوای آن شامل دعوت به تلاش، جهادِ خستگی ناپذیر برای غالب ساختن دین الهی و برنامه انقلاب اسلامی می باشد.

سوره روم:

سوره مبارکه روم مکی و دارای ۶۰ شصت آیه بوده و در این سوره پیشگویی بسیار مهمی است که الله متعال برای مؤمنان بشارت و مژده داده بود، و آن اینکه رومی ها در نبرد علیه فارس، پیروز می شوند و فارس را شکست می دهند؛ چرا که رومی ها بعضی مشترکاتی با مسلمانان داشتند که ایرانی های آن زمان فاقد آن مشترکات بودند. و هم چنان در همین زمان بود که مسلمانان در میدان بدر، از فتح و پیروزی بزرگی برخوردار شدند.

سوره لقمان:

سوره مبارکه لقمان مکی و دارای ۳۴ سی و چهار آیه است، آیات اولی این سوره با آیات ابتدایی سوره مبارکه بقره مشابهت دارد. قسمتی از این سوره مشتمل بر نصیحت های حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش می باشد.

سوره سجده:

سوره مبارکه سجده مکی و دارای ۳۰ سی آیه است، عادت شریف رسول اکرم صلی الله علیه و آله این بود که در روز های جمعه در نماز صبح، تمام سوره سجده را قرائت می نمودند و این نشان از آن دارد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به سوره مبارکه سجده علاقه خاصی داشتند، و در رکعت دوم معمولاً سوره مبارکه دهر را قرائت می نمودند.

سوره احزاب:

سوره مبارکه احزاب مدنی و دارای ۷۳ هفتاد و سه آیه بوده و نظیر سوره مبارکه نور می باشد. مضامین این سوره بیشتر در مورد احکام معاشرت است.

و در مورد احکام حجاب زنان مسلمانان خارج از خانه در این سوره نیز تذکرات روشنی ارائه گردیده است. هم‌چنان در این سوره صحنه‌هایی از غزوة احزاب بیان گردیده و بحث دیگر این سوره حاکم نمودن نظام خلافت الهی می‌باشد. در مورد حقیقت ایمان نیز در این سوره آیاتی وجود دارد. یکی دیگر از احکامی که در این سوره بیان شده، مسئلهٔ فرزندخواندگی است که در بین عرب آن روز معمول بود؛ چون آنان در آن زمان به فرزندخواندگی جایگاه خاصی قایل بودند؛ اما با نزول این سوره، اسلام به این امر نقطهٔ پایان گذاشته و موضوع پسرخواندگی را باطل اعلان نمود.

سورهٔ سبأ:

سورهٔ مبارکهٔ سبأ مکی و دارای ۵۴ پنجاه و چهار آیه بوده و از جمله سوره‌های است که با الحمدلله شروع می‌شود، نظیر این سوره، سورهٔ مبارکهٔ فاطر می‌باشد.

سورهٔ فاطر:

سورهٔ مبارکهٔ فاطر مکی و دارای ۴۵ چهل و پنج آیه است، این سوره نیز از جملهٔ سوره‌های است که با الحمدلله شروع می‌شود، بین دو سورهٔ مبارکهٔ سبأ و فاطر، هماهنگی کاملی وجود دارد.

سورهٔ یس:

سورهٔ مبارکهٔ یس مکی و دارای ۸۳ هشتاد و سه آیه است، رسول اکرم ﷺ این سوره را قلب قرآن کریم معرفی نموده‌اند. محور اساسی این سوره توحید

و مذمت شرک بوده و به ذات خود منفرد است و نظیری ندارد. هم‌چنان گمان می‌رود که یس و طه هر دو از نام‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد، (والله اعلم).

سورة صافات:

سورة مبارکه صافات مکی و دارای ۱۸۲ یک‌صد و هشتاد و دو آیه است، مضامین و محورهای این سوره پیرامون فرشتگان، توحید و مکالمه بهشتیان می‌باشد.

سورة ص:

سورة مبارکه ص مکی و دارای ۸۸ هشتاد و هشت آیه است، سورة ص از جمله سه سوره‌ای است که با یک حرف از حروف مقطعه شروع می‌شود؛ سوره ص، سوره ن، و سوره ق. گرچه ص یک حرف است؛ اما به عنوان یک آیه محسوب می‌گردد، و آیه بودن این حرف بر مبنای اجتهاد کسی نیست؛ بلکه مطابق با قرائت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مصحف وارد شده است. در اخیر باید تذکر داد که مضمون مرکزی این سوره توحید می‌باشد.

سورة زمر:

سورة مبارکه زمر مکی و دارای ۷۵ هفتاد و پنج آیه است، مضمون مرکزی این سوره بحث توحید رب العالمین است که به گونه عقیدتی و عملی مطرح گردیده، طوری که می‌دانیم توحید در عقیده و عمل است، توحید عقیدوی یعنی او تعالی را به یکتایی قبول کردن و توحید عملی به این گونه که باید در اعمال بنده تنها محبوب، مقصود و مطلوب الله تعالی باشد و برای او زندگی

کند و خویشان را وقف راه قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ نماید تا رضایت الله متعال حاصل گردد.

سورة غافر:

سورة مباركة غافر مکی و دارای ۸۵ هشتاد و پنج آیه است، مضمون محوری این سوره توحید عملی به شکل انفرادی و دعا می باشد. دعا باید نمادی از «مخلصین له الدین» باشد؛ یعنی خالصانه از الله تعالی اطاعت نموده و از اطاعت دشمنان الله تعالی دوری شود و از پیروی هواهای نفسانی اجتناب گردد. و هرگاه چنین اطاعت و اجتنابی صورت گرفت، دعای انسان مستجاب خواهد شد. در سورة مباركة غافر داستان مؤمن آل فرعون نیز به شیوه ای بسیار جالب و جذاب، بیان گردیده که حاوی پند و اندرزهای فراوانی برای دعوتگران می باشد.

سورة فصلت:

سورة مباركة فصلت مکی و دارای ۵۴ پنجاه و چهار آیه است، مضمون محوری این سوره دعوت و توحید عملی به سطح اجتماعی می باشد.

سورة شوری:

سورة مباركة شوری مکی و دارای ۵۳ پنجاه و سه آیه است، مضمون محوری این سوره توحید عملی برای اقامه دین الهی می باشد، سوره مبارکه شوری یکی از مهم ترین سوره های قرآن کریم است.

سورة زخرف:

سوره مبارکه زخرف مکی و دارای ۸۹ هشتاد و نه آیه است، این سوره با سوره دخان سنخیت دارد و هر دو سوره با «حم» شروع می‌شوند.

سوره دخان:

سوره مبارکه دخان مکی و دارای ۵۹ پنجاه و نه آیه است، سوره دخان همانند سوره زخرف است و مضامین این دو سوره با هم مشابهت دارند.

سوره جاثیه:

سوره مبارکه جاثیه مکی و دارای ۳۷ سی و هفت آیه بوده و همانند سوره مبارکه احقاف است.

سوره احقاف:

سوره مبارکه احقاف مکی و دارای ۳۵ سی و پنج آیه است. سوره احقاف با سوره جاثیه سنخیت و هماهنگی دارد.

سوره محمد:

سوره مبارکه محمد مدنی و دارای ۳۸ سی و هشت آیه است، نام دیگر این سوره « قتال » می‌باشد. این سوره قبل از غزوه بدر نازل گردیده و نظیر سوره مبارکه فتح می‌باشد.

سوره فتح:

سوره مبارکه فتح مدنی و دارای ۲۹ بیست و نه آیه است، سوره فتح بعد از صلح حدیبیه در سال ششم هجری نازل گردید؛ دقیقاً هنگامی که رسول

اکرم صلی الله علیه و آله با هزار و چهارصد تن از صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین جهت ادای عمره به سوی مکه مکرمه قصد سفر نموده و احرام بسته بودند. گویا رسول اکرم صلی الله علیه و آله قریش را امتحان می کرد که چه واکنشی از خود نشان می دهند. و نهایتاً قریش اجازه نداد تا مسلمانان به ادای عمره بپردازند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از یاران شان بیعت گرفت که این ماجرا به بیعت بر مرگ و یا بیعة الرضوان مسمی گردید. هنگامی که این خبر به قریش رسید، قریش از این تصمیم پیامبر و مسلمانان ترسیده و در نهایت موضوع صلح را مطرح نمودند. این واقعه در تاریخ سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صلح حدیبیه مشهور می باشد.

سوره حجرات:

سوره مبارکه حجرات مدنی و دارای ۱۸ هجده آیه است، مضمون محوری این سوره بیان جایگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین مؤمنان می باشد، و این که چگونه باید آداب، رفتار و سلوک اسلامی در تعامل با آن حضرت صلی الله علیه و آله رعایت گردد. این نوع رعایت ادب در مقابل شخص آن حضرت صلی الله علیه و آله، نشان دهنده جایگاه ایشان به عنوان فرد اول دولت اسلامی می باشد. و هم چنان در این سوره اصول زندگی اجتماعی و اخلاقی مسلمانان با هم دیگر بیان گردیده و حتی یکی از نام های این سوره، سوره اخلاق می باشد.

سوره ق:

سوره مبارکه ق مکی و دارای ۴۵ چهل و پنج آیه است. از لحاظ ادبیات زبان عرب و از حیث فصاحت و بلاغت، این سوره زیباترین سوره قرآن کریم

می باشد. و هم چنان از لحاظ صوت، آهنگ و موسیقایی ملکوتی نیز در اوج قرار داشته و موضوع محوری سوره ق هشدار از آخرت می باشد.

سوره ذاریات:

سوره مبارکه ذاریات مکی و دارای ۶۰ شصت آیه است، سوره های مبارکه ذاریات و طور نظیر هم اند. موضوع محوری این سوره هشدار از آخرت بوده و موضوعات دیگر این سوره نعمت ها و قدرت بی کران الله تعالی، احوال قیامت، بهشت و دوزخ را می باشد.

سوره طور:

سوره مبارکه طور مکی و دارای ۴۹ چهل و نه آیه بوده و موضوع محوری این سوره هشدار از آخرت می باشد. موضوعات دیگر این سوره همانند سوره ذاریات پیرامون نعمت ها و قدرت بی کران الله تعالی، احوال قیامت، بهشت و دوزخ می باشد.

سوره نجم:

سوره مبارکه نجم مکی و دارای ۶۲ شصت دو آیه است، سوره های مبارکه نجم و قمر از حیث محتوی نظیر هم اند و موضوع محوری این سوره هشدار از آخرت می باشد.

سوره قمر:

سوره مبارکه قمر مکی و دارای ۵۵ پنجاه و پنج آیه بوده و موضوع محوری آن هشدار از آخرت می باشد.

سورة الرحمن:

سورة مبارکه الرحمن مدنی و دارای ۷۸ هفتاد و هشت آیه است، سورة های الرحمن و واقعه از حیث محتوی نظیرهم اند. موضوع محوری این سورة هشدار از آخرت می باشد. در سورة الرحمن خطاب های متواتر متوجه انسان و جن شده، و خطاب به جن به این خاطر است که ایشان نیز مکلف به ایمان آوردن به پیامبر و قبول دین اسلام هستند؛ چون در میان آنان پیامبر فرستاده نشده است، بناء آنان مکلف اند تا جهت هدایت از تعالیم پیامبر اسلام ﷺ پیروی کنند. علت دیگر ملزم بودن جن به پیروی این پیامبر، این است که منبع اخذ وحی روح است و روح در آدم ع دمیده شده است؛ لهذا پیامبران از اولاد آدم ع مستحق وحی شدند، به همین ترتیب این روح در انسان ها وجود دارد، اما جن روح نداشته بلکه از آتش آفریده شده و به همین ترتیب در بین ایشان چیزی به نام وحی وجود ندارد. و نام دیگر این سورة عروس قرآن بوده و در این سورة عظمت و بزرگی الله متعال و احوال بهشت و دوزخ بیان گردیده است.

سورة واقعه:

سورة مبارکه واقعه مکی و دارای ۹۶ نود و شش آیه بوده و موضوع محوری این سورة هشدار از آخرت می باشد. در این سورة هیچ اشاره ای به موضوع نبوت و وحی نشده است، و در این سورة در مورد عظمت قرآن کریم و سرانجام کسانی که حقوق آن را اداء نمی کنند، خبر داده شده و در این سورة عظمت و بزرگی الله متعال و احوال بهشت و دوزخ نیز مطرح گردیده است.

سوره حدید:

سوره مبارکه حدید مدنی و دارای ۲۹ بیست و نه آیه بوده و این سوره از جمله سوره های مسبحات است. موضوع محوری سوره حدید پیرامون ایجاد نظام عادلانه الهی بر روی زمین می باشد. روی دیگر سخن آیات سوره حدید، متوجه مسلمانان ضعیف الایمان است. به طور کلی در این سوره فلسفه انقلاب و تغییر لازم برای وضعیت نا به هنجار موجود جامعه عرب آن زمان، هدایت داده شده است.

سوره مجادله:

سوره مبارکه مجادله مدنی و دارای ۲۲ بیست و دو آیه است، در این سوره تقابل حزب الله و حزب شیطان ذکر گردیده، و برای پیروان حزب الله چگونگی رهایی و محافظت از رخنه های حزب شیطان تذکر داده شده است. هم چنان در این سوره در مورد یک نوع دیگر از طلاق که در زمان جاهلیت رواج داشت تذکر رفته است به این گونه که شوهر برای خانم خود می گفت! تو مانند پشت مادرم برایم هستی و با گفتن این جمله زن طلاق می شد، صحابی بنام اوس ابن ثابت خانمش خوله بنت ثعلبه را این گونه طلاق داد که این نوع طلاق را ظهار می گویند و خوله نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و جریان را حکایت نمود و خواستار روشن شدن موضوع شد که من چه کنم و کجا بروم و در حالی که طفل اش گریه می کرد، به این ترتیب یکی از عوامل شان نزول این سوره مبارکه به بیان احکام ظهار مربوط است.

سوره حشر:

سوره مبارکه حشر مدنی و دارای ۲۴ بیست و چهار آیه بوده و از جمله سوره‌های مسبحات (سوره‌هایی که با تسبیح آغاز گردیده) می‌باشد. در این سوره از غزوه بنی نضیر تذکر رفته و حکم اموال فیء (غنیمت) از جمله مسائلی است که در این سوره ذکر گردیده است.

سوره ممتحنه:

سوره مبارکه ممتحنه مدنی و دارای ۱۳ سیزده آیه است، در این سوره قصه صحابی بسیار مخلص و مؤمن، حاطب ابن ابی بلتعنه که در جنگ بدر نیز اشتراک کرده بود، بیان گردیده است. قضیه ایشان طوری است که وقتی رسول اکرم ﷺ تصمیم گرفت تا بر کفار مکه حمله کند، حاطب برای نجات جان خانواده‌اش که در مکه بسر می‌بردند، خواست طی نامه‌ای مشرکین را از اهداف پیامبر با خبر کند و با این کارش به نحوی سبب دور نمودن ضرر از خانواده‌اش شده باشد، اما قبل از رسیدن قاصد وی به مکه، الله متعال این راز را برای پیامبر توسط وحی آشکار ساخت و پیامبر در حال حضرت علی رضی الله عنه را به تعقیب قاصد که یک زن بود فرستاد. حضرت علی رضی الله عنه در مسیر راه مکه آن زن را دستگیر نموده نامه را از نزد وی گرفت و به پیامبر سپرد. پیامبر حاطب را فراخوانده از او انگیزه کارش را پرسید و او نیز جریان را صادقانه به آن حضرت حکایت نمود.

سوره صف:

سوره مبارکه صف مدنی و دارای ۱۴ چهارده آیه است، در آغاز سوره به همه کسانی که ایمان آورده‌اند، هشدار داده شده که بدترین مردم نزد خدا

کسانی هستند که سخن شان با عمل شان مغایرت دارد و محبوب‌ترین مردم هم کسانی اند که در جنگ در راه خدا، مثل دیواری فولادین می ایستند. در دو آیه چهارم و پنجم، به امت اسلامی هشدار داده شده تا مبادا رفتار شان با دین و پیامبر شان، مانند رفتار بنی اسرائیل با حضرت موسی و عیسی علیه السلام باشد؛ آن‌ها در ادعاهای شان هر دو پیامبر را قبول داشتند، اما در عرصه عمل، در طول زندگی، آن بزرگواران را مورد آزار و اذیت قرار داده و سبب ناراحتی شان می شدند که در نتیجه، از توفیق الهی محروم و هدایت از آنان سلب شد.

به همین ترتیب در آیات هشتم و نهم تلاش‌های دشمنان اسلام اعم از یهود، نصاری و منافقین را به چالش کشیده است که هر اندازه برای خاموش نمودن نور خدا تلاش کنند، نه اینکه این چراغ را خاموش کرده نمی توانند که همواره نور این چراغ در جهان گسترده‌تر خواهد شد.

سپس در اخیر سوره تشویق و ترغیب معامله و تجارت اهل ایمان به جهاد با مال و جان در راه خدا بیان گردیده و تذکر داده شده که اگر در پی سعادت دنیا و آخرت اند، راه رسیدن به آن، تلاش در راه خدا و نصرت دین او می‌باشد.

سوره جمعه:

سوره مبارکه جمعه مدنی و دارای ۱۱ یازده آیه است، و این سوره از جمله سوره‌های مسبحات می‌باشد. در آغاز سوره هدف از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده و مراحل تصادم با نظام‌های طاغوتی در سوره صف بیان گردیده است؛ اما آماده نمودن قوای بشری در میدان کار اسلامی مطابق به

خواسته‌های دین، جهت رهبری جامعه اسلامی؛ مضمون مرکزی سوره جمعه می‌باشد.

سوره منافقون:

سوره مبارکه منافقون مدنی و دارای ۱۱ یازده آیه است، این سوره در باره نفاق منافقان نازل گردیده و در واقع یازده آیه این سوره، خلاصه ای از حقیقت نفاق و منافقین می‌باشد.

سوره تغابن:

سوره مبارکه تغابن مدنی و دارای ۱۸ هجده آیه بوده و این سوره از جمله سوره‌های مسبحات می‌باشد. سوره تغابن در مورد بیان ایمان حقیقی جامع‌ترین سوره قرآن کریم است.

سوره طلاق:

سوره طلاق مدنی و دارای ۱۲ دوازده آیه است، محتوای آیات این سوره در مورد مسایل خانوادگی می‌باشد. در این سوره از بن بست رسیدن مسائل خانوادگی سخن به میان آمده، یعنی آنگاه که همه راه‌های رسیدن به تفاهم بین زن و شوهر در زندگی نتیجه ندهد، یگانه راه حل، جدایی است. در این سوره احکام طلاق به شیوه درست و انسانی آن ذکر شده و سوره طلاق همانند سوره تحریم می‌باشد.

سوره تحریم:

سوره مبارکه تحریم مدنی و دارای ۱۲ دوازده آیه است، این سوره در مورد نظام معاشرتی اسلام و مسایل خانوادگی می باشد، امام ابن کثیر رحمته الله تعالی در بیان سبب نزول نقل می کنند که: رسول اکرم صلی الله علیه و آله، وقتی از نماز عصر بر می گشتند، بر ازواج مطهرات وارد شده و نزد یکی از ایشان — زینب بنت جحش رضی الله عنها — درنگ می کردند و از غسلی که داشت می نوشیدند. لذا عائشه و حفصه رضی الله عنهما از روی رشک زنانه باهم چنین تبنانی کردند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به حجره ایشان آمدند، به ایشان بگویند: از شما بوی مغفیر می آید؛ آنان چنین کرده و آن حضرت صلی الله علیه و آله غسل را بر خود حرام کردند، این صحیح ترین روایات در بیان سبب نزول آیه کریمه است. اما در روایتی دیگر آمده: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خانه حفصه با ماریه کنیز و مادر فرزند خود ابراهیم، خلوت کردند، و حفصه خشمگین شد و آن حضرت صلی الله علیه و آله بر اثر آن، ماریه را بر خود حرام کردند و فرمودند: این کنیز بر من حرام است. حفصه گفت: یا رسول الله! چگونه حلال بر شما حرام می شود؟ ایشان برای او سوگند خوردند که دیگر با ماریه نزدیکی نمی کنند و گفتند: کسی را از این ماجرا آگاه نکن؛ اما حفصه این راز را با عائشه رضی الله عنها در میان گذاشت.

سوره ملک:

سوره مبارکه ملک مدنی و دارای ۳۰ سی آیه است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله توصیه نمودند که پیش از خواب، سوره ملک را تلاوت نمایم.

سوره قلم:

سوره مبارکه قلم مکی و دارای ۵۲ پنجاه و دو آیه است، در این سوره دعوت ابتدایی رسول اکرم ﷺ به تصویر کشیده شده و هم‌چنان این سوره برای دلجویی ایشان نازل گردیده است؛ چون کفار مکه در مرحله اول دعوت، پیامبر را بسیار آزار و اذیت می‌نمودند، سوره قلم نظیر سوره حاقه است.

سوره حاقه:

سوره مبارکه حاقه مکی و دارای ۵۲ پنجاه و دو آیه بوده و سوره حاقه همانند سوره قلم می‌باشد، در این سوره سرگذشت پیامبران پیشین بیان گردیده است.

سوره معارج:

سوره مبارکه معارج مکی و دارای ۴۴ چهل و چهار آیه است و سوره معارج از حیث محتوی مانند سوره نوح می‌باشد.

سوره نوح:

سوره نوح مکی و دارای ۲۸ بیست و هشت آیه است، سوره نوح نسبت به سوره معارج هماهنگی دارد و این سوره در مورد دعوت حضرت نوح علیه السلام نازل شده است.

سوره جن:

سوره مبارکه جن مکی و دارای ۲۸ بیست و هشت آیه است، سوره جن از حیث محتوی منحصر به فرد است و همانندی در قرآن کریم ندارد، و یگانه سوره قرآن کریم است که در آن به طور مفصل از جن ها سخن به میان آورده است.

سوره مزمل:

سوره مبارکه مزمل مکی و دارای ۲۰ بیست آیه است، این سوره مبارکه به انسان دعوتگر پیام می دهد که باید ارتباط خود را با پروردگارش به تنهایی محکم سازد، همان طوری که فردی و تنهایی به نزد او تعالی حشر می گردد، و هنگامی که ارتباط با الله تعالی برقرار شد انسان باید تمام امید و ارتباط خود را از مخلوق قطع کند و از هیچ مخلوقی، هیچ نوع امیدی نداشته باشد، بنابراین برای آبیاری روح و درخشش قلب، انسان باید تماز تروایح و تهجد بخواند. لذا به رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده شد تا ادای نماز تهجد و قیام اللیل همراه با تلاوت قرآن کریم را وسیله ای برای ارتقای روح و روان خویش قرار داده تا بدین وسیله بتواند بار سنگین رسالت و دعوت الی الله را به منزل مقصود برساند. هم چنان در این سوره به جایگاه و تاثیر قیام اللیل تاکید شده است.

سوره مدثر:

سوره مبارکه مدثر مکی و دارای ۵۶ پنجاه و شش آیه است، این سوره با سوره مزمل سنخیت داشته و در مورد اوایل وحی بر پیامبر می باشد. هم چنان رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله از نزول سوره مبارکه مدثر آغاز می گردد. و نکته قابل

تذکر دیگر در باب سوره مبارکه مدثر این است که این سوره در مورد قیام النهار است، یعنی در این سوره، الله تعالی برای رسول اکرم ﷺ دستور داد تا مردم را انداز و دین را تبلیغ نماید؛ بناءً سوره مبارکه مزمل پیرامون فضیلت قیام اللیل و سوره مبارکه مدثر پیرامون دعوت الی الله در برنامه روزانه دعوتگران می باشد.

سوره قیامه:

سوره مبارکه قیامه مکی و دارای ۴۰ چهل آیه است، سوره قیامه با سوره انسان هماهنگی دارد. اسلوب این سوره به شکل خطابه بوده و در فصاحت و بلاغت و تقدیم خطاب بسیار مهم بوده و خطاب این سوره متوجه منکران قیامت می باشد.

سوره انسان:

سوره مبارکه انسان مدنی و دارای ۳۱ سی و یک آیه است، سوره انسان با سوره قیامه هماهنگی و سنخیت دارد، مضمون و محتوای سوره مبارکه انسان هشدار روز قیامت است.

سوره مرسلات:

سوره مرسلات مکی و دارای ۵۰ پنجاه آیه است، نظیر سوره مرسلات، سوره نبا بوده و مضمون و محتوای هر دو سوره هشدار روز قیامت است.

سوره نبا:

سوره مبارکه نبا مکی و دارای ۴۰ چهل آیه است، نظیر این سوره، سوره مرسلات بوده و مضمون و محتوای هر دو سوره هشدار روز قیامت می باشد.

سوره نازعات:

سوره مبارکه نازعات مکی و دارای ۴۶ چهل و شش آیه بوده و موضوع این سوره هشدار روز قیامت می باشد.

سوره عبس:

سوره مبارکه عبس مکی و دارای ۴۲ چهل و دو آیه است، در ابتدای سوره حکایت صحابی نابینا عبدالله ابن ام مکتوم رضی الله عنه آمده، او کسی است که می خواست در مجلسی که پیامبر با سران مشرکین نشست داشت، شرکت نموده و نیاز خود را مطرح نماید؛ اما با واکنش پیامبر روبرو شد و در ابتدای این سوره، الله متعال به گونه ای پیامبرش را مورد تنبیه قرار می دهد. ادامه موضوع و محتوای دیگر این سوره هشدار قیامت است.

سوره تکویر:

سوره مبارکه تکویر مکی و دارای ۲۹ بیست و نه آیه بوده و نظیر و همانند سوره تکویر و انفطار می باشد؛ و موضوع اصلی این سوره مانند دیگر سوره های مکی، هشدار آخرت است.

سوره انفطار:

سوره مبارکه انفطار مکی و دارای ۱۹ نوزده آیه بوده و نظیر سوره انفطار، سوره تکویر می باشد و موضوع و محتوای این سوره هشدار آخرت است.

سوره مطففین:

سوره مبارکه مطففین مکی و دارای ۳۶ سی و شش آیه بوده و سوره مطففین با سوره انشقاق نسبت سنخیت دارد و موضوع انذار آخرت می باشد.

سورة انشقاق:

سورة انشقاق مکی و دارای ۲۵ بیست و پنج آیه است، سورة انشقاق با سورة مطفین نسبت سنخیت دارد و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد.

سورة بروج:

سورة مبارکه بروج مکی و دارای ۲۲ بیست و دو آیه است، سورة بروج نظیر سورة طارق می باشد و موضوع آن انذار آخرت و قیامت بوده و در این سورة قصه اصحاب اخدود به طور خلاصه ذکر گردیده است.

سورة طارق:

سورة مبارکه طارق مکی و دارای ۱۷ هفده آیه است، سورة طارق نظیر سورة مبارکه بروج بوده و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد.

سورة اعلی:

سورة مبارکه اعلی مکی و دارای ۱۹ نوزده آیه است، سورة مبارکه اعلی با سورة مبارکه غاشیه نسبت سنخیت داشته و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد. معمولا نبی اکرم ﷺ در نمازهای عید و جمعه در رکعت اول سورة اعلی را به دلیل تذکری که در ابتدای سورة در رابطه به تسبیح داده شده است، قرائت می نمودند.

سورة غاشیه:

سورة مبارکه غاشیه مکی و دارای ۲۶ بیست و شش آیه است، سورة غاشیه با سورة اعلی هماهنگی داشته و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد.

سورة فجر:

سورة مبارکه فجر مکی و دارای ۳۰ سی آیه است، سورة مبارکه فجر نظیر و همانند سورة مبارکه بلد بوده و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد.

سورة بلد:

سورة مبارکه بلد مکی و دارای ۲۰ بیست آیه است، سورة بلد با سورة فجر هماهنگی داشته و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد.

سورة شمس:

سورة مبارکه شمس مکی و دارای ۱۵ پانزده آیه بوده موضوع محوری این سوره تزکیه نفس و هشدار آخرت می باشد.

سورة لیل:

سورة مبارکه لیل مکی و دارای ۲۱ بیست و یک آیه بوده و موضوع محوری آن اعمال حسنه، اعمال سیئه و هشدار آخرت می باشد.

سوره ضحی:

سوره مبارکه ضحی مکی و دارای ۱۱ یازده آیه است. در مورد شأن نزول این سوره باید گفت که برای مدتی کوتاه نزول وحی بر پیامبر ﷺ متوقف گردید و کفار مکه ایشان را آزار و اذیت می دادند که چرا نزول وحی متوقف گردیده است؟! رسول الله ﷺ از عملکرد مشرکان سخت تحت تاثیر قرار گرفتند؛ چراکه پیامبر بشر بوده و طبیعت بشری خود را مانند دیگر انسانها داشتند، و طبعاً هر انسان برخوردار از حالات گرفتگی و نشاط می باشد. در تفسیر مظهري ذکر گردیده که تلاوت سوره ضحی پادزهری بر هر شی آزار دهنده است، یعنی اگر کسی سوره ضحی را تلاوت نماید در طبیعت اش انشراح و خوشی پیدا می شود.

سوره شرح:

سوره مبارکه شرح مکی و دارای ۸ هشت آیه است، سوره شرح با سوره مبارکه ضحی هماهنگی و سنخیت دارد.

سوره تین:

سوره مبارکه تین مکی و دارای ۸ هشت آیه است، این سوره در تشریح قضایای روحی و فلسفه خلقت انسانی که اصل آن از چه بوده است و هم چنان نفی دیدگاه فیلسوفان غربی در مورد فلسفه خلقت انسان، از مهم ترین و جامع ترین سوره های قرآن کریم می باشد.

سورة علق:

سورة مبارکه علق مکی و دارای ۱۹ نوزده آیه است، پنج آیه اول سورة علق بنابر دیدگاه جمهور علما، اولین آیاتی است که بر نبی مکرم اسلام ﷺ نازل گردید.

سورة قدر:

سورة مبارکه قدر مکی و دارای ۵ پنج آیه است، محتوای و مضمون سورة قدر در مورد نزول قرآن کریم و بیان جایگاه شب قدر که در دهه اخیر رمضان مبارک قرار دارد، می باشد.

سورة بینه:

سورة مبارکه بینه مکی و دارای ۸ هشت آیه است، کتاب (قرآن کریم) همراه با رسول اکرم ﷺ در این سوره به نام بینه یادآوری شده است.

سورة زلزال:

سورة مبارکه زلزال مکی و دارای ۸ هشت آیه است، موضوع و محتوای این سوره زندگی پس از مرگ و نشاندهی محاسبه اعمالی می باشد که در دنیا عملی گردیده است.

سورة عادیات:

سورة مبارکه عادیات مکی و دارای ۱۱ یازده آیه است، موضوع این سوره ناسپاسی انسان در مقابل الله تعالی بوده و موضوع دیگر آن هشدار آخرت است.

سوره قارعه:

سوره مبارکه قارعه مکی و دارای ۱۱ یازده آیه بوده و موضوع و محتوای آن هشدار آخرت می باشد.

سوره تکاثر:

سوره مبارکه تکاثر مکی و دارای ۸ هشت آیه بوده و موضوع و محتوای آن حرص بر دنیا و هشدار آخرت می باشد.

سوره عصر:

سوره مبارکه عصر مکی و دارای ۳ سه آیه است، سوره عصر کوتاه ترین سوره قرآن کریم می باشد؛ اما از لحاظ محتوی از جامع ترین سوره های قرآن کریم است. در باره این سوره امام شافعی رحمته الله علیه فرمود: اگر غیر از سوره مبارکه عصر در قرآن دیگر چیزی نازل نمی شد، همانا این سوره برای هدایت انسان ها کفایت می کرد.

سوره همزه:

سوره مبارکه همزه مکی و دارای ۹ نه آیه است، محتوی و مضامین این سوره در مورد مذمت اعمال زشت انسانی و جزاء در آخرت می باشد.

سوره فیل:

سوره مبارکه فیل مکی و دارای ۵ پنج آیه است، این سوره به سیرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تعلق دارد و داستان تاریخی ابرهه حاکم یمن در این سوره ذکر گردیده است.

سوره قریش:

سوره مبارکه قریش مکی و دارای ۴ چهار آیه است، این سوره نیز به سیرت رسول اکرم ﷺ تعلق دارد و هم‌چنان نعمت‌های که الله تعالی بر قوم قریش عنایت فرموده بود، در این سوره یادآوری گردیده است.

سوره ماعون:

سوره مبارکه ماعون مکی و دارای ۷ هفت آیه است، مضمون محوری این سوره زشتی اخلاق بد و انکار جزاء در آخرت می‌باشد.

سوره کوثر:

سوره مبارکه کوثر مکی و دارای ۳ سه آیه است، مضمون این سوره به سیرت و ظهور نبوت رسول اکرم ﷺ پیوند دارد و نیز حکایت شده هنگامی که پسر رسول اکرم ﷺ از دنیا رحلت کرد، کفار مکه از مصیبت وارده بر ایشان بسیار خوشحال شدند و بر رسول اکرم ﷺ طعنه‌های وارد نموده و می‌گفتند با فوت پسرش، دیگر اثری از وی باقی نخواهد ماند. در نهایت الله متعال با نزول این سوره سبب تسلی پیامبر عزیزش می‌شود.

سوره کافرون:

سوره مبارکه کافرون مکی و دارای ۶ شش آیه است، هنگامی که پیامبر دعوت خود را به کفار مکه عرضه نمود و با مشرکان قریش اتمام حجت نمود، آنان دعوت ایشان را نپذیرفته و انکار نمودند. سپس رسول اکرم ﷺ از آنان با نزول این سوره اعلان برائت و بیزاری نمودند.

سوره نصر:

سوره مبارکه نصر مکی و دارای ۳ سه آیه است، این سوره نیز مانند سوره کافرون به سیرت رسول اکرم ﷺ تعلق دارد.

سوره مسد:

سوره مبارکه مسد مکی و دارای ۵ پنج آیه بوده و موضوع محوری این سوره ابی لهب و خانم وی می باشد.

سوره اخلاص:

سوره مبارکه اخلاص مکی و دارای ۴ چهار آیه است. رسول اکرم ﷺ در مورد سوره اخلاص فرمودند: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ. قَالُوا وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ قَالَ «﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ يَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ»^۱ «آیا نمی تواند یکی از شما که یک ثلث قرآن را در یک شب بخواند؟ صحابه پرسیدند: ای رسول خدا کدام یک از ما قدرت این کار را دارد؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یک ثلث قرآن است». سوره اخلاص جامع ترین سوره در مورد بیان توحید الله متعال می باشد.

سوره فلق:

سوره مبارکه فلق مدنی و دارای ۵ پنج آیه است، این سوره هنگامی بر رسول اکرم ﷺ نازل گردید که زن یهودی آن حضرت را جادو نمود؛ و برای رفع و دور کردن اثرات جادو، سوره های مبارکه فلق و ناس نازل گردید. دو

سوره مبارکه فلق و ناس مدنی بوده چون آن حضرت ﷺ در مدینه حضور داشتند که مورد هدف جادو قرار گرفتند.

سوره ناس:

سوره مبارکه ناس مدنی و دارای ۶ شش آیه است، موضوع و محتوای این سوره در مورد وسوسه‌های شیاطین انسی و جنی می‌باشد و اینکه انسان باید همیشه در ذکر و یاد الله متعال باشد تا خود را از وسوسه‌ها و تأثیرات آن وقایع نماید. هم‌چنان سوره مبارکه ناس با سوره فاتحه در معنی و مفهوم بسیار شباهت دارد، گویا آخرین سوره قرآن کریم (سوره ناس) با اولین سوره قرآن کریم (سوره فاتحه) شباهت بسیار عمیق دارد و از یک محتوی برخوردار اند. قابل ذکر است که دو سوره «ناس و فلق» را به نام معوذتین یاد می‌کنند.

نکات اساسی و محوری دوره ترجمه قرآن کریم

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾^۱ «آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند».

مفهوم آیه این است که ما منحیث مسلمان باید به تمامی کتاب‌های آسمانی ایمان داشته باشیم؛ چراکه نشانه‌های از پیامبر اسلام ﷺ در آن کتاب‌ها ذکر گردیده است. و ما می‌توانیم از این معلومات استفاده نماییم، البته در صورتی که با قرآن کریم در تضاد نباشد و نفی نکند. ما به این باور هستیم که تورات و انجیل دست خورده و دچار تحریف شده‌اند و به حیث دلیل و حجت، از آن‌ها استفاده نمی‌گردد.

﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^۲ «و به روز رستاخیز اطمینان دارند».

ایمان قوی به روز آخرت بسیار مهم است، برای اینکه اگر کسی به روز آخرت ایمان قوی داشته باشد، همه اعمال وی درست می‌گردد؛ چون با خود می‌اندیشد که من نزد الله متعال می‌روم و از همه اعمالم حساب می‌دهم و با این پندار، عمل انسان با یقین به آخرت درست می‌گردد.

۱- سوره بقره آیه/۴.

۲- سوره بقره آیه/۴.

﴿وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ...﴾^۱ «و هنگامی که با رؤسای شیطان صفت خود به خلوت می‌نشینند».

شیطان از (ش ط ن) گرفته شده است که به معنی (دور) است، یعنی شیطان از رحمت الهی بسیار دور است. معنی دوم شیطان از (شاط - یشیط) گرفته شده و به معنای این است که کسی در آتش حسد و غضب می‌سوزد. همچنان ابْلَسْ یُبْلَسْ به معنی ناامید شدن است و ابلیس از رحمت الله ناامید است.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾^۲ «اینان رهنمودهای (پروردگار) را به (بهای) گمراهی فروخته‌اند و چنین بازرگانی و معامله آنان سودی در بر ندارد، و راه یافتگان (طریق حق و حقیقت) بشمار نمی‌آیند».

یعنی گمراه کسی است که گمراهی را با هدایت معامله می‌کند، وی ظاهراً در این دنیای زود گذر کامیاب شده؛ اما در مقابل آن، کسی است که مشکلات و تکالیف ایمان را متحمل می‌شود و راه هدایت را به جای گمراهی می‌خرد؛ این دو با هم، تفاوت بسیار زیادی دارند.

﴿فَنَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۳ «سپس آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت داشت (و با گفتن آن‌ها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت. خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است».

۱- سوره بقره آیه/۱۴

۲- سوره بقره آیه/۱۶

۳- سوره بقره آیه/۳۷

اصل توبه ندامت و پشیمانی است که در دل انسان به وجود می‌آید. وقتی انسان توبه می‌کند، به خداوند متعال نزدیک می‌شود. فرق حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام و ابلیس در این است که حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام نافرمانی کرد و در حال توبه نمود و در نتیجه الله متعال ایشان را بخشید؛ اما ابلیس همراه با نافرمانی، به آن افتخار نمود و داد بهتری از آدم را سر داد، لذا ابلیس به علت این تکبرش از رحمت خداوند تعالی دور شده و مورد لعنت قرار گرفت.

﴿...وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱ «و حق را (که از جمله آن صدق محمد است) پنهان نکنید. و حالانکه می‌دانید (پیغمبری او، راست است)».

مفهوم آیه این است که اگر کسی از حق با خبر باشد و آن را کتمان کند، خشم و غضب خداوند را متوجه خود نموده است. مانند بنی اسرائیل که قرآن بر پیامبر نازل شد و آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنان را بر قبول دین اسلام دعوت نمودند، در حالی که می‌دانستند دین و دعوت پیامبر حق است و باید در باره دین اسلام شهادت بدهند، اما بخاطر مصلحت های دنیوی حق را کتمان نمودند و نهایتاً این کار شان سبب خشم خداوند بر آنان شد.

﴿بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۲ «آری! هر کس مرتکب گناه شود، و گناه (احساس و وجدان و سراسر وجود) او را احاطه کند، این چنین افرادی یاران آتش بوده و جاودانه در آن خواهند ماند».

پیام آیه این است که اگر کسی مرتکب گناهی شود، این گناه وی را احاطه نموده و همه اعمال نیک وی را ضایع می‌سازد. انسان باید از گناهان صغیره

۱- سوره بقره آیه/ ۴۲

۲- سوره بقره آیه/ ۸۱

هم اجتناب نماید؛ چرا که تداوم در گناهان صغیره انسان را به گناهان کبیره کشانده و گناهان کبیره، ایمان را از بین می برد و بالاخره انسان را به سوی کفر می کشاند.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾^۱ «و کسانی که ایمان آورده اند و کردار پسندیده و افعال شایسته انجام داده اند».

مراد از اعمال نیک در قرآن کریم این است که انسان تمام خواسته های دین را انجام دهد.

﴿أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى﴾^۲ «یا می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا مسیحی بوده اند؟».

هر یک از دو فرقه یهودی و نصرانی می گویند: یهودی و یا نصرانی شوید تا از جمله هدایت شدگان باشید. آیه مبارکه توضیح می دهد که یهود و نصاری هر یک هدایت را در حوزه باورهای خود می دانستند و منبع این هدایت را به حضرت ابراهیم و فرزندان پیامبرش نسبت می دادند، بناء قرآن کریم پاسخ شان را اینگونه می دهد: حضرت ابراهیم عليه السلام نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه حنیف و مسلمان بود. همین قضیه را باید مسلمانان امروزی نیز بیندیشند که هیچ وقت خود را در مسایل فرقه ای نیندازند. لازم است تا این سوال را از خود داشته باشند، آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب بزرگوارشان دیوبندی، شیعه و یا بریلوی بودند؟ ما مسلمانان باید از این تقسیم بندی ها خود را دور داریم، تقاضای اخلاص با الله این است که یک مسلمان هیچ

۱- سوره بقره آیه/۸۲

۲- سوره بقره آیه/۱۴۰

وقت خود را به یک آدرس معین معرفی نکنند، و یا آن مسلک و فرقه را بر اسلام مقدم ننمایند و تمام سعی و تلاشش برای آن مسلک و فرقه نباشد و اگر خدای نکرده به صفت فرقه‌گرایی اهل کتاب آلوده باشیم، بر خلاف خواسته و دستور خدای بزرگ عمل نموده‌ایم.

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ...﴾^۱ «آنان که بدیشان کتاب (آسمانی) داده ایم».

به آن عده از اهل کتاب که از تعالیم کتاب‌های شان منحرف و مرتکب جنایت در حق دین شان شدند، صیغه مجهول (اوتوا الکتاب) بر آنان استفاده شده است، اما آنانی که حق کتاب را درست به جای آوردند، به آنان صیغه معلوم (آتیناهم الکتاب) استعمال شده است که این خود نشانگر جایگاه کسانی است که به دین خدا عمل می‌کنند.

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾^۲ «این (احکام روزه و اعتکاف) حدود و مرزهای الهی است و بدان‌ها نزدیک نشوید».

منحیث مسلمان باید حدودی را که خداوند متعال برای ما در زندگی معین نموده است، رعایت نماییم؛ چون تجاوز از حدود خداوند سزای دنیوی و اخروی به همراه دارد، چنانچه تاریخ بشر واقعات تلخی از بی توجهی به حدود خداوند متعال را در برگ‌های خود دارد.

﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ﴾^۳ «و هنگامی که از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید».

۱- سوره بقره آیه/۱۴۶.

۲- سوره بقره آیه/۱۸۷.

۳- سوره بقره آیه/۱۹۸.

رکن حج و قوف به عرفات است؛ یعنی با وقوف و قیام در عرفات فرضیت حج تکمیل می‌گردد و دیگر مناسک حج اگر به دلیل کدام مشکل دیگر انجام نشود، انسان می‌تواند کفاره بدهد؛ اما اگر شخص از قیام عرفات محروم ماند، حج وی کامل نیست و در حدیث شریف نیز گفته شده «الحج عرفة»^۱. ﴿فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾^۲ «کسانی هستند که می‌گویند: خداوند! به ما در دنیا (نیکی رسان و سعادت و نعمت) عطاء کن. (و لذا) چنین کسانی در آخرت بهره‌ای (از سعادت و نعمت و رضایت الهی) ندارند».

مفهوم و پیام آیه مبارکه این است: کسانی که در دل‌های شان محبت دنیا مانند حب مال و اولاد و ترقی در امور دنیوی ریشه دوانیده باشد، این نوع محبت مفرط به دنیا، انسان را به جایی می‌کشاند که در بهترین فرصت اجابت دعاها بجای دعای ایمانی و معنوی، بزرگترین دغدغه‌شان دنیا می‌باشد و این حالت بسیار خطرناک توصیف شده است.

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^۳ «و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطاء فرما (و سزای آجل و عاجل ما را خوش و خرم گردان) و ما را از عذاب آتش (دوزخ محفوظ) نگاهدار».

بهترین و بزرگترین خیر در دنیا، ایمان، هدایت و استقامت است. در کنار این نعمت‌های معنوی، درخواست فراخی و گشایش رزق از طرف خداوند

۱- به روایت ابوداؤود و ترمذی.

۲- سوره بقره آیه/۲۰۰.

۳- سوره بقره آیه/۲۰۱.

متعال به ما تعلیم داده شده است تا از او تعالی خیر دنیا و آخرت را بخواهیم. امام ابن کثیر رحمته الله می فرماید: آیه کریمه جامع و دربرگیرنده خیر دنیا و آخرت است؛ زیرا حسنه در دنیا همه خوبی های دنیوی، از قبیل صحتمندی، روزی فراخ، علم نافع، عمل صالح، و... را شامل می شود. و حسنه در آخرت نیز شامل نجات از صحنه های هولناک رستاخیز، آسان گیری در حساب، داخل شدن به بهشت می باشد. و نجات از دوزخ، عبارت از توفیق آماده شدن اسباب آن در دنیا است که عبارت است از اجتناب از محرمات، ترک شبهات، و دوری از گناهان.

﴿أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾^۱ «اینان (که جویای سعادت دنیا و آخرتند و در پی خوشبختی هر دو سرایند) از دسترنج خود بهره مند خواهند شد (و برابر کوششی که برای دنیا می ورزند و تکاپویی که در راه آخرت از خود نشان می دهند، در هر دو جهان از کرده خود سود می برند و سعادت دارین نصیب شان خواهد گردید)، و خدا سریع الحساب است (و به اعمال همگان آشنا است و هر چه زودتر پاداش و پادافره بندگان را خواهد داد)».

مفهوم و پیام آیه مبارکه فوق این است: برای اشخاصی که این دعای جامع را در هنگام حج انجام می دهند، همان حصه از جانب الله متعال داده می شود که ایشان کسب کرده اند. اگر اعمال و کارهای شایسته ای که انجام داده اند، برای رضای خداوند متعال باشد و در آن خلوص نیت داشته و از ریاء دور باشد، برای آنان خیر کثیر از سوی الله تعالی داده می شود. بناء

انسان نباید به این فکر باشد که هر کار نیکی را که انجام می‌دهم، الزاما برایم اجر و پاداش داده شود، بلکه بایسته است پندار وی چنین باشد، اعمالی را که انجام می‌دهم، در صورتی که به ریاء و سمعه آمیخته نبوده و خالص برای الله متعال انجام گیرد، ان شاء الله مورد قبول خداوند قرار خواهد گرفت و مستحق پاداش از جانب او تعالی خواهد شد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ «کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت نموده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خدا چشم‌امید می‌دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است».

یکی از مفاهیمی که در بین مسلمانان دچار سوء فهم گردیده، برداشت از رحمت الله است، عده‌ای با انجام اعمال حرام، کردار شان را توجیه می‌نمایند و از جانبی خود را مستحق رحمت خداوند متعال نیز می‌دانند، در حالی که خداوند متعال صریحا رحمت خاصش را از اینگونه افراد باز می‌دارد، بناء مستحقین رحمت خاص خداوند متعال کسانی اند که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند؛ اینان اند که مستحق رحمت اند و خداوند متعال بی نهایت بخشنده و مهربان است.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾^۲ «در باره باده و قمار از تو سوال می‌کنند. بگو: در آن‌ها گناه بزرگی است».

این که چرا شراب و قمار باهم یکجا ذکر گردیده، دلیلش این است که شراب و قمار باهم ارتباط عمیقی دارند؛ وقتی انسان به شراب اعتیاد پیدا

۱- سوره بقره آیه/۲۱۸.

۲- سوره بقره آیه/۲۱۹.

می‌کند و یا به قمار رو می‌آورد، این حکایت از ترس آنان از مقابله با واقعیت زندگی دارد، انسانی که ایمانی ضعیف داشته باشد، هرگاه مصیبت‌ها بر وی هجوم آورند، به شراب و مخدرات پناه می‌برد، و انسانی که تحمل سختی‌های به دست آوردن روزی حلال را ندارد، به قمار و کارهای مانند قمار رو می‌آورد.

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ...﴾^۱
 «و از تو درباره (آمیزش با زنان به هنگام) حیض می‌پرسند. بگو: زیان و ضرر است (و علاوه از نافرمانی، بیماری‌هایی به دنبال دارد). پس در حالت قاعدگی از (همبستری با) زنان کناره‌گیری نمایید».

عادت حیض، مرضی زنانگی و جزء طبیعت زنان می‌باشد، بنابراین بر مردان لازم است تا زمانی که زن از این مریضی پاک می‌شود، از همبستری با همسرش اجتناب نمایند، و به همین ترتیب حق لواط با همسرش را تحت هیچ شرایطی هیچ وقت ندارند و در مدت زمان حیض به استثنای جماع، از سایر اعضای وجود زن می‌توانند بهره ببرند.

﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتْهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲
 «و زنان مطلقه باید (بعد از طلاق) به مدت سه بار عادت ماهانه (و یا سه بار پاک شدن از حیض) انتظار بکشند (و عده نگهدارند، تا روشن شود که حامله نیستند)، و اگر (در ایمان خود صادق هستند و راست می‌گویند که) به خدا و روز رستاخیز باور دارند، برای آنان

۱- سوره بقره آیه/۲۲۲.

۲- سوره بقره آیه/۲۲۸.

حلال نیست که خدا آنچه را (اعم از جنین یا خون ماهانه) در رحم ایشان آفریده است پنهان کنند، و شوهران آنان برای برگرداندن شان (به زندگی زناشویی و از سرگرفتن آن) در این (مدّت عدّه، از دیگران) سزاوارترند، در صورتی که (شوهران به راستی) خواهان اصلاح باشند (و نخواهند به همسران خود زیان برسانند و خیانت نمایند، که در این صورت سروکارشان با خدا است) و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران اداء بکنند) همان گونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است (که باید همسران اداء بکنند) به گونه شایسته ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد). و مردان را بر زنان برتری (رعایت و حفاظت در امور خانوادگی) است. و خداوند باعزّت و باحکمت است (و برای آنان قوانینی وضع می کند که با حکمت سازگار است)».

وقتی زن و شوهر باهم ازدواج می کنند، تمدن از همین جا آغاز می شود، مسأله زن و شوهری و همبستری، یک انگیزه بسیار قوی بین زن و شوهر است، هر قدر که انگیزه شهوت بین زن و شوهر قوی باشد، همان قدر باید بیشتر مواظب باشند تا از حدود تجاوز نکنند. اسلام برای ارضای شهوت جنسی، امر ازدواج را تحت شرایط بسیار عالی، مشروع قرار داده است. در صورتی اگر برای اشباع غریزه جنسی محدودیتی وضع نگردد، نتایج اسفباری از قبیل بی بندوباری، لجام گسیختگی و فروپاشی تمدن انسانی را به همراه خواهد داشت؛ چنانچه امروزه در غرب این وضعیت رواج دارد، لهذا دین مقدس اسلام برای قطع نمودن ریشه های فساد، ازدواج را مشروع نمود تا یک زن تنها با یک مرد ارتباط داشته باشد و این ارتباط توسط یک سری تشریفات عرفی، باید صورت گیرد تا همه بدانند فلان زن با فلان مرد ازدواج نموده

است و اولادشان را به اسم پدر و مادر شان بشناسند و به این ترتیب یک اداره خانوادگی بوجود آید. زمانی که خانواده با ازدواج شکل گرفت، باید سلسله مراتبی جهت رهبری و مدیریت خانواده رعایت گردد، یعنی مرد که خداوند توانایی فوق العاده ای نسبت به زن به وی داده است، به عنوان سرپرست خانواده تعیین می گردد. و نگاه مساویانه در این مورد هیچگاه از پایه منطق و دلیل بر خوردار نیست؛ چرا که وقتی بحث مساوات در قضیه خانواده مطرح شود و ما تسلیم این قضیه شویم، باید قایل به دور رهبر در فضای خانه باشیم که این خود می تواند مشکلات فراوانی ایجاد کند. لهذا برای حاکم نمودن نظم در یک اداره، یک رئیس کافی است. بحث مساوات زن و مرد در دیگر قضایای زندگی مانند، کرامت و عزت انسانی، و اینکه زن مکمل مرد است، کاملاً صادق است و هیچ شکی در آن نیست؛ اما در جهت تکمیل پایه های اساسی خانواده، زن و مرد هر یک به طور جداگانه از خود مسئولیت های جدا و مستقل داشته و همین مسئولیت های متفاوت، نشان از تفاوت زن و مرد در حوزه حقوق انسانی شان دارد. این تفاوت در حقیقت نشانی از شکل گیری تمدن انسانی است و آغاز تمدن انسانی از ایجاد خانواده شکل می گیرد. لذا اگر اداره خانواده مستحکم باشد و توجه به زیرساخت های آن صورت گیرد، می توان به فلاح و رستگاری آن خانواده امیدوار بود، و برعکس اگر در خانواده فساد، ظلم، بی انصافی، جنگ و جدال حاکم باشد، توقع و انتظار فلاح و رستگاری آن خلاف واقع خواهد بود. در مبحث احکام طلاق، زن و شوهر با هم مساوی نیستند، هنگام ازدواج، زن حق انتخاب شوهر را دارد؛ اما هرگاه عقد ازدواج صورت گرفت، پله ترازوی حق شوهر از زن بیشتر است؛ چرا که مسئله طلاق، نیاز به تعمق و غور زیاد دارد که در این امر

توانایی مرد بالاتر از زن می باشد. در قضیه طلاق، شوهر این حق را دارد زن را طلاق دهد، این را نیز به یاد داشته باشیم، هرگاه مردی به ناحق زنش را طلاق دهد، این کار ظلمی است که در حق زن می شود، و طرف این کار الله متعال می باشد و فرد در مقابل خدا باید جوابگو بوده این را بداند که مؤاخذه نمودن خداوند متعال بسیار سخت است. در صورتی که از طرف مرد بر زن ظلم صورت می گرفت و مرد حاضر به طلاق هم نبود، اینجا است که زن می تواند با دادخواهی و مراجعه به مراجع قانونی و متنفذین، اقدام به طلاق خود نماید.

اگر مردی خانمش را یک بار طلاق داده باشد و عده طلاق آن زن تکمیل نگردیده، اما زن برای شوهرش بگوید که دیگر من راضی به ادامه زندگی با تو نیستم، چون تو طلاقم داده ای، باز هم این حق به زن داده نمی شود. در جریان طلاق این حق شوهر است که در جریان سه ماه با زن خویش دوباره زندگی را آغاز نماید، این نوع طلاق را به اصطلاح فقهی طلاق رجعی می گویند. این ها مسائل و احکامی است که زنان مسلمان بی خبر از دین، چنان رغبتی به آن ندارند، و همین بی خبری و ناآگاهی سبب شده است تا در عصر حاضر، غرب ندای مساوات حقوق زن و مرد را بلند کند و از این حربه به عنوان بزرگ ترین سلاح شیطانی بر علیه زنان و خانواده مسلمان استفاده کند. غرب بر اساس فلسفه شیطانی می خواهد تا وضعیت زندگی مسلمانان را به چالش بکشد. بدبختانه در شرایط کنونی بعضی از مسلمانان با پیروی از فرهنگ و فلسفه غربی، سبب نابودی خانواده های خود در جامعه اسلامی شده اند. غرب و پیروان ابلیسی اش می خواهند زن را به نام آزادی و مساوات،

اقتدار و قدرت داده و او را به میدان بکشد تا به وسیله زن، نظام خانوادگی امت مسلمه را همانند نظام خانوادگی غرب در هم بشکنند.

این جای تاسف دارد که رئیس جمهور امریکا کلنتن در بیانیه تبریکی سال نو خود ابراز کرده بود که به زودی اکثریت ملت امریکایی را کسانی تشکیل می دهند که در نتیجه فساد و زنا بوجود آمده اند. این تباهی بزرگی است که در غرب ظهور کرده است و بدبختانه ملل اسلامی با ناآگاهی تمام، از غرب پیروی می کنند.

از جانبی موضوعات حقوق مرد و زن که از دیدگاه اسلام بیان گردیده، در هاله ای از ابهام گذاشته شده است، و این موضوع سبب شده تا غرب بتواند تمدن مسلمانان را از بین ببرد. اسلام برای زن حقوق و امتیازات زیادی داده است؛ اما متأسفانه در میدان عمل ما آن را به زن قایل نشدیم و از حقوق مسلمی که خداوند به وی داده است، او را محروم نمودیم و در نتیجه انتقاد و زمینه حملات فکری و اندیشه وی غرب را متوجه خود نمودیم. بناء این، زنگ خطری را به صدا در می آورد که اگر حقوقی را که خداوند برای زنان معین ساخته است به ایشان ندهیم، در نتیجه زنان مسلمان اسیر ندای خوشنمای غرب می شوند، بر هر فرد مسلمان منحیث یک شوهر لازم است تا تمام حقوقی را که خداوند به زن داده است، قایل بوده و خود را از حقوق مسلم زن، بیشتر آگاه نماید، درین مورد پیامبر ﷺ فرموده اند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» بهترین شما کسی است که با خانواده خود خوب باشد. و من از همه شما با خانواده ام بهتر هستم^۱.

پیام حدیث نبوی این است که بر شوهر لازم است تا پاس و لحاظ حقوق زن، سلوک نیک، احترام به احساسات، و دلجویی خانم خویش را داشته باشد؛ البته با توجه به اینکه در مقابل خدمت و توجه به خانم، اصلی از اصول دین ضایع نگردد. در جایی دیگر از پیامبر روایت شده است که فرمودند: «الخلق عیال الله»^۱ به این معنی که مخلوق به منزله عیال خدا هستند. یعنی زن و مرد هر دو نزد خداوند عزیز اند؛ لذا زن و مرد باید احترام حقوق متقابل شان را رعایت نمایند تا زندگی به شیوه‌ای مطلوب مسیرش را طی نماید.

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲ «و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران اداء بکنند) همان گونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است (که باید همسران اداء بکنند) به گونه شایسته‌ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد). و مردان را بر زنان برتری (رعایت و حفاظت در امور خانوادگی) است. و خداوند باعزت و باحکمت است (و برای آنان قوانینی وضع می کند که با حکمت سازگار است)».

همان طوری که زن دارای حقوق مربوط به خودش بوده و مرد مکلف است تا آن را رعایت کند، مکلفیت‌های نیز متوجه زن بوده و باید در رعایت آن تلاش نماید. از اصول و قوانین دنیا است که فرایض و حقوق در کنار همدیگر قرار دارند، اگر در جایی مسئولیت‌های شما زیاد است، در مقابل، حقوق

۱- به روایت بیهقی.

۲- سوره بقره آیه/۲۲۸.

شما نیز زیادت‌ر می‌باشد و در جایی که مسؤولیت کمتر باشد، حقوق نیز کمتر است. گویا مسؤولیت و حقوق دوشادوش همدیگر در حرکت اند.

﴿لَطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾^۱ «طلاق دو بار است (آن طلاق) که حق مراجعت در آن محفوظ است. بعد از دو مرتبه طلاق، یکی از دو کار را باید کرد: نگاهداری (زن) به گونه ای شایسته (و عادلانه) یا رهاکردن (اش) با نیکی».

پیام فقهی و اخلاقی آیه این است که طلاق رجعی دو مرتبه می‌باشد؛ یعنی اگر کسی برای اولین بار خانم خود را طلاق داد، به خانمش دوباره رجوع کرده می‌تواند. اگر برای بار دوم وی را طلاق داد، دوباره نیز حق رجوع به خانمش را دارد، با این تفاوت که در مرتبه دوم، در صورت اراده ادامه زندگی با خانمش، باید سه ماه که مدت عده زن می‌باشد، سپری گردد، در ختم میعاد سه ماه، در صورت توافق و رضایت زن، می‌تواند دوباره عقد نکاح انجام دهد. اگر مرد بار سوم خانمش را طلاق بدهد، تا زمانی که خانمش با کسی دیگر ازدواج نکند، دیگر با هم یکجا شده نمی‌توانند. در صورتی که شوهر دوم، آن زن را طلاق داده باشد می‌تواند شوهر اول با آن زن ازدواج کند، البته شوهر دوم باید با رضا و رغبت خود، زن را طلاق دهد و در آن هیچ گونه وعده و فریبی در کار نباشد، و اگر بر اساس وعده و فریب این کار صورت گیرد، این کار را در اصطلاح حلاله گویند که مورد لعن و نفرین پیامبر ﷺ قرار گرفته است.

﴿أَنْ يَأْتِيَكُمُ الثَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾^۱ «نشانه حکومت او این است که صندوق (عهد) به سوی شما خواهد آمد (همان صندوق عهدی که دلگرمی و آرامشی از سوی پروردگارتان در آن است)».

تابوت آرامش، صندوق چوبی بزرگی است که در آن تبرکات آل موسی و آل هارون عليه السلام، مانند: عصای حضرت موسی و لوحه‌های که در آن تورات نوشته شده، موجود است. بنابر ادعای بنی اسرائیل، آن تابوت چوبی فعلاً موجود است و در زیرزمینی مسجد الاقصی که یک غار است، وجود دارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا الصَّاعِقَاتِ الَّتِي هُنَّ مَأْتِيَاتٌ مُّخْتَلِفًا فِی تَأْتِيَاتِنَآ وَلَٰكِن مِّمَّا فُتِنْتُمْ بِهِ قُلُوبُكُمْ فَأَقْبِرُوا إِلَىٰ آلِهَتِكُمْ﴾^۲ «ما بعضی از

آن پیامبران را بر بعضی دیگر برتری بخشیدیم. برخی از آن‌ها، خدا با او سخن می‌گفت. و بعضی را درجاتی برتر داد. و به عیسی بن مریم، نشانه‌های روشن دادیم. و او را با (روح القدس) تأیید نمودیم. (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امت‌ها نشد.) و اگر خدا می‌خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه‌های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی‌کردند. ولی (خداوند آن‌ها را آزاد گذارده و) آنها با هم اختلاف کردند. بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند. و (جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند. ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، انجام می‌دهد (و هیچ کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌سازد)».

۱- سوره بقره آیه/۲۴۸.

۲- سوره بقره آیه/۲۵۳.

در آیه مبارکه فوق چند پیام مهم نهفته است؛ اول اینکه، فرق قابل شدن در بین پیامبران علیهم السلام از دیدگاه عقیدتی کفر است، اما از حیث مراتب و شرف، خداوند بعضی را بر بعضی دیگر فضیلت داده است، مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله که مراتب و جایگاه شان در نزد خداوند متعال بسیار بالا و والا می باشد و به عنوان خاتم الرسل معرفی شده که این خود فضیلت و مزیتی بر ایشان است. نمونه دیگر سیدنا موسی علیه السلام می باشند، ایشان مستقیم با الله متعال سخن می گفت و این یک فضیلت بوده که از طرف الله متعال برایشان عنایت شده است. و پیام دیگری که آیه با خود دارد، این است که زندگی دنیا سرتاسر آزمایش و امتحان است، به همین جهت الله تعالی بندگان خود را در زندگی دنیا بر خوردار از آزادی نموده تا بدینوسیله با اختیار خود راه خود را انتخاب کنند؛ آن چنان که صحنه های امتحان در مراکز علمی چنین است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ يَوْمٌ لَّا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید. پیش از آن که روزی فرارسد که در آن، نه خرید و فروشی هست (تا بتوانید نجات را خریداری کنید)، و نه دوستی سودی دارد، و نه شفاعتی شامل حال تان می شود و کافران، خود ستمکارند».

این آیه بیان می دارد که ایمان به الله متعال تقاضای این را دارد تا از آن نعمت های که خداوند متعال در اختیار ما قرار داده است، در جایی به مصرف برسانیم که او تعالی خود دستورمان داده است. و به یاد داشته باشیم

روزی در مقابل خداوند قرار می گیریم و آن روز به حدی حساس و جدی است که هیچ مال و تجارت، دوستی و واسطه های دنیوی به حال انسان سودی نمی رساند، مگر کسی که با تجارت امروزی خود فردایش را آباد کند. نکته قابل تأمل دیگر در آیه فوق، بیان کفر است، البته کفری که در آیه بیان شده کفر اصطلاحی نبوده بلکه به معنی کفر معنوی می باشد؛ یعنی کسانی که با وجود ایمان به خدا و بر خوردار بودن از امکانات فراوان، دین را در حالت مغلوب شدن می بینند و هیچ گونه تحرکی برای غالب ساختن و تقویۀ دین از خود نشان نمی دهند، مرتکب کفر عملی شده اند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾^۱ «هیچ معبودی جز خداوند یگانه زنده و پاینده نیست، (خداوندی که قایم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قایم به او). هیچ گاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی گیرد. (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند). آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او، جز به فرمانش شفاعت کند؟! آینده و گذشته بندگان را می داند. و کسی از علم او آگاه نمی گردد. جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است. و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و نامحدود اوست). تخت (حکومت) او، آسمان ها و زمین را در برگرفته است و نگهداری آن دو (آسمان و زمین)، او را خسته نمی کند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت».

آیه الکرسی خزانه رحمت خداوند است و پیامبر اکرم ﷺ برای ابومنذر فرمود: ای ابومنذر! کدام آیه با عظمت قرآن کریم با توسست؟ گفتم خدا و رسول بهتر می داند، پیامبر فرمودند! ای ابومنذر! کدام آیه با عظمت قرآن کریم در حافظه توسست؟ گفتم: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ... بعد از ارایه پاسخ، با دست مبارک شان بر سینه ام زده فرمودند: ای ابومنذر علم بر تو مبارک باشد!^۱

و در حدیث دیگر از پیامبر ﷺ در باره تأثیر این آیه مبارکه چنین وارد شده است: «هر گاه شب در بستر خواب خود رفتی، آیه الکرسی را تا اخیر بخوان! چون با خواندن این آیه مورد حفظ خداوند قرار خواهی گرفت و شیطان به تو نزدیک نخواهد شد».^۲

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۳ «اکراهی در قبول دین، نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت {بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر} کافر شود و به خدا ایمان آورد، به محکم ترین دستگیره چنگ زده است که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست».

مفهوم آیه فوق این است که قبل از ایمان آوردن به الله متعال انکار از طاغوت که همانا انکار از باطل است، ضروری می باشد. به عنوان یک مسلمان ما نمی توانیم هم زمان هم با خدا دوستی کنیم و هم با دشمنان خدا.

۱- سنن ابی داود حدیث/۱۴۶۲.

۲- صحیح بخاری حدیث/۲۳۱۱.

۳- سوره بقره آیه/۲۵۶.

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۱. «کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام

دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) بر نمی‌خیزند مگر همچون کسی که (بنا به گمان عرب‌ها) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آن رو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حالانکه خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با خدا است؛ اما کسی که برگردد (و مجدداً مرتکب رباخواری شود) این‌گونه کسانی اهل آتش اند و جاودانه در آن می‌مانند».

آیه فوق احوال اقتصادی بشر و عده‌ای از مسلمانان امروزی را به تصویر می‌کشد، در عصر حاضر بزرگ‌ترین بغاوت انسان‌ها، قبول حاکمیت غیر الله در قضایای زندگی است، و از جهت نفسانی و باطنی بزرگ‌ترین جفای بشریت تکیه و اعتماد محض به ماده می‌باشد، یکی از بزرگ‌ترین گناهان بشر عصر حاضر بعد از شرک به خدا، روی آوردن به معاملات ربوی و سود خوردن است، سود یکی از بزرگ‌ترین فتنه‌های عصر امروزی می‌باشد و این در حالی است که یهود جهان‌خوار، چرخ اقتصادی دنیا را در اختیار دارد و تمامی دنیا را اسیر برنامه‌های اقتصادی خود نموده است، در آیه مبارکه فوق حرام بودن سود ذکر گردیده و مسأله سود ارتباط می‌گیرد به پول زایدی که بعد

از مصارف ضروری نزد انسان باقی می ماند و این پول زاید باید در راه هایی به مصرف برسد که منافع بینوایان را در بر داشته باشد، و یا در جهت تقویّه دین خدا مصرف شود، اما کسانی که دچار ذهنیت سود خوردن شده اند، پول زاید بر مصرف شان را منبع نفع مزید قرار می دهند و از این طریق، منافع را در گرو خود می گیرند و هیچ گونه دست ترحمی به جامعه دراز نمی کنند. سود خوردن و معامله ربوی در اصل ضد انفاق است، کسی که پول و سرمایه زاید بر مصرف زندگی خود را بر اساس سهمی مشخص، نه بر اساس مضاربت نزد کارفرما می گذارد تا سرمایه و پولش را از این طریق افزایش دهد و هیچ منافع کارفرما را در نظر نمی گیرد و از نیاز و مجبوری او سوء استفاده می کند، باید بداند که بزرگ ترین خسارت را متوجه خود و سرمایه خویش نموده است. اما بر خلاف این قضیه، کسانی که زکات و صدقه مال شان را مطابق به دستور خداوند متعال پرداخت نموده و به مستحقین آن می رسانند و یا بر اساس دستورات شریعت اسلامی که از سود و ربا به دور است، جهت رفع و ریشه کن کردن فقر از جامعه اسلامی سرمایه گزاری می کنند، در واقع سرمایه خویش را با برکت افزایش می دهند و از جانبی دیگر جایگاه اسلامی و انسانی شان نیز در جامعه اسلامی تثبیت خواهد شد. در عصر بانکداری امروزی همه بانک ها ندا می زنند با ما مشتری شوید تا پول پس انداز ما را با یک فیصدی بیشتر برای شرکت های دیگر بدهند و یک فیصدی ناچیز برای کسی که پول خویش را در این بانک ها ذخیره می کنند، پرداخت گردد. به همین ترتیب مقدار فیصدی ناچیز پول در حساب پس انداز مشتری، از سوی بانک های تجارتمندی ازدیاد می گردد. و در نتیجه این فساد و تباهی در سیستم بانکداری، امروزه ما شاهد پدیده شوم و نامشروع بی عدالتی و فقر گسترده در

بین مردم هستیم، اگر امروزه بجای پدیده شوم سودخوری، اصل اتفاق فی سبیل الله نهادینه می شد، ما شاهد شکوفایی اقتصاد جامعه و پیشرفت زندگی بسا از انسان ها بودیم. در قرآن کریم در قسمت صدقات واجبه یادآوری گردیده است که به طور علنی داده شود، اما صدقات نافله به طور مخفی و پوشیده پرداخت شود. در آیات تحریم سود، آنانی که سود می خورند، به بدترین حالت توصیف شده اند.

برای مشاهده عملی این دسته از مردم، خوب است سری به مارکیت های (Stock Exchange) تبادل کالا بزنید، آنگاه خواهید دانست که ایشان از خط و مسیر انسانیت خارج شده اند و مانند حیوان های وحشی بر سر همدیگر جیغ می زنند و با هم دیگر در جنگ و جدال به سر می برند.

فرق میان سود و بیع در این است که بیع نوعی از انواع معاملات است که با داد و ستد همراه باشد، اما ربا و یا سود، صرفا بهره برداری سوء از نیازمندی انسان گرفتار و در مانده است که هیچ عوضی در قبال آن وجود ندارد.

مثال بیع: مانند کسی که خانه شخصی اش را در بدل مبلغ و زمان معین با امکاناتی که دارد به اختیار کسی دیگر می گذارد که در نتیجه بیع (تجارت) صورت می گیرد، یعنی در عوض استفاده مستأجر از خانه و پرداخت کرایه ماهوار برای مالک خانه بیع صورت می گیرد که این یک نمونه از بیع حلال می باشد.

مثال سود: مانند کسی که مثلاً یک میلیون پول سرمایه دارد که از جمله (Fluid Capital) پول نقد به حساب می رود و این پول را برای کسی پرداخت می کند تا بالای این پول تجارت کند، اما مشروط بر اینکه در اخیر سال باید مبلغ سه صد هزار، فایده برایش پرداخت کند، در حالی که احتمال

دارد شخصی که پول برایش پرداخت شده، دچار خساره شود و یا فایده‌ای حاصلش نشود؛ اما چون صاحب پول چنین شرطی گذاشته است، بناء خود را مکلف به پرداخت مبلغ مشروط می‌داند، این نوع معامله سود بوده و کاملاً حرام و مصداق عینی آیه مبارکه فوق می‌باشد؛ چرا که در سود، شکل پول تغییر می‌کند، ولی مفاد مشخص و از قبل تعیین می‌شود. چالش دیگری که بر اثر معاملات سود در جامعه ایجاد می‌شود، این است که هر قدر تناسب سود بیشتر گردد، به همان مقدار گراف بیکاری و افلاس بالا می‌رود و در نتیجه قیمت سود (Interest Rate) بیشتر شده و در نتیجه سبب تباهی نظام مالی و اقتصادی یک کشور می‌شود. متأسفانه این پدیده شوم را بانک‌ها از مردم می‌پوشند تا کسی به عواقب آن پی نبرد، اما هنگامی که بانک‌های بزرگ (Bankrupt) دچار افلاس و ورشکستگی می‌گردند، اینجاست که انفجار صورت گرفته و همه را متوجه خود می‌نمایند، بسان همان اتفاقی که برای بانک‌های روسیه و کوریا افتاد و تمام جهان از آن باخبر شد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْنُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه را از (سود) ربا باقی مانده، رها کنید. اگر ایمان دارید. اگر چنین نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش به شما اعلان جنگ می‌کنند. و اگر توبه کنید، سرمایه‌های تان (بدون سود)، از آن شماست (و به این صورت). نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم می‌شود».

مفهوم آیات مبارکه فوق این است که هرکس سود بخورد الله تعالی و رسول وی ﷺ با او اعلان جنگ می کنند و چنین هشدار به این شدت، در هیچ گناهی دیگر در قرآن کریم ذکر نگردید است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِذُنُوبِكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوا وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَخْشَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِكْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّوْا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱ «ای کسانی که

ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد. و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن همان طور که خدا به او تعلیم داده خودداری کند! پس باید بنویسید. و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املاء کند. و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد. و چیزی را از آن فروگذار ننماید. و اگر کسی که حق بر عهده اوست، سفيه یا ضعیف (و دیوانه) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املاء کردن ندارد، باید ولی او (به جای او)، با رعایت عدالت، املاء کند. و دوفتر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید. و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! تا اگر یکی از آن دو انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و

هنگامی که شاهد را (برای ادای شهادت) دعوت می کنند، نباید خودداری نمایند. و از نوشتن بدهی مدت دار، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید). این کار، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مطمئن تر و بری آنکه دچار شک و تردید نشوید، بهتر می باشد. مگر اینکه داد و ستد حاضر و نقدی باشد که در میان خود دست به دست می کنید، پس در این صورت باکی بر شما نیست که آن را بنویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقد) می کنید. شاهد بگیرید. و نباید به نویسندگان شاهد، (به خاطر حقگویی)، زبانی برسند. و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و خداوند به شما تعلیم می دهد. خداوند به همه چیز داناست».

آیه مبارکه فوق یکی از طولانی ترین آیات قرآنی می باشد، موضوع اساسی آیه پیرامون دین (قرض) است، الله متعال به ما آموزش می دهد که اگر به کسی قرض می دهیم، و یا تجارت شراکت داریم، در این مورد حکم گردیده است که باید این نوع معاملات و داد ستدها را بنویسیم، متأسفانه گاهی اوقات ما بر خلاف آیه مبارکه فوق عمل می کنیم؛ قرض می دهیم و می گیریم در نوشتن آن بی توجه هستیم و چنین توجیه می کنیم کسی از او قرض گرفتم و یا قرض دادم دوست من است و اگر بنویسیم دوست یا عزیزم با خود چه فکر خواهد کرد؟ یا بطور مثال کار تجارت و مضاربتی را بطور زبانی و شفایی شروع می کنیم و هیچگونه سند نوشتاری در میان شرکاء نیست، و نهایتاً مشکلاتی در بین ایجاد می شود که بعداً پشیمانی سودی نخواهد داشت. نکته دیگری که در آیه تذکر رفته و بسیار مهم است، اینکه شهادت دوزن برابر با یک مرد است، به دلیل اینکه فراموشی در زنان بیشتر از مردان است،

بناء رهنمایی آیه با عقل و منطق منطبق است. و از طرف دیگر زن تابع مرد است و در جایگاه دوم قرار دارد، و کسی که در جایگاه پایین تر باشد، مسلماً زیر فشار بیشتری می باشد و این امکان دارد که احساسات زن صدمه ببیند؛ بناء برای جبران فراموشی و جلوگیری از حق تلفی، الله متعال چنین دستوری را صادر نموده است. و همه این ها نشان از لطف پروردگار در حق بندگاناش دارد. فراموشی در اصل خود یک نعمت است، در غیر آن، هرگاه انسان دچار صدمه جسمی و یا روحی از دست کسی می شد و این صدمه همیشه و بطور دایم بیادش می بود، طبعاً از این ناحیه دچار صدمات روحی و روانی زیادی می شد، بناء خداوند متعال انسان را بهره مند از فراموشی نموده که این خود نعمتی بر انسان محسوب می شود.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾^۱
 «کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند. و خداوند (بر کیفر آن‌ها) توانا و دارای مجازات است».

در آیه فوق هشدار شدیدی از جانب خداوند متعال متوجه کسانی است که نسبت به آیات کتاب الهی بی توجهی نشان می دهند. قرآن کریم مانند کتاب های دیگر نیست، قرآن منحیث کتاب خدا دستورالعمل زندگی هر مسلمان است. و هر مسلمان مکلفیت دارد جهت فهم صحیح و به کار بستن خواسته های آن در زندگی، تلاش و کوشش نماید؛ لذا شایسته است برای تلاوت روزانه آن برنامه داشته و حین تلاوت، به آیات آن تدبر و تعقل نمایم. اگر چنین نمودیم، رحمت خدا شامل حال ما خواهد شد. امت های قبل از

اسلام با کتاب‌های شان نهایت بی‌مهری نشان دادند و در نتیجه مورد خشم و غضب و انتقام الله متعال قرار گرفتند.

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاٰبِ﴾^۱ «محبّت امور مادی، از (قبیل) زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهار پایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است. (تا در پر تو آن، آزمایش و تربیت شوند. ولی) این‌ها وسایل گذران زندگی دنیا است (و هدف نهایی نمی‌باشد). و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست».

آیه مبارکه فوق خواسته‌های فطری انسان را به نمایش می‌گذارد، خداوند متعال فطرتا محبت زن، فرزند، مال و ثروت را ایجاد نموده تا با این شیوه زندگی دنیا مسیرش را بیماید، و حرکت حیات استمرار پیدا کند. از آنجایی که اراده الله متعال به ادامه یافتن نسل بشر تا روز قیامت می‌باشد، قوی‌ترین غریزه در زن و مرد، همانا تمایل غریزه شهوت جنسی است. این کشش جنسی سبب شده که ما هر روز شاهد ازدیاد نسل انسان در روی زمین باشیم. به همین جهت است که اولاد و محبت انسان به آن سبب می‌شود تا نسل ادامه پیدا کند و دنیا تا روزی که خدا بخواهد باقی بماند. و اما برای بدست آوردن متاع دنیا یک سری سنن در جهان حاکم است و انسان برای به دست آوردن آن ناگزیر است که خود را با این سنن و قوانین منطبق کند. باید دانست همه موارد فوق خواهشات نفسانی است، و نباید عبادت و محبت خدا را تحت تأثیر خود قرار دهد. انسان بنابر دستور خداوند حق استفاده از

خوبی‌ها و زینت‌های دنیا را دارا می‌باشد؛ چون زندگی انسان بدون استفاده از موارد فوق، به پایه کمال نخواهد رسید؛ اما باید توجه داشت تا (دنیا، زن، فرزند، و...) هدف برای ما قرار نگیرد، و اگر چنین شد، دنیا و متاع آن برای ما به فتنه تبدیل خواهد شد.

[مولوی ابوالحسن فیضی جیجی‌ای صاحب فرمودند: آن عده از جوانانی که در رفاه و آسایش زندگی می‌کنند، به محض اینکه به سن جوانی رسیدند، باید به زودترین فرصت اقدام به ازدواج نمایند و والدین درین امر مسئولیت دارند، یعنی وضعیت اولادشان را دیده و از او به شیوه‌های مختلف سوال کنند که آیا وی آماده ازدواج است یا خیر؟ چون عده‌ای از جوانان غرق مصروفیت‌های کاری و تحصیلی خود اند، و شاید کمتر به این فکر بیفتند. بناء هرگاه والدین اوضاع را مناسب دیدند، باید فوراً اقدام نمایند و تاخیر درین کار پسندیده نیست؛ چونکه موج تحریک جوانان به سوی شهوت بسیار قوی است و امکان انحراف جوانان هر لحظه ممکن است، و اگر خدای نکرده جوانان ما به انحراف کشیده شوند، گناه‌شان به عهده والدین می‌باشد. پس بر والدین لازم است تا پسران و دختران جوان‌شان را به ازدواج تشویق کنند و زمینه را برای شان آماده سازند تا با گسترش سنت ازدواج، دروازه‌های فساد و منکرات برای همیشه بسته شده و ما شاهد جامعه‌ای سالم باشیم].^۱

﴿قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾^۲ «گفت خداوند هر کاری را بخواهد

انجام می‌دهد».

۱- مترجم.

۲- سوره آل عمران آیه/۴۰.

آیه پرده از قدرت خداوند تعالی بر می دارد و هم اینکه خداوند محتاج اسباب نیست؛ بلکه اسباب محتاج اوست.

﴿وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾^۱ «و با مردم، در گهواره و در حال میانسالی سخن خواهد گفت. و از صالحان است».

«المهد» به معنی گهواره است و «کهولت» سن بعد از عمر چهل سالگی را گویند. بناء بردن حضرت عیسی مسیح به آسمان توسط الله متعال، به عمر سی و سه سالگی بوده است. معجزه این آیه مبارکه هنوز ادامه دارد، و نشان از زنده بودن سیدنا عیسی علیه السلام در آیه دیده می شود. مطابق به آنچه در احادیث نبوی آمده، حضرت عیسی علیه السلام دو باره به زمین بر خواهند گشت و مجددی از مجددان امت پیامبر اسلام خواهند بود و همان شیوه خلافت بر منهج نبوی را بر تمام دنیا حاکم خواهند نمود.

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ هَذَا الصَّلَافَ الَّذِي فِيهِ كُفْرٌ وَكَافَرٌ وَإِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾^۲ (به یاد آورید) هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی! من تو را بر می گیرم و به سوی خود، بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک (و دور) می سازم. و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیر، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می دهم. سپس بازگشت شما به سوی من است و (آنگاه) در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می کنم».

۱- سوره آل عمران آیه/۴۶.

۲- سوره آل عمران آیه/۵۵.

لفظ «متوفیک» از باب تفعّل (توفی، يتوفا) است. یعنی یک چیز را بطور کامل دوباره گرفتن. این آیه صریحا خبر از بردن سیدنا عیسی (با جسم، جان و روح) به آسمان ها می دهد. برعکس گروه قادیانی که آیه مبارکه را بر بنیاد یک عقیده بسیار غلط، تفسیر نموده و می گویند حضرت عیسی وفات نموده است. همچنان هنگامی که حضرت عیسی به آسمان ها برده شد، با بردن او به آسمان، بدبختی قوم یهود که در پی قتل ایشان بودند، آغاز گردید؛ چرا که دسیسه قتل آن حضرت را طرح کرده بودند. یهود همواره مورد خشم و غضب خداوند قرار دارند، و در طول تاریخ، به خاطر خباثت ها و جنایت های خود، زیر تاخت و تاز حکام مختلف دنیا از قبیل یونانیان، سوری ها و رومی ها شکنجه می بینند. و در عصر حاضر ادلف هیتلر (Adolf Hitler) دمار از روزگار یهود کشید و بدترین شکنجه را به یهودیان چشانید. در اولین اقدام، هیکل سلیمان که نماد مقدس نزد یهود است، توسط پادشاهی بنام تایتس (Titus) ویران شد و بیشتر از یکصد و بیست هزار یهودی در یک روز به دست وی به قتل رسیدند و این واقعه چهل سال بعد از رفع سماوی حضرت عیسی علیه السلام صورت گرفت. بار دوم نبوکد نصر پادشاه قدیم (بابلیان) که در عراق امروزی بود، تعداد زیادی از یهودیان را کشت و تعداد دیگرشان را از فلسطین به عراق انتقال داد و همه آنان را به اسارت گرفت؛ اما بعد از مدتی یهودیان دوباره متحد شده و به فلسطین آمدند و بار دیگر هیکل سلیمان را اعمار مجدد کردند؛ لیکن بعد از مدتی این معبد دوباره ویران گردیده و دوران پراکندگی یهودیان به کشورهای مختلف جهان شروع شد، و از یهود خواسته شد تا از مملکت فلسطین خارج شوند و دیگر اجازه زندگی کردن را در فلسطین ندارند، در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه هنگامی که اروشلیم

به دست مسلمانان فتح گردید، برای یهودیان اجازه داده شد تا دوباره به فلسطین برگردند. دوران (Jewish Diaspora) یعنی دوران پراگندگی یهود به کشورهای مختلف ختم گردید؛ چرا که حضرت عمر رضی الله عنه اورشلیم را شهر باز و مشترک برای همه ادیان قرار داد و فرمود در این شهر مسلمان، عیسوی و یهودی همه آمده می توانند. هنگامیکه اورشلیم را عیسوی ها برای مسلمانان تسلیم می کردند، معاهده‌ای با مسلمانان به امضاء رسید مبنی بر اینکه یهودیان حق آباد نمودن (یعنی خرید زمین) در اورشلیم را ندارند و حضرت عمر صرف حق زیارت را برای یهود دادند و حق زندگی کردن و خرید ملکیت را برای یهودیان در اورشلیم ندادند، این روند تا اخیر دوره خلافت اسلامی عثمانی ها رعایت می شد. یهود بارها به دربار عثمانی برای حق سکنی رفتند و خواستند تا اجازه پیدا کنند که در فلسطین جایی برای زندگی کردن داشته باشند، و برای ارضی کردن خلیفه عثمانی پول و رشوت زیادی نیز پیشکش نمودند؛ اما خلفای عثمانی این چیزها را قبول نکردند، و در نتیجه یهودیان با دسایس پیدا و پنهان و ضعف سیاسی در دستگاه خلافت اسلامی عثمانی، توانستند موانع را از سر راه شان بردارند و به آرزوی دیرینه شان برسند. یهودیان معتقد بودند تا زمانی که خلافت عثمانی روی کار باشد، موانع بزرگی سر راه ما قرار دارد، بناء در کنار دسیسه های شان، دست به دامن استعمار انگلیس شدند. دولت وقت انگلیس، توسط (بالفورد) نخست وزیر آن کشور معاهده‌ای را امضاء کرد که طبق آن معاهده، یهود حق برگشت و آباد کردن زمین در فلسطین را دارند، بناء از یهودیان سراسر دنیا خواسته شد تا به فلسطین برگردند، در نهایت یهود با همکاری دولت های قدرتمند دنیا توانست باری دیگر برای خود در جهان جای پا باز کند و صاحب سیاست و

حکومت گردد. یکی از عوامل پیروزی و شکل‌گیری مجدد یهود در دنیا، همکاری بی دریغانه جهان مسیحیت با آنان است، و اگر همکاری عیسوی‌ها با یهود نباشد، آنان نمی‌توانند زیاد دوام بیاورند.

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^۱ «هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، کسانی در باره مسیح با تو به ستیز برخیزند، بگو: (بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را. ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما نیز زنان خود را. ما از نفوس خود (و کسی که همچون جان ماست) دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود. آنگاه مباحله (و نفرین) کنیم. و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

مفهوم آیه این است که هرگاه پیامبری از جانب خدا مبعوث گردد و با رساندن پیام الهی اتمام حجت کند و پیام حق را برای مردم برساند، اما در مقابل پیامبر مخالفت صورت گیرد و پیام حق مورد انکار قرار گیرد، به عنوان نشان صداقت آن پیامبر موضوع مباحله مطرح شده است و از این طریق مخالفین را پیامبر به چالش می‌کشند، تا واضح شود چه کسی صادق است و چه کسی دروغگو. شیوه (مباحله) اینگونه است که پیامبر با تمام اولاد و زنان خود در یک محل حاضر می‌شوند و گروه مخالف نیز با تمام اولاد و زنان خود حاضر می‌گردند، آنگاه پیامبر می‌گوید هر گروه که دروغگو باشد، لعنت خدا بر آن باد! اما مسیحیانی که برای مباحله از سوی پیامبر اکرم ﷺ دعوت شده بودند، چون جدیت قضیه را دیدند، حاضر به این کار نشدند.

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَآكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ، وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَن يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلُ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱ «و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز (به ظاهر) ایمان بیاورید. و در پایان روز، کافر شوید (و به این وسیله مؤمنان را در ایمان شان متزلزل سازید). شاید آن‌ها (از آیین خود) باز گردند. و (گفتند) جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، ایمان نیاورید. بگو: هدایت (واقعی)، هدایت الهی است (و توطئه آنها بی اثر است). و گفتند: (تصور نکنید) به کسی همانند کتاب آسمانی شما داده می شود، یا این که می توانند در پیشگاه پروردگارتان با شما بحث و گفتگو کنند) بگو: فضل به دست خداست. و به هر کس بخواهد (و شایسته باشد)، می دهد. و خداوند، دارای مواهب گسترده و آگاه (از موارد شایسته آن) است».

در عصر رسالت نبی اکرم ﷺ هر کسی در دایره اسلام داخل می شد دوباره به هیچ وجه از این دایره خارج نمی شد، حتی که اگر وی را با شدیدترین شکنجه ها دچار می نمودند، چون حلاوت و شیرینی ایمان هرگز اجازه بازگشت برایش نمی داد. بنابراین وقتی منافقان ایمان قوی مؤمنان را مشاهده نمودند و از کافر شدن شان نا امید گردیدند، طرح جدیدی برای متزلزل شدن مؤمنان روی دست گرفتند، به این شیوه که در اول صبح مسلمان می شدند و با پیامبر و مؤمنان هم صحبت می شدند، اما در اخیر روز از ایمان دست می کشیدند و راه کفر را پیش می گرفتند، و کار شان را اینگونه توجیه

می کردند که در اسلام هیچ چیز خوبی ندیدیم؛ بلکه ما دوباره به راه سابق مان بر می گردیم، و اینگونه در دل مسلمانان نسبت به اسلام و پیامبر شک و تردید ایجاد می کردند، و با این کار شان می خواستند مسلمانان عادی و ضعیف الایمان را از اسلام متنفر سازند. موضوع دیگری که به آیات تعلق می گیرد، بحث ارتداد می باشد، یعنی کسانی که بعد از قبول اسلام دوباره به کفر بر می گردند، و جزایی که بر مرتد (برگشته از دین) تعیین شده، قتل است؛ چرا که اساس و بنیاد نظام اسلامی ایمان و تسلیم شدن است و برای جلوگیری از این نوع دسیسه ها در نظام اسلامی قتل مرتد تجویز گردیده تا دین بازیچه دست این و آن قرار نگیرد. این عمل را نفاق شعوری نیز می گویند.

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۱ «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید. و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است».

یعنی انسان به نیکی واقعی دست پیدا کرده نمی تواند، مگر آنکه بهترین های مال، ثروت، رزق و روزی خویش را در راه خداوند متعال انفاق کند؛ نه اینکه خوراک و پوشاکی که مورد پسند خودش نیست، برای مساکین و فقراء دهد، در حالی که خودش بهترین لباس و غذا را استفاده نماید. بناء در اسلام، تنها هدف از انفاق فقرزدایی نیست؛ بلکه رشد انفاق کننده مطرح است، چراکه سعادت انسان در سایه نگاه اجتماعی و کریمانه اوست.

﴿وَبَلَّهٖ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۱ «و برای خدا بر مردم (واجب) است که آهنگ خانه (او) کنند، آن هایی که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، و خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است». مفهوم آیه مبارکه این است: مسلمانانی که توانایی و استطاعت مالی دارند، باید در عمر یک مرتبه خانه خداوند متعال را زیارت نمایند. و اما کسی که با وجود توان مالی و استطاعت حج نمی کند، مرتکب عمل کفر شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید! آنگونه که حق تقوا آنگونه که حق تقوا و پرهیزگاری است، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و جز بر آیین اسلام از دنیا نروید».

پیام آیه این است: توجه به کردار و عمل کردها بسیار مهم است، این آیه در مورد اهمیت تقوی بزرگترین آیه به شمار می رود. آیه مبارکه به ما می آموزد که انسان مؤمن بطور مستمر در زندگی متوجه خدا باشد و هیچگاه فکر نافرمانی خدا را در سر نپروراند؛ چراکه قضیه مرگ بی نهایت جدی است و آمدن مرگ نیز از علم ما پوشیده می باشد، بناء انسان باید همیشه به یاد مرگ و آخرت بوده و در حد توان انسانی، تقوای الهی را مراعات نماید.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۳ «و همگی به ريسمان

۱- سوره آل عمران آیه/۹۷.

۲- سوره آل عمران آیه/۱۰۲.

۳- سوره آل عمران آیه/۱۰۳.

خدا (قرآن کریم، و هرگونه وسیله وحدت الهی) چنگ زنید، و پراکنده نشوید. و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت بر قرار ساخت، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد. شاید هدایت شوید».

شان نزول آیه مبارکه اشاره به اختلافات بین دو قبیله اوس و خزرج قبل از اسلام در مدینه منوره دارد که سالیان متمادی خون همدیگر را بر زمین می ریختند، تا آنکه با آمدن پیامبر ﷺ به مدینه، به همه اختلافات شان نقطه پایان گذاشته شد. اما مفاهیم آیه در مورد اهمیت توجه به کردار و عملکردهای اجتماعی انسان می باشد، تقوای الهی در کنار علم و دانش ارزش دارد و انسان مسلمان باید تلاش نماید تا در کنار رعایت تقوای الهی، خود را به علم و دانش آراسته نماید.

از علایم تقوای الهی، آموختن علوم قرآن کریم و تلاش در جهت پیاده نمودن احکام آن است. فراگیری تعلیمات قرآن کریم سبب اتحاد و اتفاق در بین مسلمانان می گردد، چون قرآن کریم یگانه کتاب الهی است که مسلمانان را صرف نظر از مسایل سمتی، نژادی و قبیله ای با اهداف و مقاصد واحد دور هم جمع می کند.

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ «و (برای رسیدن به وحدت) باید از میان

شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و رستگاران آنها هستند».

یعنی باید گروهی از شما به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت اسلامی قیام کنند و با تعلیم و موعظه و ارشاد و با سلطه و قدرت و حکومت، مردم را به سوی آنچه که سود دنیا و آخرتشان در آن است، فراخوانند و دستور دهند.

در نتیجه برای انجام فریضه دعوت الی الله باید جماعت اسلامی تشکیل گردد و کار اصلی این جماعت همانا دعوت انسان ها به سوی خیر و نیکی و منع از بدی و منکرات به وسیله قرآن کریم باشد، و رستگاران واقعی همین گروه می باشند. باید دانست که امر به معروف و نهی از منکر در نزد جمهور فقها، از فرایض کفایی اسلام است که اگر اهل علم — یعنی آنان که می دانند معروف چیست تا به آن امر کنند و منکر چیست تا از آن نهی کنند — به آن قیام کنند، فرضیت آن از دیگران ساقط می گردد و در غیر آن، فرضیت آن به دوش هر فرد مسلمان باقی می ماند، همان گونه که عمومیت این فریضه، از آیه (۱۱۰) سوره آل عمران بر می آید.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۱ «و مانند کسانی نشوید که (با ترك امر به معروف و نهی از منکر) پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگارشان) به آنان رسید، و ایشان را عذاب بزرگی است».

مفهوم آیه این است که اگر کسی در بخشی از زندگی حکم خداوند را قبول کند و در بخش های دیگر حکم غیر الله را قبول کند مورد عذاب قرار

می گیرد، بناءً وظیفه دینی مسلمان است که بکوشد تا دین خداوند متعال غالب و حاکم گردد.

﴿وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾^۱ «و مهر بیچارگی بر آنها زده شده است چرا که آنها به آیات خداوند، کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. این بخاطر آن بود که نافرمانی کردند. و (به حقوق دیگران،) تجاوز می نمودند».

مفهوم آیه مبارکه فوق این است: حکایت بنی اسرائیل در سوره های مبارکه بقره و آل عمران برای این ذکر گردیده است تا ما ایشان را به عنوان آینه عبرت و اندرز بدانیم. قرآن کریم به ما هشدار می دهد تا مبدا اعمالی را مرتکب شویم که بنی اسرائیل به آن گرفتار شدند، و در نتیجه به سبب نافرمانی گرفتار ذلت و خواری شدند، آیه در واقع ذلت و خواری مسلمانان امروزی را به سبب نافرمانی از فرامین دینی به نمایش می گذارد، حقارتی که امروز دامنگیر مسلمانان شده، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی عرض اندام نموده است، این حالت مایه نهایت تأسف برای جهان اسلام است و همه این حقارت ها چنانچه قبلا به آن اشاره شد، در نتیجه دوری از تعالیم قرآن و سنت نبوی می باشد.

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَمَامِ فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا﴾^۲ «و اگر می ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم،) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان (پاک) مورد

۱- سوره آل عمران آیه/۱۱۲

۲- سوره نساء آیه/۳

علاقه خود ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر. و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنها باشید استفاده کنید. این کار، به ترک ظلم و ستم نزدیک‌تر است».

در یکی از روایات در بیان سبب نزول آیه کریمه آمده است: مردم از خوردن اموال یتیمان احساس گناه کرده و خود را از آن باز می‌داشتند، اما در امر زنان، با دست باز عمل کرده و هرچه می‌خواستند از آنان به ازدواج خویش در می‌آوردند و گاهی میان‌شان عدالت کرده و چه بسا که عدالت را در میان‌شان رعایت نمی‌کردند، پس چون از احکام یتیمان سؤال کردند، پیوست با جواب آن این آیه هم نازل شد تا ایشان را به این امر متوجه سازد که همان‌گونه که از بی‌عدالتی در مورد یتیمان بیم دارند، در مورد زنان نیز از بی‌عدالتی بیمناک بوده و بیشتر از آن تعدادی را که رسیدگی به حقوق آنها برای‌شان ممکن نیست، نکاح نکنند؛ زیرا زنان نیز در ضعف و ناتوانی‌شان همانند یتیمان هستند.

و اما، مفهوم آیه مبارکه فوق این است: کسی که سرپرستی و کفالت دختران یتیم را به عهده می‌گیرد، هرگاه به سن قانونی رسیدند، باید سرپرست با او ازدواج نکند بلکه بر سرپرست لازم است تا در جای مناسب دختران یتیم را به نکاح بدهد، و خودش من حیث یک امین از ایتمام محافظت درست بنماید، کسیکه سرپرستی می‌کند، در صورت تمایل به ازدواج، می‌تواند با کسی دیگر ازدواج نماید، البته حق ازدواج مرد با زنان محدود است، یعنی در صورت رعایت عدالت بین زنان تا چهار زن را به نکاح گرفته می‌تواند و در صورت عدم رعایت عدالت، به یک زن اکتفا نماید.

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^۱ «پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بد را از روی جهالت انجام می دهند، سپس به زودی توبه می کنند. خداوند، توبه چنین کسانی را می پذیرد. و خدا دانا و حکیم است».

مفهوم آیه مبارکه این است: کسی که سهوا مرتکب گناه می گردد، اما بعدا به نتایج و عواقب گناهان خود پی می برد و به توبه روی می آورد، در چنین حالتی الله تعالی بر خود لازم نموده تا از گناه بنده اش چشم پوشی کند و او را مورد عفو و غفران خود قرار دهد.

﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۲ «ولی توبه کسانی که کارهای بد انجام می دهند، تا هنگامی که مرگ یکی از آن ها فرا می رسد می گوید: حالا توبه کردم، پذیرفته نیست. و نه کسانی که در حال کفر از دنیا می روند. اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم».

در آیه مبارکه فوق در رابطه به توبه تصریح شده که توبه آن عده از انسان ها مورد قبول نیست که تمام عمر غرق در گناه بوده و هیچ به فکر توبه و بازگشت نبوده اند، تا آنگاه که مرگ به سراغ شان آمده است، در حالی که همه فرصت ها را ضایع نموده می گوید من توبه نمودم، الله می فرماید برای چنین

۱- سوره نساء آیه/۱۷.

۲- سوره نساء آیه/۱۸.

انسان‌ها عذاب دردناک سزاوار است، چه زیباست که قبل از مرگ، کاستی‌های بندگی خود را با توبه و بازگشت به سوی خدا جبران نماییم.

﴿إِنْ تَجْنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَائِيَاتِكُمْ وَنُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾^۱ «اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم (و می‌بخشیم). و شما را در جایگاه با ارزشی وارد می‌کنیم».

مفهوم آیه مبارکه این است که اگر ما از گناهان کبیره بطور کامل و با جدیت اجتناب کنیم و فرائض را بطور کامل اداء نماییم، در نتیجه الله متعال وعده بخشش گناهان صغیره و کوچک مان را می‌دهد. متأسفانه عده‌ای در جامعه ما، در انجام گناهان دچار غلط‌فهمی شده‌اند که مایه نگرانی است، دیده می‌شود انجام گناهانی مانند سود، شراب، زنا، دروغ و امثال آن را بسیار ساده و کم اهمیت می‌شمارند؛ در حالی که این دسته از گناهان از کبائر محسوب می‌شوند؛ اما همین دسته از بزرگواران گاهی از ایشان دیده می‌شود که در قضایای رفع یدین، آمین بالجهر و بالا نمودن پاچه هنگام ادای نماز، بسیار از خود حساسیت نشان می‌دهند.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾^۲ «خداوند (هرگز) شرک به او را نمی‌بخشد. و کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد. و آن کس که برای خدا، همتایی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است».

۱- سوره نساء آیه/۳۱

۲- سوره نساء آیه/۴۸.

آیه مبارکه فوق به صراحت اعلام می‌دارد که شرک از جمله بزرگترین گناهان است و هر کس که به الله تعالی شریک قائل شود، هرگز بخشیده نخواهد شد؛ اما اگر گناه پائین تر از شرک به الله باشد، به خواست و اراده او تعالی تعلق می‌گیرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۱ «کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آن‌ها را در آتشی وارد می‌کنیم که هر گاه پوست‌های تن آنها (در آن) بسوزد، پوست‌های دیگری به جای آن برای آنها قرار می‌دهیم، تا کیفر (الهی) را بچشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کیفر می‌دهد)».

یعنی کسانی مستحق عذاب همیشگی الله تعالی اند که آیات و نشانه‌های او تعالی در کائنات را انکار کنند، لذا هرگاه پوست جسم‌شان بسوزد، پوست دیگری برای‌شان داده می‌شود و به این ترتیب مورد عذاب خدا قرار می‌گیرند. نکته جالب در آیه فوق که از معجزه‌های قرآن کریم است، علم طب و ساینس به این نتیجه رسیده که حس حقیقی اشیاء در پوست انسان است.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^۲ «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید. و هنگامی که میان مردم داوری کنید، به عدالت داوری کنید، خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد. خداوند، شنوا و بیناست».

۱- سوره نساء آیه/۵۶.

۲- سوره نساء آیه/۵۸.

مهمترین و صریح‌ترین آیه قرآن کریم در ارتباط به نظام سیاسی، نظام قانونی و نظام دستوری اسلام، آیه فوق می‌باشد. هنگامی که دولت اسلامی تشکیل می‌گردد، باید تقسیم مناصب، رتبه، اداره و قدرت به اهل آن سپرده شود. اما اگر تفویض صلاحیت‌ها و مناصب حکومتی بر اساس قرابت، دوستی، پول و مسایلی از این قبیل صورت گیرد، این کار خیانت بزرگ به حق امت اسلامی شمرده خواهد شد. نکته دیگر در ذیل این آیه مبارکه این است که محکمه دولت اسلامی باید قوی و دارای صلاحیت باشد، و هرگاه مردم را به محاکمه می‌کشاند، بایسته است عدالت و انصاف را رعایت نماید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا

را و اطاعت کنید پیامبر (خدا) و پیشوایان خود را. و هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر باز گردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

پیام آیه مبارکه در ارتباط به نظام دستوری و یا قانون سازی در دولت اسلامی می‌باشد، به این معنی که در یک دولت اسلامی هیچ حکم و قانونی خلاف دستور خدا و پیامبر شده نمی‌تواند. و پیام دیگری که آیه مبارکه برای ما دارد، نشانه ایمان واقعی، مراجعه به خدا و رسول الله هنگام تنازع و بالا گرفتن درگیری‌هاست و اطاعت در شرایط عادی کار آن‌چنان سخت و دشواری نیست.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾^۱ «و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهند بود که خداوند نعمت خود را بر آنان تمام کرده است؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان. و آن‌ها همنشین خوبی هستند».

آیه مبارکه فوق ترجمه و توضیح آیه «صراط الذين انعمت عليهم» سورة مبارکه فاتحه است، یعنی نتیجه پیروی و اطاعت از امر خدا و پیامبر، همراهی با انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین خواهد بود. و قرار گرفتن در راه انبیاء و شهداء و داشتن رفقای خوب، جز با اطاعت از فرمان خدا و رسول اکرم به دست نمی‌آید.

﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْبِلًا﴾^۲ «کسی که شفاعت (تشویق و کمک) برای کار نیکی کند، سهمی از آن برای او خواهد بود. و کسی که شفاعت برای کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حساب هر چیز را نگه می‌دارد».

آیه مبارکه فوق، واسطه شدن در کارهای نیک اجتماعی را امری پسندیده و مورد تحسین می‌داند، به عنوان مثال، کسی به ناحق مورد پیگرد دستگاه دولتی قرار می‌گیرد، در حالی که او را می‌شناسیم و از سبجایای اخلاقی و اجتماعی او اطلاع داریم، در این صورت برای شفاعت نمودن و واسطه شدن در حق وی، اقدام نمودن به کاری است خدا پسندانه و نیک، اما در صورتی که

۱- سوره نساء آیه/۶۹.

۲- سوره نساء آیه/۸۵.

کسی به انجام امور بد مشهور است، در این صورت کسی که در حق او شهادت دروغ به خوب بودن او می دهد و یا برای تبریئه نمودن او تلاش می کند، در جرم آن شخص شریک بوده و گناهکار شمرده می شود.

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾^۱ «هر گاه به شما تحیتی گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید. یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد».

هر گاه کسی به ما سلام دهد، باید جواب سلام وی را بگونه بهتر بدهیم، این کار از آداب نیک اسلامی شمرده می شود و در نزد الله تعالی فضیلت دارد. اگر کسی به ما گفت «السلام علیکم» در جواب بگوییم «وعلیکم السلام ورحمة الله» و اگر گفت «السلام علیکم ورحمة الله» در جوابش بگوییم «وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته»، و اگر نتوانستیم جواب بهتر از آن بدهیم، بر ما لازم است که همانند آن را حداقل جواب دهیم. در نتیجه رعایت این اصل اسلامی، صفا و صمیمیت ها در بین مسلمانان به وجود خواهد آمد.

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^۲ «و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است. در حالی که جاودانه در آن خواهد بود. و خداوند بر او غضب می کند. و او را از رحمتش دور می سازد. و مجازات بزرگی برای او آماده ساخته است».

۱- سوره نساء آیه/۸۶.

۲- سوره نساء آیه/۹۳.

قتل و خون ریزی از گناهان کبیره شمرده می شود. اسلام برای جان مسلمان و حفظ امنیت افراد، اهمیت بسیاری قائل شده و کیفر عذاب ابدی را برای آن مقرر داشته است تا جلوی قتل و جرائم سنگین گرفته شود. تعبیراتی که در این آیه برای «قتل عمدی مؤمن» به کار رفته، درباره هیچ گناهی نیامده است. (جهنم همیشگی، خشم خداوند، لعنت خداوند و آماده نمودن عذاب بزرگ الهی برای قاتل).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تُبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَابِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۱ «ای

کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا (و برای جهاد) سفر می کنید، تحقیق کنید. و بخاطر این که متاع ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و سلام می کند نگویید: (مسلمان نیستی). زیرا غنیمت های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید. و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید). پس، (به شکرانه این نعمت بزرگ)، تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است».

پیام آیه مبارکه فوق در مورد حرمت خون انسان می باشد، هنگامی که مسلمانان در میدان جهاد حضور دارند و با کافری برخورد کردند که ادعای مسلمان بودن می کند، حق کشتن و تعرض بر او را ندارند؛ چراکه ایمان در قلب انسان است و دانای قلب ها کسی جز الله متعال نیست. چنین واقعه ای در عصر نبوت اتفاق افتاد، اسامه بن زید کسی را به قتل رساند که ادعای ایمان نمود، اما اسامه باخود فکر نمود که این فرد از ترس جانش اظهار ایمان

نموده است، لذا به او توجه نکرد و او را کشت. وقتی این خبر به حضرت پیامبر رسید، برایش گفت: ای اسامه! در روز قیامت چگونه جواب می‌دهی در حالیکه او به کلمه شهادت نزد خدا حاضر شود؟ اسامه در جواب گفت: یا رسول الله! آن شخص برای نجات جان خود تظاهر به ایمان نمود. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هلا شققت قلبه؟ آیا سینه‌اش را شکافتی (و ایمان در دل او نیافتی)؟

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾^۱ «نماز برای مؤمنان وظیفه‌ای است ثابت و دارای اوقات معین».

آیه فوق به فرضیت نمازهای پنج‌گانه در اوقات خاص آن دلالت می‌کند. جبریل علیه‌السلام دو روز متوالی نماز را برای پیامبر آموزش دادند، روز اول در اول وقت نماز و روز دوم در آخر وقت نماز خواندند و برای پیامبر فرمودند که در بین این دو وقت، نماز را اداء کن.

﴿وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ «و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید».

امام شافعی رحمه‌الله در مورد آیه فوق می‌فرماید: سه‌صد دفعه قرآن کریم را تلاوت کردم تا آیه‌ای در مورد اجماع پیدا کنم و نهایتاً در سه‌صد و یکمین بار این آیه مبارکه را پیدا کردم که در مورد اجماع است، بناء اطاعت الله متعال و پیامبر اکرم از قرآن ثابت است، به همین ترتیب اجتهاد از قرآن کریم ثابت می‌باشد، و موضوع اجماع از آیه ۱۱۵ سورة نساء ثابت می‌باشد، مفهوم اجماع در فقه، به هم‌رأی بودن، داوری، تصمیم یا توافق دانشوران مسلمان

۱- سورة نساء آیه/۱۰۳.

۲- سورة نساء آیه/۱۱۵.

گفته می‌شود که پس از قرآن، سنت و قیاس، از خاستگاه‌های چهارگانه اصول فقه (تشریع = قانون‌گذاری اسلامی) اهل سنت است، منظور از اجماع، هم‌رأیی همه مجتهدان مسلمان در دوره‌ای بر حکمی شرعی می‌باشد.

﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾^۱ (و اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با گشایش و فضل خویش، بی‌نیاز می‌کند. و خداوند، دارای فضل و احسان گسترده، و حکیم است).

مفهوم آیه مبارکه فوق این است که گاهی اوقات در زندگی زن و شوهر مشکلاتی بوجود می‌آید که برای از بین بردن مشکلات راهی جز جدا شدن زن و شوهر نیست، بناء هرگاه بین زن و شوهر ادامه زندگی دشوار باشد و برای رفع اختلافات شان راه‌های که منتهی به رفع مشکلات می‌شود طی گردد و نتیجه‌ای در بر نداشته باشد، طلاق به عنوان آخرین گزینه پیشنهاد می‌گردد. در نتیجه زن یا مرد نباید از رحمت خدا ناامید گردند؛ بلکه دروازه‌های رحمت خداوند با نصیب نمودن شوهری مناسب برای زن و همسری مناسب برای مرد باز است. نکته دیگری که از آیه فوق به دست می‌آید، این که تنفر و بد دانستن «طلاق» یک پدیده غیر اسلامی است، پدیده‌ای که از راه و رسم مسیحیان و هندوها می‌باشد؛ چرا که طلاق از دیدگاه آنان حرام می‌باشد. و همچنان نباید فراموش نمود که طلاق در واقع بر هم خوردن شیرازه زندگی مرد و زن بوده و سبب عقده‌مندی خانواده‌ها و فرزندان گردیده و سرنوشت فرزندان را دچار مشکلات عدیده‌ای خواهد

نمود، روی این لحاظ در احادیث نبی مکرم اسلام ﷺ وارد شده: «ابغض الحلال الی الله الطلاق» منفورترین حلال در نزد الله متعال طلاق است. هم‌چنان داروی طلاق آخرین گزینه علاج است که بین زن و شوهر استعمال می‌گردد.

در حدیثی دیگر از نبی مکرم اسلام ﷺ روایت شده و فرمودند: «شیطان یک تخت دارد و از کار کرد تمام شیاطین بعد از اتمام کارشان گزارش می‌گیرد، و هر کدام گزارش فعالیت‌های شان ارائه میدارند در اخیر از میان نیروی‌های شر و فتنه، یک شیطان لاغر اندام و ضعیف گزارش فعالیت‌اش را این‌گونه میدهد که بین زن و شوهر تفرقه و اختلاف انداخته که منجر به جدایی و طلاق شده است، شیطان بزرگ از میان همه فعالیت نیروهایش به این کار بیشتر مسرور می‌گردد و او را مستحق تقدیر و صدر نشینی مجلس‌اش می‌داند»، از نتایج ویرانگر طلاق بر خانواده‌ها این است که زندگی فرزندان با خطرات مواجه گردیده و عمرشان را باید در محرومیت سپری کنند، به این معنی اگر به سبب طلاق، فرزند در کنار پدر زندگی نماید نتیجه آن محرومیت از مهر و محبت مادریست و اگر در کنار مادر زندگی‌اش را سپری کند نتیجه آن محرومیت از شفقت پدریست و به احتمال زیاد در نتیجه، فرزندان سرکش، قاتل، دزد و مجرم به جامعه انسانی و اسلامی تقدیم خواهد گردید.

بنابراین برای جلوگیری از پدیده طلاق باید زن و شوهر از گذشت و تسامح کار گرفته تا فضای خانه و زندگی‌شان مملو از محبت و صمیمیت باشد، در مقابل اخلاق تند شوهر زن باید از صبر و حوصله کار گرفته و به همین ترتیب شوهر باید کوشش نماید اگر گاهی اوقات بنابر دلایلی زن کم

حوصله شد از خود گذشت و صبر و حوصله مندی نشان دهد، و خدای نکرده زود اقدام به جدایی ننموده و متوجه آینده اولاد شان باشند. در بعضی اوقات کسانی اند که شوهران بد خلق دارند لیکن زن باید به خاطر حفظ آینده اولاد و پراکندگی خانواده از خود گذشت نشان دهد! این نکته قابل تذکر است آن چنانکه از تعالیم اسلام عزیز دانسته می شود، قبل از اقدام به طلاق برای پایان دادن به تنش ها در زندگی گزینه مسالمت آمیزی پیشنهاد شده که باید در هنگام بروز تنش بین زن و شوهر از آن استفاده نموده و طلاق آخرین گزینه و راه حل مشکلات می باشد. در اخیر باید تذکر داد که هر قدر که فضای خانه و روابط بین زن و شوهر مسالمت آمیز و خوب باشد در نتیجه فرزندی سالم و مسؤولیت پذیر به جامعه اسلامی تقدیم خواهد گردید که وجود فرزندی مومن سبب نصرت و رشد تعالیم اسلام عزیز خواهد شد؛ چنانچه تاریخ درخشان اسلام گواه این مدعا است، ائمه دین ما در واقع در خانواده های رشد نمودند که بر خوردار از والدینی مومن و خانه های برخوردار از صمیمیت و محبت بودند، ائمه ای مانند امام ابو حنیفه، امام بخاری، امام غزالی، امام شاه ولی الله دهلوی، مولوی محمد سرور جیجه ای، مولانا عبدالرحمن جامی، امام فخر رازی، و خواجه عبدالله انصاری (رحمهم الله تعالی علیهم اجمعین).

﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۱ «پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران، حجتی برای مردم در برابر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود.) و خداوند، توانا و حکیم است».

آیه فوق در مورد فلسفه رسالت انبیاء و رسولان می باشد، یعنی آمدن رسول از طرف خدا به سوی بشر برای چه بوده است؟ وظیفه مهم رسولان بشارت و مژده به مؤمنان و هشدار برای کفار و معاندین می باشد، و با ایفای این وظیفه مهم، انبیاء با بشر اتمام حجت می کنند، تا در روز قیامت وقتی انسان ها مورد محاسبه قرار می گیرند، نگویند که بارالها به سوی ما کدام پیامبری نفرستادی تا ما راه هدایت را انتخاب می کردیم. یکی دیگر از حجت های الهی بر ما، اعطای نعمت های از قبیل چشم، گوش و عقل می باشد، تا به وسیله آن ها فرق بین خوب و بد کرده بتوانیم، به همین ترتیب نعمت های دیگری از قبیل امکانات مادی و صحت جسمی ارزانی نموده تا ما را بیازماید که کدام راه را انتخاب می کنیم.

خداوند متعال برای اتمام حجت با بندگانش اگر با دادن عقل و سلامتی اکتفا می نمود، انسان ها در نزد او تعالی هیچ عذری نداشتند؛ اما از آنجای که خداوند به بندگان خود مهربان است، با فرستادن پیامبران به سوی انسان ها، رحمت و مهربانی خود را بر بندگان به نمایش می گذارد، و از جنس انسان ها، معلمانی پاک سیرت و معصوم برای هدایت شان فرستاده است. تا هیچ عذری نزد انسان نماند. هرگاه پیامبری برای هدایت قومی فرستاده می شود، حق واضح می شود و هیچ دلیلی برای نپذیرفتن حق، نزد انسان در روز قیامت باقی نمی ماند.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا النَّوْرَآةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَآخِشُونَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾^۱ «ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت

و نوری بود. و پیامبران (بنی اسرائیل)، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند. و (همچنین) علما و دانشمندان (الهی) بر اساس کتاب خداوند که به آن ها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین، از مردم نترسید، و از (نافرمانی) من بترسید. و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید. و آن ها که به آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند».

تتفید قانون شریعت بر امت اسلامی فرضی از فرایض الهی است و آیه فوق در مورد تشریع و قانون گذاری است. و در اخیر آیه، هشدار شدیدی داده شده به آنانی که به قانون الهی بی اعتنایی کرده و در پیاده کردن احکام الهی شانه خالی می کنند.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾^۱ «بگو: ای اهل کتاب! در دین خود غلو (وزیاده روی) نکنید. و غیر از حق نگوئید. و از هوس های گروهی که پیشتر گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید».

این آیه در مورد مذمت افراط و غلو در دین می باشد، و خداوند امت اسلامی را متوجه این امر ساخته که مبدا به سرنوشت امت های گذشته که گرفتار غلو و افراط در دین شده بودند، دچار شوند. چراکه غلو و افراط در دینداری امریست ناپسند و زشت.

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا

وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»^۱ «به یقین از میان مردم، یهود و مشرکان را سر سخت ترین دشمن نسبت به مومنان خواهی یافت. و بیشترین دوستی و محبت نسبت به مؤمنان را در کسانی می یابی که می گویند: (ما نصارا هستیم). این به خاطر آن است که بعضی از آن ها عالمانی روحانی یا درویشانی هستند. و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند».

آیه مبارکه فوق از معرفی سرسخت ترین دشمنان اسلام پرده بر می دارد و امت اسلامی را متوجه دشمن اصلی می نماید، و این دشمن کسی نیست جز یهود و هنود! بر خلاف آنان، نصرانی ها نسبت به مسلمانان نرمش بیشتری دارند و همین نرمش شان در قرآن کریم مورد توصیف قرار گرفته است.

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۲ «خداوند شما را به خاطر سوگندهای که بدون توجه یاد می کنید، مواخذه نمی کند. ولی در برابر سوگندهای که (از روی اراده) محکم کرده اید، مواخذه می نماید. کفاره این گونه سوگندها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای است که غالبا به خانواده خود می دهید. یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر. و یا آزاد کردن یک برده. و هر کس که نمی تواند، باید سه روز روزه بگیرد. این، کفاره سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید.) خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر به جا آورید».

۱- سوره مائده آیه/۸۲

۲- سوره مائده آیه/۸۹

مفسرین در مورد آیه فوق می‌فرمایند: عرب‌ها از خود تکیه کلام داشتند و هرگاه سخن می‌گفتند با این صیغه‌ها "والله و بالله" قسم یاد می‌کردند، قرآن کریم بیان می‌کند که در واقع امر اینچنین قسم یاد کردن جزء قسم نیست؛ بلکه این تکیه کلام بوده و لغو محسوب می‌گردد، اما در صورتی که از روی قصد و اراده قسم بخورد و بعد بخواهد که قسم خود را بشکند، مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و کفاره بر وی لازم است، و کفاره قسم عبارت است از طعام دادن ده مسکین از اوسط غذاهای مروج، و یا پوشاندن لباس به ده مسکین و در صورتی که فرد به انجام دو مورد فوق قادر نبود، لازم است که سه روز را روزه بگیرد.

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ «بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، گناهی در آنچه (قبل از نزول حکم تحریم شراب) خورده‌اند نیست. هرگاه تقوا پیشه کنند، و ایمان آورند، و اعمال صالح انجام دهند. سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند. سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکو کاران را دوست می‌دارد».

آیه فوق در مورد کسانی است که پیش از تحریم شراب، شراب نوشیده بودند. خداوند متعال به دسته‌ای از مردم اعلام می‌کند و اطمینان می‌دهد که گناهان گذشته‌شان را بخشیده است، چون حالا توبه نموده‌اند. ذکر سه بار کلمه "تقوا" در این آیه بیانگر مراحل ابتدایی و متوسط و عالی تقوا است.

همچنین بیانگر این واقعیت است که اعتقاد بیشتر به احکام الهی، مایه ایمان بیشتر و استوارتر می باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید. اگر شما هدایت یافته باشید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را به آنچه انجام می دادید آگاه می سازد».

آیه مبارکه فوق بیانگر اهمیت تبلیغ، نهی از منکر و نصیحت که فریضه ای از فرایض خداوند بر هر مسلمان است، می باشد، الله متعال ما را متوجه می سازد که اگر ما وسایل لازم برای دعوت و تبلیغ دیگران را که همانا علم، حکمت و صبر و شکیبایی می باشد مهیا نمودیم و دعوت ما نتیجه مطلوب را نداد، نباید ناراحت و پریشان شویم؛ چراکه مطلوب از ما، انجام وظیفه به نحو احسن و نیکو است، و اما نتیجه آن با خداوند متعال می باشد.

از آیه فوق تعدادی از یاران پیامبر طوری برداشت نموده و فکر می کردند که هرکس جوابگوی عمل خویش است و توجه به دیگران با ادای فریضه امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه اصحاب کرام رضی الله عنهم را جمع نمودند و برای شان توضیح دادند: من می بینم که شما از این آیه برداشت نادرست می نمایید، ای یاران پیامبر! برداشت درست از آیه این است، با انجام تبلیغ و ادای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اگر

کسی هدایت نمی شود، شما مؤاخذه نمی گردید. و اما این را بدانید که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی شما است.

﴿قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾^۱ «خداوند (دعای او را مستجاب کرد. و) فرمود: من آن را بر شما نازل می کنم. ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (وراه انکار پوید)، او را به گونه ای مجازات می کنم که هیچ کس از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!».

آیه مبارکه فوق هشداری است بر کسانی که از پیامبران شان در خواست معجزه نموده ولی بعد از دیدن معجزات ایمان نمی آورند، بناءً آنگاه که حواریون از حضرت عیسی در خواست نزول دسترخوان و غذا از آسمان نمودند، الله تعالی این خواسته شان را قبول کرد، اما این هشدار برای حواریون داده شد، هرگاه شما معجزه را دیدید و قبول نکردید، با عذاب سخت خداوند روبرو خواهید شد. به همین ترتیب خداوند در سوره شعراء به پیامبر اسلام خطاب نموده که اینکه قومت از تو تقاضای معجزه می کند، ولی ما به خاطر خیرخواهی و اینکه مهلت قومت ختم نگردد، بر آنان معجزه نشان نمی دهیم؛ چراکه اگر معجزه نشان داده شود و ایمان نیاورند، عذاب بر ایشان نازل خواهد شد.

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾^۲ «به یقین می دانیم که گفتار آن ها، تو را غمگین می کند. ولی

۱- سوره مائده آیه/۱۱۵.

۲- سوره انعام آیه/۳۳.

(غم مخور و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی کنند. بلکه ستمکاران، آیات خدا را انکار می نمایند».

این آیه از مهم ترین آیات سوره انعام است، خداوند متعال خطاب به پیامبرش می فرماید اینکه مشرکین مکه اگر شما را تکذیب می کنند، در حقیقت تو را تکذیب نکرده اند، بلکه آنان من را تکذیب نموده و با من دشمنی می کنند؛ یعنی دشمنی مشرکین مکه با الله متعال و کلام او است. بناء ای پیامبر! تو از عملکرد شان غمگین مباش و کارشان را به من بسپار!

﴿وَإِنْ كَانَ كِبَرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾^۱ «و اگر اعراض کردن آن ها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمان ها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! اما اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از کسانی که احساساتی اند مباش».

آنگاه که مشرکین مکه اصرار نمودند تا معجزه‌ای به آنان نشان داده شود، خداوند متعال درخواست آنان را نپذیرفت، در نتیجه پیامبر ﷺ زیر فشار قرار گرفته و الله متعال خطاب به پیامبر فرمود ما بنابر حکمت از نشان دادن معجزه به این معاندین خودداری نمودیم، تا ایمان شان از روی اجبار نباشد؛ اما اگر نیامدن معجزه و عدم اقناع و اعراض مشرکان بر تو سخت و دشوار تمام می شود، خوب اگر می توانی زمین را سوراخ نموده و نردبانی به سوی آسمان بگذار و از آن بالا برو و بر آنان معجزه و دلیل بیاور! اما این را بدان که

این لجوجان تو را تصدیق نخواهند نمود و ایمان نخواهند آورد، و اگر من بخواهم در آن واحد قهرا و جبرا همه را بر هدایت جمع می‌کنم، اما ایمان جبری چه سودی خواهد داشت؟ لذا آنان را به حال خودشان واگذار تا با اراده و اختیار خود ایمان بیاورند و اگر نخواستند، ایمان نیاورند، پس از جمله انانی مباش که حکم خدا و سنت او را در باره مردم نمی‌دانند.

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۱

«هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آن‌ها روی برگردان تا به سخن دیگری پردازند. و اگر شیطان تو را به فراموشی افکند، پس از یاد آوری با این گروه ستمکار منشین».

آیه مبارکه فوق بیانگر جهالت مشرکان است، آنان هرگاه مؤمنی را مشاهده می‌نمودند که قرآن می‌خواند و یا در جای تلاوت قرآن به گوش‌شان می‌رسید، این کار را مورد تمسخر قرار می‌دادند، و هدف‌شان این بود تا روحیه مسلمانان را ضعیف بسازند؛ لذا خداوند متعال به مؤمنان می‌آموزد تا هرگاه در جایی با کسانی روبرو می‌گردند که آنان آیات الهی را مورد تمسخر قرار می‌دهند و در حالی که توان جلوگیری آنان را ندارند، حق مجالست در چنین محافل و مجالس را ندارند.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ﴾^۲ «آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده است؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن. (و) بگو: (در برابر این (رسالت و تبلیغ)،

۱- سوره انعام آیه/۶۸.

۲- سوره انعام آیه/۹۰.

پاداشی از شما نمی طلبم. این (رسالت، چیزی) جز یک یادآوری برای جهانیان نیست. (و این وظیفه من است).»

پیام آیه مبارکه به پیامبر و امت شان این است: آن دسته از احکامی که در ادیان سماوی سابق از رسمیت برخوردار بوده و اسلام آن را رد نکرده است، استفاده از آن و عمل به آن مجاز است، مانند حکم سنگسار نمودن زناکار و یا قتل مرتد که از جمله احکام مربوط به امت های سابق بوده است. باید متذکر شد که حکم رجم از سنت پیامبر ﷺ نیز ثابت می باشد.

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱ «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند، دشنام ندهید؛ مباد آن ها (نیز) از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند. اینگونه برای هر امتی عمل شان را زینت دادیم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است. و آن ها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد).»

نکته اساسی در آیه مبارکه فوق به عنوان پیام این است که به حیث یک مسلمان باید به اعتقادات مردم و ادیان دیگر احترام داشته و دشنام و ناسزا نگوئیم؛ چراکه این کار عکس العمل منفی در پی دارد. باید احساسات خود را کنترل کنیم و از هرگونه بد دهنی و ناسزا پرهیزیم؛ چراکه با فحش و ناسزا گفتن، نمی توان مردم را از مسیر غلط بازداشت.

﴿كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غَرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ قَدْ زُهِمَّ وَمَا

يَقْتُرُونَ^۱» اینگونه در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آن‌ها به طور سری سخنان ظاهر فریب و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر القا می‌کردند. و اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند. (ولی ایمان اجباری سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمت‌های‌شان را به حال خود واگذار.»

آیه مبارکه فوق مهم‌ترین آیه در مورد فلسفه دعوت است. یعنی الله متعال شیاطین انسی و جنی را در مقابل انبیاء و دعوتگران مصلح قرار می‌دهد تا در کشمکش حق و باطل مورد امتحان و آزمون قرار گیرند و حقانیت و بطلان باطل به همگان معلوم گردد؛ بناء دنیا بر اساس آزمایش خلق شده و اگر در دنیا وجود شر نباشد و تنها خیر باشد پس امتحان و آزمون مفهوم پیدا نمی‌کند.

﴿وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾^۲ «و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای پروردگارشان همتا و شبیه قرار می‌دهند».

آیه مبارکه انتقادی بر علیه مشرکان است؛ چراکه آنان خداوند را خالق می‌دانند، لکن در تدبیر و مدیریت امور هستی برای او شریک قائلند. و این خود دوگانگی در اعمال و گفتارشان را نشان می‌دهد.

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَنُلِ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۳ «بگو: (بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است،

۱- سوره انعام آیه/۱۱۲.

۲- سوره انعام آیه/۱۵۰.

۳- سوره انعام آیه/۱۵۱.

برای تان بخوانم: این که چیزی را همتای خدا قرار ندهید. و به پدر و مادر نیکی کنید. و فرزندان تان را از (ترس) فقر، نکشید. ما شما و آن‌ها را روزی می دهیم. و به کارهای زشت نزدیک نشوید، چه آشکار باشد چه پنهان. و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید، مگر به حق. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، تا ببیندیشید».

قرآن کریم در چهار آیه نسبت به پدر و مادر سفارش کرده است و در هر چهار مورد همراه با مسأله توحید و نهی از شرک می باشد. در این آیات هم اول توحید است، بعد نیکی به والدین. ضمناً این آیه چون محرمات را بر می شمرد، پس ترك احسان به والدین هم حرام است. و نکته دیگری که در آیه جلب توجه می کند، دستورهای این آیه همه در قالب نهی است، مگر نیکی به پدر و مادر که در قالب امر است. یعنی نه تنها نیاز دارید، بلکه احسان کنید. ﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۱ «گفتند: پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم. و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، به یقین از زیانکاران خواهیم بود».

در بین مسلمانان این حکایت مشهور است که حوا سبب شد تا آدم از درخت ممنوعه بخورد، اما این برداشت درستی نیست؛ بلکه آنچه قرآن کریم به ما خبر می دهد درست بوده و آن اینکه حضرت آدم و همسرشان حوا، هر دو دچار وسوسه های شیطان شدند و سر انجام از درخت ممنوعه تناول کردند و این کارشان سبب اخراج از بهشت گردید. نکته تربیتی که در آیه صراحت دارد، بحث توبه و پشیمانی است، آنگاه که آدم و حوا به اشتباه شان

پی بردند، فوراً به سوی خدا توبه و تضرع نمودند و در نتیجه الله متعال با القاء نمودن این دعای مبارک؛ ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ توبه‌شان را پذیرفت.

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...﴾^۱ «ای فرزندان آدم! در هر نمازگاه و عبادتگاهی، خود را (با لباس مادی که عورت شما را بپوشاند، و لباس معنوی که تقوا نام دارد) بپارائید...»

پیام آیه مبارکه فوق این است که پیش از رفتن به مسجد، باید لباس پاک بپوشیم و خود را آراسته کنیم؛ همان طوری که عادتاً وقتی به نزد یک انسان صاحب نفوذ حاضر می‌شویم، از قبل آمادگی‌های لازم را می‌گیریم، بنابراین آنگاه که در مقابل رب العالمین قرار می‌گیریم، باید به مراتب از حیث ظاهر و باطن آمادگی داشته باشیم.

﴿قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲ «(خدا بدو) گفت: عذاب خود را به هرکس که (گناه کند و توبه نکند و خود) بخواهم می‌رسانم، و رحمت من هم همه چیز را در برگرفته (و در این سرای شامل کافر و مؤمن می‌گردد، اما در آن سرای) آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند و زکات بدهند و به آیات (کتاب‌های آسمانی و نشانه‌های گستره جهانی ما) ایمان بیاورند.»

آیه مبارکه فوق بیانگر این مطلب است که با وجود تقوا و عمل به تکالیف شرعی، شمول رحمت الهی حتمی است، «سَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ آمَنُوا» ولی با

۱- سوره اعراف آیه/۳۱.

۲- سوره اعراف آیه/۱۵۶.

وجود گناه و معصیت، عذاب حتمی نیست؛ زیرا با توبه و استغفار امکان مغفرت وجود دارد. «عذابی اصیب به من اشاء» رحمت الهی بی نهایت است، اما شرط بهره‌وری از آن، تقوا، پرداخت زکات و ایمان می‌باشد، بنابراین کسی که زکات نمی‌دهد و یا بی‌تقوا می‌باشد، از رحمت الهی محروم و در معرض عذاب الهی قرار دارد.

﴿وَأْتِلْ عَلَيْهِمُ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ﴾^۱ «(ای پیغمبر!) برای آنان بخوان خبر آن کسی را که به او (علم و آگاهی از) آیات خود را دادیم (و او را از احکام کتاب آسمانی پیغمبر روزگار خود مطلع ساختیم) اما او از (دستور) آنها بیرون رفت (و بدانها توجه نکرد) و شیطان بر او دست یافت و از زمره‌ی گمراهان گردید».

در قدم نخست انسان خود مرتکب گناه می‌شود و شیطان هیچ نوع سلطه‌ای بر او ندارد؛ اما هنگامی که مرتکب گناه شد، سپس شیطان آن شخص را تعقیب می‌کند تا بتواند او را بر انجام گناهان بیشتر سوق دهد، برای فهم مزید از مطلب، مطالعه حکایت بلعم باعور که در سورة اعراف بیان شده خالی از فایده نیست.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده و فرمود: «او مردی به نام بلعم بن باعورا از اهالی بیت المقدس بود که اسم اعظم خداوند ﷻ را می‌دانست، چون موسی علیه السلام با سپاه بنی اسرائیل به قصد حمله به جباران (عمالقه) فرود آمد، خویشان بلعم همراه با پسرعموهایش نزد وی آمدند و گفتند: موسی مردی تندمزاج و خشم‌آلود است و با او لشکری است بسیار، شکی نیست که اگر بر ما پیروز شود، همگی مان را نابود می‌کند؛ لذا به بارگاه خداوند دعا کن تا

موسی و همراهانش را از ما برگرداند. بلعم گفت: اگر من به بارگاه الله ﷻ چنین دعای بکنم، دنیا و آخرتم همه از دست می‌رود. بنابراین، این درخواست شان را رد کرد، اما آنها از وی دست برداشتند و پیوسته اصرار کردند تا سرانجام به خواسته آنان تسلیم شد و به بارگاه الهی دعا کرد.

در روایات آمده: هر دعایی که علیه موسی و همراهانش می‌کرد، خداوند ﷻ زبانش را به سوی قوم خودش برمی‌گردانید و هر دعایی که به سود قوم خودش می‌کرد، خداوند ﷻ زبانش را به سوی بنی اسرائیل بر می‌گردانید. قومش که ناظر این صحنه بودند، به او گفتند: ای بلعم! آیا می‌دانی که چه می‌کنی؟ آخر به نفع آنها و علیه ما دعا می‌کنی! گفت: این چیزی است که در اختیار من نیست، این چیزی است که خداوند ﷻ بر آن غلبه کرده. راوی می‌افزاید: در این اثنا، زبانش از کامش بر روی سینه‌اش بیرون افتاد و به آنان گفت: حالا دیگر، دنیا و آخرت از دست من رفت و جز نیرنگ و حيله چیز دیگری برایم باقی نماند. پس به آنان این نیرنگ را آموخت که زنان را آرایش کرده به میان لشکر بنی اسرائیل بفرستند. آنها چنین کردند و مردی از بنی اسرائیل با یکی از آنان زنا کرد، آن‌گاه خداوند ﷻ بر بنی اسرائیل طاعونی نازل کرد که در يك روز هزاران تن از آنان را به کام مرگ کشید...»^۱

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾^۲ «به یقین بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لال (و کوردلی) هستند که اندیشه نمی‌کنند».

۱- انوار القرآن/سوره مبارکه اعراف.

۲-سوره انفال آیه/۲۲.

در قرآن کریم کلمه (شرالدواب) در چندین مقطع استعمال شده است، یعنی بدترین چهارپایان و زنده جان‌ها، اشاره به انسان‌هایی است که خوی و خصلت شان به مراتب بدتر از حیوانات می‌باشد؛ چراکه حیوانات مطابق به فطرت حیوانی خود زندگی می‌نمایند؛ اما اینان با فطرت شان در ستیز اند، این دسته از انسان‌ها، کسانی اند که در واقع امر گوش دارند، ولی نمی‌شنوند؛ چشم دارند، اما نمی‌بینند و نافرمانی الله و رسول او را می‌کنند.

هنگام حسابدهی در روز قیامت، آنانی که به الله شریک آورده بودند و در مقابل ذات باری تعالی فرشتگان، اولیاء، مؤمنان صادق را پرستش می‌کردند، به آنان گفته می‌شود خودتان و شرکای تان بر روی پاهای تان بایستید در حالی که تمام رشته‌هایی که در بین ایشان است، خداوند تمام آن رشته‌ها و پیوندها را می‌گسلاند، و آنانی که به جای خداوند پرستیده می‌شدند و از آنان طلب کمک می‌شد، به پرستش‌گران خود می‌گویند که تو غلط می‌گویی و ما را نمی‌پرستیدی؛ بلکه الله متعال در بین ما شاهد است، اگر شما عبادت ما را هم می‌نمودید، ما از انجام کارتان بی‌خبر بودیم. در این مورد خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائُكُمْ فَزَيْلُنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ﴾^۱ «روزی (برای رسیدگی به حساب و کتاب

مردم) جملگی (کافران و مؤمنان) را گرد می‌آوریم و سپس به کافران می‌گوییم: شما و معبودهای تان در جای خود بایستید. بعد آن‌ها را از هم جدا می‌سازیم (و ایشان را مقابل معبودهای شان نگاه می‌داریم و در میان طرفین

به داوری می‌پردازیم) و معبودهای شان میگویند: شما ما را نپرستیده‌اید (بلکه به وسوسه اهریمن و به سخن دل‌گوش فرا داده‌اید و مجسمه ما را به خاطر منافع خود پرستش نموده‌اید. معبود حق ذات پاک پروردگار است و بس). همین بس که خدا میان ما و شما گواه است که ما بدون شک از عبادت شما بی‌خبر بوده ایم».

اگر کسی به این فکر باشد که در روز قیامت مرا فلان ولی خدا شفاعت می‌کند، این را در روز قیامت خواهد دانست که این خیال و خوش‌فکری وی بوده و هیچ حقیقت ندارد، و برای مشرکان شفاعت کننده بی نیست. خداوند متعال در سوره مبارکه یونس می‌فرماید:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۱ «آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که هدایت نمی‌شود مگر این که هدایتش کنند. شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!

﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾^۲ «بیشتر مشرکان (در معتقدات خود) جز از شک و گمان پیروی نمی‌کنند (و جز به دنبال اوهام و خرافات نمی‌روند). شک و گمان هم اصلاً انسان را از حق و حقیقت بی‌نیاز نمی‌سازد (و ظنّ جای یقین را پر نمی‌کند و سودمند نمی‌افتد). بی‌گمان خداوند آگاه از چیزهایی است که انجام می‌دهند».

۱-سوره یونس آیه/۳۵.

۲-سوره یونس آیه/۳۶.

مفهوم آیه مبارکه فوق این است که ظن و گمان هیچ گاه انسان را از حق بی نیاز نمی سازد، استدلال و اختلاف بر اساس آیات قرآن کریم و احادیث جواز دارد؛ اما تفرقه و اختلاف بر اساس هوای نفس در حقیقت کفر است.

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۱ «بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب تر است، در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند! و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی کند».

مفهوم و محتوای آیه مبارکه فوق شخصیت انسان های مؤمن و دوستدار خدا را به تصویر می کشد، تقاضای ایمان به الله انجام اعمال نیکو را از انسان می خواهد، چراکه ایمان چیز شعاری نیست، بلکه عمل باید ایمان را ترجمه کند، آیه مبارکه فوق به مثابه ترازویی است که می توان با آن اندازه و وزن ایمان خود را سنجش کرد. تقاضای ایمان، محبت با خدا، محبت با رسول اکرم و جهاد در راه اقامه دین خدا می باشد. محبت والدین، اولاد، همسر، اقارب، مال و تجارت باید متأثر از محبت خداوند تعالی باشد، و اگر چنین نبود، آیه هشدار می دهد که انتظار تنبیه و عذاب خدا را داشته باشیم. آن چنان که امروز امت اسلامی در جهان تاوان تقصیرات و کوتاهی های خود را از این ناحیه پس می دهد. امروزه متاسفانه در میان مردم معبودهای گوناگونی جای خدا را

در زندگی گرفته است؛ معبودهایی مانند پول، چوکی، قدرت، سلطه و.... که هرکدام آسیب شان را تا حدی زیاد بر انسان و انسانیت وارد نموده‌اند.

آیه مبارکه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ خاص برای حفاظت قرآن کریم آمده است، نه برای دیگر کتب آسمانی، بر اساس این آیه، برای بطلان گروه قادیانی و یا احمدیه ما می‌توانیم که از یک قادیانی دو سوال داشته باشیم؛ اینکه آیا برنامه هدایت الهی توسط نزول قرآن کریم کامل گردیده است و یا خیر؟ طبعاً جوابش مثبت است. پرسش دیگر اینکه آیا قرآن کریم محفوظ است؛ یعنی مانند انجیل و تورات تحریف نگردیده است و آیاتش ضایع نشده و آیا نیاز به تغییر در آیات آن دیده می‌شود تا به وسیله وحی تکمیل گردد؟ درین صورت جوابش منفی است؛ چرا که دیدگاه قادیانی به عدم قطع وحی است؛ بناء در جواب آنان گفته می‌شود اگر قرآن کریم محفوظ است، پس به نزول وحی بعد از قرآن کریم کدام ضرورتی نیست، در حالی که غلام احمد قادیانی ادعا نموده وحی یک نعمت است و دروازه وحی بسته نشده؛ حالانکه آیه مبارکه نهم سوره حجر صراحتاً شهادت کامل شدن برنامه هدایت الهی به وسیله قرآن کریم را به جناب رسول اکرم ﷺ خبر می‌دهد.

دو دلیل عقلی برای ادامه یافتن وحی نیاز است؛ یکم اینکه برنامه هدایت انبیاء برای همه بشر نرسیده باشد. دوم هم اینکه برنامه هدایت از سوی خداوند آمده باشد، و لیکن به مرور زمان توسط پیروان ادیان تحریف و ضایع شده باشد. در چنین حالتی بشر نیاز به برنامه هدایت الهی پیدا نموده و

پیامبری از جانب الله متعال با برنامه وحی الهی برای هدایت انسان‌ها فرستاده می‌شود. و اگر این دو مورد را کسی قبول نکند، پس هیچ دلیل عقلی برای ادامه یافتن وحی موجود نیست.

مفهوم امر پرودگار در مورد صبر و شکیبایی ﴿فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (آیه ۸۵ سوره مبارکه حجر): یعنی ای پیامبر! گذشت زیبای داشته باش، بزرگوارانه و حکیمانه به دعوت خود ادامه بده و در برابر آزار و اذیت‌های کفار شکیبایی نما؛ چون با صبر کردن درجه و مقام انسان بالا می‌رود.

مفهوم فرموده الهی ﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ﴾^۱، این است که از مثال زدن به الله متعال باید اجتناب نماییم؛ چرا که ما مخلوق هستیم و حوزه عقل و ذهن ما ضعیف‌تر از آن است که به خداوند متعال مثال بیاوریم و از جانب دیگر الله متعال از مثال و شبیه پاک و منزّه است.

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۲ «ابراهیم (که شما مشرکان و شما یهودیان بدو می‌نازید) پیشوایی بود (جامع همه‌ی فضائل اخلاقی) و مطیع (فرمان الهی) و حق‌گرای (بیزار از باطل و کناره‌گیر از بدی‌ها) و او از زمره‌ی مشرکان (چون شما) نبوده است».

آیه مبارکه فوق اشاره به شخصیت حضرت ابراهیم دارد که به یک امت توصیف شده است، و امت به معنی قدوه و پیشوا می‌باشد، کسی که بنیان‌گذار راه و روش جدید قرار می‌گیرد و همان راه و روش را، مدیریت می‌کند.

۱- سوره نحل آیه/۷۴.

۲- سوره نحل آیه ۱۲۰.

﴿إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا﴾^۱ «همانا بزرگداشت روز شنبه بر کسانی واجب گشته است که درباره‌ی آن اختلاف ورزیده‌اند».

مفهوم آیه مبارکه فوق بر این دلالت می‌کند که در اصل روز رخصتی برای بنی اسرائیل روز جمعه از سوی خداوند متعال تعیین شده بود، اما آنان بنا بر سرکشی و لجاجت روز شنبه را روز رخصتی تعیین کردند. تذکر داده می‌شود که رخصتی روز شنبه جزو شریعت ابراهیم علیه السلام نبوده و تنها جنبه تنبیه و کیفر بر یهودیان را داشته است.

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَلَقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾^۲ «با حکمت و اندر نیکو، به راه پروردگارت

دعوت نما. و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت، از هر کسی بهتر میداند چه کسی از راه او گمراه شده است. و او هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد. و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها همان‌گونه که به شما تعدی شده کیفر دهید، و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. شکیبایی کن، و شکیبایی تو فقط برای خدا (و به توفیق خدا) باشد و به خاطر (کارهای) آن‌ها، اندوهگین و (دل‌سرد) مشو و از توطئه‌های آن‌ها در تنگنا قرار مگیر؛ زیرا خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند، و کسانی که نیکوکارند».

۱- سوره نحل آیه/ ۱۲۴

۲- سوره نحل آیات/ ۱۲۵-۱۲۸

با استفاده از مفهوم آیات می توان دانست که دعوت اسلامی به سه بخش تقسیم می شود:

۱- بر اساس حکمت: این گونه از دعوت متوجه افراد دانا و دانشمند جامعه بوده که تعداد شان به تناسب دیگران کمتر است، برای آنان باید دعوت به گونه عمیق و علمی عرضه گردد.

۲- بر اساس موعظه: این شیوه از دعوت متوجه عوام الناس جامعه است، آنانی که بیشترین تعداد و اقشار جامعه را تشکیل می دهند و قلوب و اذهان شان مانند ورق سفید است که هر چه بخواهی در اوراق ذهن شان نوشته کرده می توانی، لیکن باید این را رعایت نماییم که دعوت ما بر اساس اخلاص و للهیت باشد و باید به گونه ای دعوت داده شوند که احساس حقارت نکنند. و این قسم دعوت داده نشود که گویا عیب جویی آنان را می نمایم.

۳- بر اساس مجادله نیک: یعنی با آنانی که از اسلام پیروی نمی کنند و تمایل دارند تا با مسلمانان در باره دین اسلام بحث و مجادله نمایند و با اشکال مستقیم و غیر مستقیم مسلمانان را به طرف آیین و باورهای خود دعوت می کنند و هدف شان از این کار گمراه نمودن مسلمانان است، با این گروه و اشخاص باید مجادله نیک صورت گیرد و از خشونت و دشنام جدا خودداری شود.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۱ «پاك و منزّه است آن كس كه بنده اش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی كه

گرداگردش را پربرکت ساخته ایم، برد؛ تا برخی از نشانه‌های خود را به او ارایه دهیم، چرا که او شنوا و بیناست».

آیه مبارکه فوق بیانگر این حقیقت است که پیامبر اسلام ﷺ در شب معراج، الله متعال را ندیده است؛ ولیکن آیات بزرگ الهی و عجایب شگفت الله متعال را مشاهده نمودند.

﴿وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا﴾^۱ «ما به موسی کتاب آسمانی دادیم. و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم. (و گفتیم) غیر مرا تکیه‌گاه خود قرار ندهید».

مفهوم آیه مبارکه فوق این است که کارساز همه امور انسان، الله متعال است و توکل کردن بر غیر او تعالی شرک و کفر می‌باشد.

﴿إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾^۲ «به یقین، پروردگارت روزی را برای هرکس بخواهد، فراخ و یا محدود می‌دارد. به یقین او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست».

مفهوم آیه مبارکه فوق این است که انسان به قدرت و امکانات دست داشته خود نمی‌تواند کسی را که دچار مشکلات مالی است، خود کفا نماید؛ بلکه فراخی و تنگی رزق به دست الله متعال می‌باشد.

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنهُ مَسْنُورًا﴾^۳ «از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤوّل اند».

۱- سوره اسراء آیه/۳.

۲- سوره اسراء آیه /۳۰.

۳- سوره اسراء آیه/۳۶.

مفهوم آیه مبارکه این است که، اسلام توهّمات را رد می کند و برای ما تعلیم می دهد تا بر اساس علم و دانش در مقابل قضایا و حوادث موقف گیری داشته باشیم.

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾^۱ «نماز را چنان که باید بخوان به هنگام زوال آفتاب تا تاریکی شب و نماز صبح را بخوان بی گمان نماز صبح (توسط فرشتگان) بازدید می گردد».

«قرآن الفجر» یعنی نماز صبح، در نماز صبح سوره های بلندتر قرآن کریم قرائت گردد؛ چراکه انوار الهی ذریعه تلاوت سوره های طویل قرآن کریم در قلب جذب می گردد، قبل از نماز صبح انسان به اندازه کافی استراحت نموده و از طرف دیگر وقت نماز صبح، وقت تغییر ملائکه مؤظف امور انسان ها می باشد، بناء مناسب دارد تا قرآن کریم بیشتر خوانده شود.

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۲ «و پاسی از شب را از خواب برخیز، و قرآن (و نماز) بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برساند».

مفهوم آیه مبارکه این است که در نماز تهجد سوره های طویل قرآن کریم تلاوت شود؛ نه سوره های کوتاه، و حکمت در تلاوت سوره طویل همان مستفید شدن قلب از انوار الهی است.

۱- سوره ابراء آیه/۷۸.

۲- سوره ابراء آیه/۷۹.

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا﴾^۱ «بگو هر کس طبق روش (وخلق و خوی) خود عمل می‌کند. و پروردگارتان کسانی را که راه‌شان هدایت‌بخش‌تر است، بهتر می‌شناسد».

مفهوم آیه مبارکه این است که الله تعالی هر انسانی را ظرفیت و طاقتی عنایت نموده که مطابق همان ظرفیت و طاقت مورد امتحان قرار می‌گیرد و آن ظروف شامل احوال ماحول انسان است که در آن زندگی می‌کند، همچنین توانمندی‌های انسان نیز شامل همان ظروف و محدود است. گویا «شاکیته» یک شکل و یا چارچوب یک انسان است که به وسیله آن انسان مورد امتحان قرار می‌گیرد.

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِّرُهُ تَكْبِيرًا﴾^۲ «و بگو: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که نه فرزندی اختیار کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار».

ارتباط به کلمه (کبره تکبیرا) یعنی خداوند متعال چنان ستایش کنید، آن‌چنان‌که شایسته ستایش کردنش است، مفهومش این است که، تنها به زبان الله اکبر گفتن، کار تمام نمی‌شود، باید حکومتداری، قانون، پارلمان، سیاست همه و همه تحت فرمان او تعالی باشد. همچنان در محاکم باید مطابق قانون برتر او تعالی حکم صادر گردد. اگر این چنین نباشد، پس چطور ادعا می‌نماییم که الله بزرگ است؟ ما متأسفانه تنها الله تعالی را در مساجد

۱- سوره ابراء آیه/۸۴.

۲- سوره ابراء آیه/۱۱۱.

محدود ساختیم، در حالی که در همه امور زندگی باید حکم و قانون او تعالی، که همانا قرآن کریم و سنت محمدی است، جاری باشد.

به همین ترتیب در قضایای اقتصادی و معاملات مالی باید الله تعالی بزرگ باشد؛ در درون خانه باید الله تعالی بزرگ باشد، و این توجیه غلط است که بنابر راضی نبودن خانم و اهل خانه ام این کار را که فریضه دینی من است، انجام داده نمی‌توانم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید، و سجده به جای آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، تا رستگار شوید».

از آیه فوق چنین برداشت می‌شود که، «وَافْعَلُوا الْخَيْرَ» بزرگ‌ترین خدمت به خلق، این است تا به وسیله قرآن و سنت نبوی به دین خداوند دعوت شوند، و از حقایقی که ما با آن آشنا شده ایم، مردمان را نیز آشنا نماییم؛ چرا که سیر و حرکت عمومی مردم، به راه مطلوب و درست نمی‌باشد، بناء ما تلاش داریم تا به وسیله دعوت اسلامی زندگی دنیا و آخرت بندگان خدا درست گردد؛ هر انسان مؤمن بعد از رکوع و سجده، به گونه ای خدا را بندگی، و به خلق خدمت کند تا آنان نیز از جمله رستگاران گردند، تنها ایمان آوردن به خداوند متعال کافی نیست و مسئولیت از دوش انسان دور نمی‌گردد؛ بلکه رستگاری واقعی در گرو این است که پیام خدا را به بندگان خدا برسانیم.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشْبَعَ الْفَاجِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱ «بی گمان کسانی که دوست می دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشاء را) و شما نمی دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلشتی ها را)».

نشر و پخش کردن و شایعه نمودن موارد بی حیایی و فحشاء در جامعه انسانی و اسلامی، جرم بزرگ اخلاقی و اجتماعی می باشد، در حال حاضر متأسفانه رسانه های دیداری، صوتی و شبکه های اجتماعی انترنتی، بیشترین حامل پخش و نشر این رذایل هستند، و یکی از عمده ترین وسایل گمراه نمودن نسل جوان از طریق همین وسایل صورت می گیرد.

﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾^۲ «آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؛ آیا تو می توانی به دفاع از او برخیزی (و او را هدایت کنی)؟».

در ارتباط به ترجمه و پیام آیه مبارکه فوق، می توان گفت که هر آن چیزی را که خداوند متعال حرام قرار داده و ما مرتکب انجام آن می گردیم، این نشان از آن است که ما پیروی از هوای نفس خویش نمودیم و یا آن را معبود قرار داده ایم و این کار به ذات خود نوعی از شرک به الله محسوب می گردد، مانند کسی که پیروی از خواسته ها و کشش نفسانی می نماید و مرتکب زنا می گردد. اما اگر خواهشات نفسانی خویش را طبق خواسته اسلام برآورده

۱- سوره نور آیه/۱۹.

۲- سوره فرقان آیه/۴۳.

کنیم، نه اینکه مرتکب گناه نشدیم، بلکه این کار به ذات خود عبادت نیز محسوب می‌گردد؛ مانند کسی که غریزه شهوانی خود را از راه ازدواج بر آورده می‌کند، در این صورت نه اینکه مرتکب گناه نشده است؛ بلکه مستحق پاداش نیز می‌گردد.

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^۱ «و بندگان رحمان کسانی اند که آرام روی زمین راه می‌روند و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب قرار می‌دهند، از آنان روی می‌گردانند و سلام می‌گویند».

ویژگی های بندگان خدای رحمان منحصر به فرد است، بندگان نیک، افراد عالی مقام و دارای اخلاق نیک می‌باشند، به گونه‌ای که از رفتار شان در روی زمین و کردارشان با دیگر بندگان آشکار و هویدا است، کسانی اند که اهل جنگ و بحث و مجادله های بی مفهوم نیستند، و وقت شان را با افراد بی خرد ضایع نمی‌سازند.

چنانچه مولانا جلال الدین بلخی رحمته الله علیه می‌فرماید:

در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبُيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۲ «کار کسانی که جز خدا، (اشخاص و اصنام و اشیائی را به دوستی برگرفته اند، و از میان آفریدگان، برای خود) سرپرستانی برگزیده اند، همچون کار عنکبوت است که (برای

۱- سوره فرقان/آیه/۶۳.

۲- سوره عنکبوت/آیه/۴۱.

حفظ خود از تارهای ناچیز) خانه ای برگزیده است (بدون دیوار و سقف و در و پیکری که وی را از گزند باد و باران و حوادث دیگر در امان دارد). بی گمان سست ترین خانه ها خانه و کاشانه عنکبوت است، اگر می دانستند (که در اصل بر تار عنکبوت تکیه زده اند)».

آیه مبارکه فوق این پیام را به ما می دهد که تنها دوستی پایدار و با ارزش، دوستی با خداوند متعال است؛ و دوستی ها و پیوندهای دیگری که مبنای خدایی ندارند، ارزش و استحکام آن مانند خانه عنکبوت است، انسان باید یگانه پناهگاه و حامی خویش را الله متعال قرار داده و از وی کمک بخواهد و بالاترین وسیله تعلق و ارتباط دوستی با الله، قرآن کریم است، کتابی که به تعبیر حدیث پیامبر بزرگ اسلام حبل الله المتین گفته شده است.

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۱ «آنچه در آسمان ها و زمین است، برای خدا تسبیح می گویند. و او توانا و حکیم است».

پیام آیه مبارکه فوق: هر آنچه در آسمان ها و زمین است، به زبان حال تسبیح الله متعال را می گوید؛ یعنی گواهی می دهند که خالق و مصور من، خداوند متعال است. «العزیز و الحکیم» دو نام از نام های بزرگ خداوند متعال است. «العزیز» به معنی غالب و حاکم؛ کسی که اختیار مطلق دارد. و «الحکیم» به معنی با حکمت؛ یعنی همه کارهای خداوند از روی حکمت است، بناء خدایی که صاحب عزت، حکمت، حاکمیت و قدرت است و مرگ و زندگی موجودات به دست اوست، سزاوار تقدیس و تسبیح می باشد.

﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱ «اوست

اول و آخر و پیدا و پنهان. و او به هر چیز داناست».

آیه مبارکه فوق از حیث عظمت، یکی از بزرگ ترین آیات قرآن کریم می باشد. امام فخر رازی رحمه الله در باره عظمت این آیه می فرماید: «بدانکه این آیه از مقام بسیار با هیبت و دشوار و عمیق بحث می کند».

﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾^۲ «به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید. (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند».

آیه مبارکه فوق در مورد تقاضای توحید در عقیده است، به این معنی که انسان در قدم اول ایمان و باور محکم به الله و رسول او داشته باشد، و در قدم دوم این ایمانش را با انفاق و صرف مال و جان در راه او تعالی به اثبات برساند، و بداند که هر آنچه انسان دارد در واقع امر، عاریه و امانت است، و مالک اصلی همه چیز فقط خداوند می باشد.

﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَوْؤُفٌ رَحِيمٌ﴾^۳ «او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش نازل می کند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور خارج کند».

آیه مبارکه بیانگر این حقیقت است که منبع و سرچشمه ایمان حقیقی، قرآن کریم است. قرآن کریم باید با تدبیر و تعقل کامل تلاوت شود، هرگاه

۱- سوره حدید آیه/۳.

۲- سوره حدید آیه/۷.

۳- سوره حدید آیه/۹.

قرآن به این شیوه تلاوت گردد، در نتیجه ایمان خفته در درون انسان را بیدار می‌کند.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^۱
 «کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است!».

انفاق مال و انفاق جان در راه خداوند تعالی برابر شمرده می‌شود، مفهوم قرض الحسنه برای الله متعال به معنی غالب ساختن اسلام بر تمام ادیان است. از ثمرات قرض الحسنه در جامعه می‌توان به چند مورد مثبت آن به شکل ذیل اشاره کرد؛ کاهش کدورت و افزایش محبت، حفظ آبروی مردم و جلوگیری از ورشکستگی آنان، اصلاح ساختار اقتصادی جامعه، جلوگیری از رواج ربا، کنترل حرص و بخل، تعدیل ثروت، رشد فرهنگ تعاون.

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۲ «(این پاداش) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش رو و در سمت راست‌شان به سرعت حرکت می‌کند (و به آن‌ها می‌گویند) بشارت باد بر شما امروز به باغ‌های بهشتی که نهرها از پای درختان آن جاری است. جاودانه در آن خواهید ماند. و این همان رستگاری بزرگ است».

۱- سوره حدید آیه/۱۱.

۲- سوره حدید آیه/۱۲.

این آیه مبارکه سیمایی از پُل صراط را به نمایش گذاشته، همان پُلی که از بالای دوزخ گذشته است، بنابر احادیث وارده و روایات اسلامی، پل صراط به این خاطر ایجاد شده تا مسلمانان واقعی از انسان های منافق جدا گردند؛ کسانی که در دنیا صاحب ایمان هستند و اعمال صالح انجام داده اند، در نتیجه در دست راست شان نور خواهد بود و این نور راه پُل صراط را که بسیار تاریک است، منور و روشن خواهد نمود، تا به بدینوسیله داخل بهشت گردند. اما آنانی که محروم از نور ایمان و اعمال صالحه باشند، در نتیجه با تاریکی های انبوه روز قیامت دچار خواهند شد.

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ الَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾^۱ «همان روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: (نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بر گیریم.) به آن ها گفته می شود: (به پشت سر خود باز گردید و نوری به دست آورید.) در این هنگام دیواری میان آن ها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و از طرف برونش عذاب».

کسانی که در دنیا حاضر نشدند از تاریکی های جهل و شرک و تفرقه خارج شوند، در قیامت در تاریکی ها اند و برای کسب نور به دیگران التماس می کنند. در آیه قبل بیان شد مؤمنانی که بر خوردار از ایمان و عمل صالح هستند، با مشعلی از نور الهی که نتیجه اعمال شان است، به بهشت داخل می گردند؛ اما در این آیه تصویری دلخراش از وضعیت بد منافقین به نمایش گذاشته شده است. منافقین هنگامی که پشت سر مؤمنان از پل صراط

می‌گذرند، می‌گویند که برای ما منتظر باشید تا ما هم از نور شما استفاده کنیم، اما مؤمنان در جواب منافقان می‌گویند بر گردید به دنیا و این نور را از دنیا بدست آورید؛ چرا که شما در دنیا ما را به تمسخر می‌گرفتید و آمدن این روز را انکار می‌نمودید.

﴿يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ. فَأَلْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾^۱ «آن‌ها بهشتیان را صدا می‌زنند: مگر ما با شما نبودیم؟! می‌گویند: آری، ولی شما خود را به گمراهی افکندید و انتظار (نابودی حق را) کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد. پس امروز نه از شما فدیة ای پذیرفته می‌شود، و نه از کافران. و جایگاه‌تان آتش است و همان شایسته شماست. و چه بد سرانجامی است!».

آیات مبارکه فوق شکل گیری نفاق منافقان را به بیان می‌گیرد، تصویری بسیار جالب در این آیات به نمایش گذاشته شده است، منافقان می‌گویند: ای مؤمنان! آیا ما در دنیا با شما نبودیم! مؤمنان می‌گویند: بلی بودید؛ اما شما در دنیا دچار فتنه شده بودید (محبت مال و اولاد از محبت الله متعال و پیامبرش و جهاد در راه خدا نزدتان محبوب تر بود)، و همواره در انتظار، شک و سردرگمی بودید، و در نهایت به خوش باوری در باره الله دچار شده بودید، که الله بسیار مهربان و بخشنده است و ما از امت پیامبر اسلام هستیم، چگونه مورد عذاب خدا قرار خواهیم گرفت؟ در حالی که اعمال‌تان

خلاف عقیده و گفته های تان را ثابت می کرد؛ بنابراین، امروز بابت رهایی و نجات تان کدام فدیة و عوضی گرفته نمی شود. در واقع قرآن کریم می خواهد بر ما حقیقت نفاق را بیان کند؛ یعنی منافق در دنیا ظاهراً مسلمان است، ولی در آخرت آنگاه که پرده های حقیقت برداشته شود، در صف کافران خواهد بود.

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۱ «آیا وقت آن نرسیده است که دل های کسانی که ایمان آورده اند، در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است، خاشع گردد و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آن ها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب های شان (بر اثر فراموشکاری) قساوت یافت. و بسیار از آنها گنهکارند؟!».

قبل از اینکه پیری و مصروفیت های متعدد به سراغ انسان بیاید، باید جهت آموزش و تعلیم دین خدا اقدام نمود، امروز و فردا کردن کارها در واقع از نقشه های شیطان است؛ چراکه شیطان همواره در پی این است تا کار انسان به تعویق افتاده و به خیر دسترسی نداشته باشد، توجیهاتی که شیطان جهت غفلت از یاد خدا و آخرت به انسان القا می کند، از این قبیل است: فعلاً مصروفیت های تو زیاد است، حالا که جوانی، بگذار هرگاه به سن پیری رسیدی فرصت زیاد است و می توانی کارهای خیر انجام دهی، باشد تا صاحب پول و سرمایه شوی، از مصروفیت های اولاد و خانواده فارغ شوی و... سپس برای کار در دین خدا فراغت حاصل خواهی نمود؛ اما غافل از

اینکه چه بسیار کسانی بودند که در سن جوانی مرگ به سراغ شان آمد، و بودند کسانی که در اوج گرفتاری و معاملات دنیوی مرگ به سراغ شان آمد، چراکه وقت وقوع مرگ برای هیچ کس معلوم نیست. آیه مبارکه برای اهل ایمان می آموزاند تا وقت را از دست ندهند، هر گاه فرصتی میسر شد، فوراً برای اعمال خیر اقدام نموده، و به همین ترتیب خانواده و اولاد خود را با همین روحیه تربیه کنند، نشود که خدای نکرده همان راه تاریکی که خود طی نموده اولادش نیز همان راه را طی کنند، بسیاری از اوقات با بی توجهی و ندانم کاری های خویش، عامل انحراف اولاد خود می شویم و در اخیر کار وقتی متوجه انحراف اولاد خود می گردیم، می بینیم دیر شده و فرصت از دست رفته است و اشک ندامت از چشمان ما سرازیر می گردد، اما افسوس که دیگر دیر شده است.

بناء مطابق به رهنمایی آیه، علاج واقعه را باید قبل از وقوع آن بنماییم. قرآن گروهی از مؤمنان را در این آیه سخت ملامت می کند که چرا در برابر این امور خاشع نمی شوند، و چرا هم چون بسیاری از امت های پیشین گرفتار غفلت و بی خبری شده اند؟ همان غفلتی که نتیجه آن سنگدلی و همان قساوتی که ثمره آن فسق و گناه است! آیا تنها به ادعای ایمان قناعت کردن و از کنار این مسائل مهم به سادگی گذشتن و تن به زندگی مرفه سپردن، در ناز و نعمت زیستن، و پیوسته مشغول عیش و نوش بودن، با ایمان سازگار است؟! جمله ﴿فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ﴾ (زمان بر آن ها طولانی شد) ممکن است اشاره به فاصله زمانی میان آن ها و پیامبران شان باشد، و یا طول عمر و درازی آرزوها، و یا عدم نزول عذاب الهی در زمان طولانی، و یا همه این ها، چرا که

هر يك می تواند عاملی برای غفلت و قساوت و آن هم سببی برای فسق و گناه گردد.

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱ «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند. ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید بیندیشید».

در حقیقت این آیه هم اشاره ای است به زنده شدن زمین های مرده به وسیله باران، و هم زنده شدن دل های مرده به وسیله ذکر خداوند و قرآن مجید که از آسمان بر قلب پاک پیامبر نازل شده است و هر دو شایسته تدبر و تعقل است. از دیدگاه قرآن کریم، قلب مرده همان قلبی است که یاد خدا را فراموش نموده و چیزهای دیگری غیر از محبت و یاد او تعالی در قلب جای گرفته باشد.

﴿إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^۲ «مردان و زنان انفاق کننده، و آن ها که (از این راه) به خدا (قرض الحسنه) دهند، (پاداش شان) برای آنان مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند».

در آیه مبارکه فوق بار دیگر به مسأله انفاق که از میوه های شجره ایمان و خشوع است، تاکید شده است، و همان تعبیری را که در آیات قبل خواندیم، با اضافاتی تکرار می کند و می فرماید: مردان و زنانی که در راه خدا انفاق کنند، و آن هایی که از این طریق به خداوند قرض الحسنه دهند، خداوند آن را مضاعف و چند برابر کرده و برای آنها پاداش پر ارزشی است. درین آیه

۱- سوره حدید آیه/۱۷.

۲- سوره حدید آیه/۱۸.

مؤمنان را تشویق به صدقه و انفاق نموده است. محبت به دنیا و بخل به مال و ثروت مانند این است که انسان پایش را بر روی ترمز موتر قرار دهد، در این هنگام موتر میخکوب شده و از حرکت باز می ماند، اما هرگاه پای از روی آن برداشته شود، موتر به حرکت افتاده و هدف حاصل می شود، قضیه انفاق مال در راه خدا نیز به همین صورت است، یکی از نشانه های ایمان متحرک، انفاق فی سبیل الله می باشد.

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾^۱ «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی و سرور فرو می برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی. سپس تبدیل به کاه می شود. (آری دنیا نیز به همین سرعت می گذرد) و در آخرت، عذاب شدید است یا آمرزش و رضای الهی. و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست».

آیه مبارکه فوق طبیعت زندگی انسان را با ذکر مثالی از طبیعت اطراف ما به تصویر می کشد، انسان ها معمولاً در مراحل مختلف زندگی شان به اشیای مختلف بنابر تناسب عمر شان علاقه نشان می دهند، به این ترتیب "غفلت" و "سرگرمی" و "تجمل" و "تفاخر" و "تکاثر" دوران های پنجگانه عمر آدمی را تشکیل می دهند. نخست "دوران کودکی" است که زندگی در هاله ای از غفلت و بی خبری و لعب و بازی فرو می رود. سپس مرحله "نوجوانی" فرا

می‌رسد، و سرگرمی جای بازی را می‌گیرد، در این مرحله انسان به دنبال مسائلی است که او را به خود سرگرم می‌سازد و از مسائل جدی دور می‌دارد. مرحله سوم مرحله "جوانی" و شور و عشق و تجمل‌پرستی است. از این مرحله که بگذرد مرحله چهارم فرا می‌رسد و احساسات "کسب مقام و فخر" در انسان زنده می‌شود. و سرانجام به مرحله پنجم می‌رسد و در این مرحله به فکر افزایش مال، نیرو و جمع آوری ثروت می‌افتد.

نکته قابل تذکر دیگر اینکه، دنیا به این خاطر جای فریب است که آنچنان انسان را در زرق برق، عیش و نوش و بازی، سرگرم می‌سازد که حتی آخرت را فراموش می‌کند. الله متعال در قرآن کریم چه زیبا فرموده ﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾ - نه چنین است (که شما در باره ی معاد می‌پندارید)! اصلاً شما دنیای گذرا را دوست می‌دارید و آخرت را رها می‌سازید.

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ. لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾^۱ «هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد، مگر این که همه آن‌ها قبل از آن که زمین را بیافرینیم، در لوح محفوظ ثبت است. و این امر برای خدا آسان است. این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید، تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است، دل بسته و شادمان نباشید. و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد».

این دو جمله کوتاه ﴿لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ در حقیقت یکی از مسائل پیچیده فلسفه آفرینش را حل می‌کند؛ چرا که انسان همیشه در جهان هستی با مشکلات و گرفتاری‌ها و حوادث ناگواری روبرو است، و غالباً از خود سؤال می‌کند: با اینکه خداوند مهربان و کریم و رحیم است، این حوادث دردناک برای چیست؟! قرآن می‌گوید: هدف این بوده که شما دلبسته و اسیر زرق و برق این جهان نباشید، این مصائب زنگ بیدارباشی است برای غافلان و شلاقی است بر ارواح خفته، و رمزی است از ناپایداری جهان، و اشاره‌ای است به کوتاه بودن عمر این زندگی.

﴿لَقَدْ أَنزَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافَعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱ «ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را آفریدیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است، تا مشخص شود چه کسی خدا و پیامبرانش را یاری می‌کند بی آن که او را ببیند. خداوند توانا و شکست‌ناپذیر است.»

مفهوم آیه مبارکه فوق می‌رساند که نظام دنیا باید بر اساسات دین مبین اسلام شکل بگیرد و نظام دنیا بر اساس عدل و انصاف اقامه گردد، و برای ایجاد و حاکمیت نظام اسلامی تهیه و ایجاد وسایل قوت که مظهر و منبع آن آهن است، از ضروریات است و کوتاهی در این قسمت پذیرفتنی نیست. و آنانی که ادعا می‌کنند تا وانمود بسازند که اسلام و برنامه آن برای موفقیت آخرت انسان است، کاملاً در اشتباه بسر می‌برند، آیه مبارکه صراحتاً اعلام

می‌کند که اسلام برنامه دین و دنیای انسان است و برای سعادت دارین و اقامه نظام عدل الهی در روی زمین، از جانب خداوند متعال فرستاده شده است و حکمت فرستادن انبیاء چیزی جز اقامه عدالت الهی نمی‌باشد.

﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۱ «سپس در پی آنان پیامبران (دیگر) خود را فرستادیم، و به دنبال آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت قرار دادیم. و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم. گرچه هدف شان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند. از این رو ما به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند، پاداش شان را دادیم. و بسیاری از آنها گناه کارند».

هر چند در آیین مسیح چنین دستور الزامی به آن‌ها داده نشده بود، ولی پیروان مسیحیان رهبانیت را از حد و مرز آن بیرون برده و به انحراف و تحریف کشاندند. به همین دلیل اسلام به شدت آن را محکوم کرده، و حدیث معروف **لا رهبانية في الاسلام** (در اسلام رهبانیت وجود ندارد) در بسیاری از منابع اسلامی دیده می‌شود. و علت تحریم رهبانیت از دیدگاه دین اسلام این است که اصولاً انسان موجودی است که برای زندگی در اجتماع ساخته شده، و تکامل معنوی و مادی او نیز در همین است که زندگی جمعی داشته باشد، و لذا هیچ يك از مذاهب آسمانی این معنی را از انسان نفی نمی‌کند، بلکه پایه‌های آن را محکم‌تر می‌سازد، شیطان می‌خواهد انسان را از اجتماع دور نموده و ریاضت و چله کشی‌های بر او تحمیل کند تا میدان برای خودش

خالی بماند و هر چیزی که بخواهد انجام دهد، اگر انسان در راه اقامه دین، جهاد مستمر نموده، سختی‌ها و مشکلات را تحمل نماید، نتیجه خوبی از آن به دست خواهد آمد، چرا که با جهاد و تلاش در راه اقامه دین الله متعال، جلوی ظلم و بی‌عدالتی گرفته خواهد شد.

﴿مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱

«آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به پیامبرش باز گرداند، از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. آنچه را پیامبر برای شما آورده بگیرید (و اطاعت کنید)، و از آنچه شما را نهی کرده خودداری نمایید. و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است».

امام شاه ولی الله دهلوی رحمته الله در مورد آیه مبارکه فوق، فرمودند: سرمایه باید بر تمام طبقات یک اجتماع انسانی به چرخش باشد تا نظام مالی سالم برقرار گردد و فقر از میان اجتماع انسانی زدوده شود، و دولت باید ناظر بر اقتصاد جامعه باشد تا سوء استفاده کنندگان حق مستضعفین را جیب نزنند و بی‌عدالتی در جامعه حاکم نگردد، در صورتی که دولت توجه به قضایای اقتصادی نداشته و نسبت به فقراء بی تفاوت باشد، در این صورت شاهد بحران‌های اقتصادی خواهیم بود، به گونه‌ای که پول و سرمایه به طور غیرعادلانه در اختیار یک عده قرار خواهد گرفت و آنان هر طوری که

بخواهند، از آن استفاده می‌کنند و در نهایت طبقه فقیر جامعه با فقری کشنده دست و پنجه نرم خواهند نمود، و نتیجه دیگری که از آن نصیب جامعه خواهد گشت، ایجاد و ظهور شکاف طبقاتی خواهد بود.

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصَرُونَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَهُ نَفْسَهُ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۱ «هم‌چنین غنائم از آن فقیرا مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خوشنودی او را می‌خواهند، و خدا و پیغمبرش را یاری می‌دهند. اینان راستانند. آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آیین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارند. کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌های مان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی».

این آیات ادامه بحث آیات گذشته پیرامون مصارف ششگانه "فیء" (اموال و غنایمی که بدون جنگ عاید مسلمانان می شود) می باشد، و در حقیقت تفسیری برای یتیمان و مسکین ها و ابن السبیل و بیش از همه تفسیر "ابن السبیل" است، چرا که بیشترین رقم مسلمانان مهاجر را در آن روز آن ها تشکیل میدادند که در وطن و بلاد خود مسکین نبودند؛ اما به خاطر مهاجرت تهی دست شده بودند.

در دوره ی خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه، قسمتی از ممالک به دست مسلمانان فتح گردید. حضرت عمر رضی الله عنه زمین های مفتوحه را خراجی اعلان نمودند؛ چراکه خراج و فایده زمین های به دست آمده باید در بیت المال ذخیره می گردید و برای رفع نیازمندی مسلمانان و گسترش فتوحات اسلامی استفاده می شد، اما آن قسمت از زمین هایی که بدون جنگ به دست مسلمانان فتح می شد و نصیب مسلمین می گردید، اصطلاح فقهی که بر آن استعمال شده به نام "فیء" می گویند، بناء زمین های مفتوحه بر دو قسم است: عشری و خراجی؛ عشری به آن زمینی گفته می شود که ملکیت خصوصی مسلمان است و از آن ده و یا بیست در صد عشر به عنوان محصول به خزانه مسلمانان داده می شود. زمین خراجی ملکیت عموم مسلمانان است و مربوط به شخص معین نیست؛ بلکه صلاحیت آن به عهده دولت اسلامی است و از عواید آن برای بهبود و پیشرفت زندگی مسلمانان استفاده می شود.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱ «و هم چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن ها را به (خود فراموشی) گرفتار کرد. آن ها گناهکارانند».

علامه اقبال لاهوری از آیه مبارکه فوق، فلسفه خودی را مراد می گیرد، به این معنی که غفلت از یاد خدا نتیجه غفلت از روح انسانی است، انسان زمانی برخوردار از روح زنده است که یاد خدا در همه امور زندگی اش نقش داشته باشد، و در صورتی که چنین نباشد، به تعبیر قرآن، حیوانی بیش نیست که مقصد از زنده بودنش، خوردن است و نوشیدن و بهره بردن از آب و هوا؛ ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾^۲ «در حالی که کافران چند روزی از نعمت های زودگذر جهان بهره و لذت می برند و همچون چهارپایان (بی خبر و غافل از سرانجام کار) می چرند و می خورند، و (پس از بدورد حیات و گام نهادن به آخرت) آتش دوزخ جایگاه ایشان است».

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۳ «اگر این قرآن کریم را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدا می شکافد! این ها مثال هایی است که برای مردم می زنیم، شاید (در آن بیندیشند)».

۱- سوره حشر آیه/۱۹.

۲- سوره محمد آیه/۱۲.

۳- سوره حشر آیه/۲۱.

آیه مبارکه فوق یکی از با عظمت ترین آیات قرآن کریم است. علامه اقبال لاهوری در این مورد می‌فرماید:

نقش قرآن تا درین عالم نشست نقش‌های کاهن و پاپا شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمّن است این کتابی نیست چیزی دیگر است
چون بجان در رفت جان دیگر شود جان چو دیگر شد جهان دیگر شود
مثل حق پنهان و هم پیداست این زنده و پاینده و گویاست این^۱
در آیات گذشته سوره حشر، بحث توجه به تزکیه مطرح بود، بناءً آیه
بیست و یکم سوره حشر نیز این پیام را در دل خود دارد، که برای رسیدن و
پی‌بردن به حقایق قرآن کریم، در قدم اول تزکیه نفس نهایت ضروری
می‌باشد.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۲ «او خداوند یگانه‌ای است که
معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی
ستم نمی‌کند، امنیت‌بخش است، مراقب همه چیز است، شکست‌ناپذیری
که (با اراده نافذ خود) هر امری را اصلاح می‌کند، و دارای کبریا و عظمت
است. خداوند منزّه است از آنچه همتای او قرار می‌دهند!».

این یگانه‌آیه در قرآن کریم است که بدون حرف واو (حرف عطف) یک
دفعه، هشت گلدسته اسمای الله متعال آمده است، به این معنی که همه
صفات خداوند در یک وقت نزد الله متعال موجود است. پیرامون آیه فوق،

۱- کلیات اقبال لاهوری، جاوید نامه.

۲- سوره حشر آیه/۲۳.

مفسرین می‌فرمایند: «حاکمان بشری سر تا پا عجز و نیاز و محدودیت و نقص بوده و مردم از آنان در امان نیستند؛ اما خداوند فرمانروایی است که هم قداست دارد و از هر عیب و نقصی به دور است، هم ایمنی بخش است، هم بر همه چیز سیطره و نفوذ دارد. دارای قدرتی نفوذناپذیر است، جبران‌کننده است و عظمت و کبریایی دارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید. آنان از آخرت ناامید اند، همان‌گونه که کفار از کسانی که در قبرها مدفون اند، ناامید می‌باشند».

مراد از غضب‌شدگان در آیه فوق، یهود هستند و مراد از کفار، مشرکان مکه، یهودیان از ثواب آخرت ناامید اند و مشرکان منکر قیامت، از مردگان خود. بنابراین نمی‌زید دوست خدا، با کسانی که مورد غضب او هستند، رابطه دوستی داشته باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَثِيرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار خشم‌آور است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید! خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در یک صف در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین اند».

۱- سوره ممتحنه آیه/۱۳.

۲- سوره صف آیات/ ۲، ۳ و ۴.

آیات مبارکه فوق در سوره صف، بیانگر این حقیقت اند که برای اقامه نظام عادلانه اسلامی، باید یک جماعت اسلامی بر منهج نبوی ساخته شود، و منسوبین این جماعت صحیح تربیت شوند، و آنگاه که تعداد منسوبین زیاد گردید و از لحاظ مادی و معنوی و تجهیزات نظامی عصر حاضر خودکفا شدند، آنگاه باید در راه خداوند متعال برای براندازی نظام های جور، ظلم و استبداد قیام نمایند؛ چرا که محبوب ترین چیز نزد الله متعال جهاد در راه غالب ساختن دین او است.

باید متذکر شویم تا زمانی که جماعت اسلامی نوپا باشد و یا از امکانات مادی و بشری قوی برخوردار نباشد، مقابله نمودن با نظام های استبدادی، کار مناسبی نیست؛ بلکه اقدام در چنین شرایطی شباهت به خودکشی دارد؛ چون که نظام های ظالم و باطل، با در دست داشتن امکانات فراوان، می توانند در اسرع وقت برای خاموش نمودن صدای حق، اقدام کنند. انقلاب پیامبر اسلام شامل دو بخش بود؛ بخش اول شامل دعوت مردم با حکمت و موعظه حسنه و ایجاد یک تشکل قوی برای آینده حکومت اسلامی در دوران مکی؛ و بخش دوم آن شامل غزوات و فتوحات اسلامی بود که بعد از هجرت نبوی در مدینه منوره شکل گرفت.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۱ «(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید با این که می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟! هنگامی که آن ها (از

حق) منحرف شدند، خداوند (به کیفر این عمل) قلوب شان را منحرف ساخت. و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند».

هرگاه انسان راه حرام و انحراف را انتخاب کرد، این کار مقدمه انحراف دل، روح، شخصیت، هویت، فکر و فرهنگ انسان خواهد شد.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۱
 «می خواهند نور (آئین) خدا را با دهان های شان خاموش گردانند، ولی خدا نور (آئین) خود را کامل می گرداند، هرچند که کافران دوست نداشته باشند».

آیه مبارکه فوق پرده از خباثت و پلیدی نیت ها، توطئه و دسیسه های دشمنان قسم خورده اسلام بر می دارد، آنانی که همواره در پی خاموش نمودن نور اسلام و پیشرفت آن هستند، الله متعال خود را حامی و مدافع دین خود می داند و به صراحت اعلام می دارد هرکس در پی خاموش ساختن نور خدا باشد، الله بساط او را جمع خواهد کرد، چنان چه تاریخ طولانی اسلام، گویای این حقیقت است. کسانی بودند که از هر نوع تلاش جهت رسیدن به اهداف شوم شان استفاده کردند، اما سرانجام جز خسارت و رسوایی، چیزی نصیب شان نگردید.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۲ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده پیامبری از خودشان بر انگیخت که آیاتش را بر آن ها بخواند و آن ها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

۱- سوره صف آیه/۸.

۲- سوره جمعه آیه/۲.

قرآن کریم همان طوری که کتاب هدایت است، وسایلی که منجر به هدایت و سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌گردد را به معرفی می‌گیرد، و این وسایل بدین‌قرار اند: تربیت و تزکیه، دعوت و تذکر، انذار و بشارت. بنابر این در آیه فوق هدف بعثت نبوی را در سه امر خلاصه کرده که یکی جنبه مقدماتی دارد و آن تلاوت آیات الهی است، و دو قسمت دیگر یعنی «تهذیب و تزکیه نفوس»، و «تعلیم کتاب و حکمت» دو هدف بزرگ نهایی را تشکیل می‌دهد.

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^۱ «این فضل خداست که به هر کس بخواهد (وشایسته بداند) می‌بخشد. و خداوند دارای فضل عظیم است».

در آیه مبارکه فوق، الله متعال فضیلتی که به پیامبر اسلام اعطا نموده را بیان نموده است. آیه مبارکه بیانگر این حقیقت است اگر فضل خداوند متعال شامل حال آن حضرت شده است، باید نگاهی به زندگی گهربار ایشان بیندازیم، آن وقت خواهیم دید که ایشان دشواری‌ها، مشکلات و رنج‌های فراوانی را در راه دین خدا متحمل شده‌اند؛ بناء فضل و رحمت خداوند بیشتر شامل حال کسانی می‌شود که در راه دین او تلاش و زحمت فراوان می‌کشند، و این را نباید فراموش نماییم هر کس نزد الله متعال مقام و منزلت داشته باشد، بیشتر مورد ابتلاء و امتحان قرار می‌گیرد، و اما بزرگ‌ترین فضل خداوند متعال بر پیامبر والا مقام اسلام، نزول قرآن کریم است؛ قرآنی که بزرگ‌ترین معجزه ایشان محسوب می‌گردد.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۱ «داستان کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند داستان درازگوشی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند، (اما چیزی از آن نمی‌فهمد). چه بد است مثل گروهی که آیات خدا را انکار کردند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند».

آیه مبارکه فوق‌گویاترین مثالی است که برای عالم بی‌عمل می‌توان بیان کرد که سنگینی مسؤولیت علم را بر دوش دارد بی‌آنکه از برکات آن بهره‌گیرد، و افرادی که با الفاظ قرآن سر و کار دارند ولی از محتوا و برنامه عملی آن بی‌خبرند (و چه بسیارند این افراد در بین صفوف مسلمین) مشمول همین آیه اند.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾^۲ «بگو: (ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که (فقط) شما دوستان خدايید نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید (تا به لقای محبوب‌تان برسید)! ولی آنان بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند. و خداوند ستمگران را به خوبی می‌شناسد».

آیه مبارکه فوق بیانگر این حقیقت است که همانا بیزاری و فرار یهود از مرگ و محبت شدید به دنیا، اسباب و عوامل مختلفی دارد؛ مانند: کفر، ظلم و حرام‌خواری. قوم یهود هیچ‌گاه تمنای مرگ را نمی‌کنند؛ چراکه تمنای ملاقات با الله متعال را کسی می‌کند که با او تعالی ارتباط خوبی داشته

۱- سوره جمعه آیه/۵

۲- سوره جمعه آیات ۷ و ۸

باشد، به همین ترتیب اگر مسلمانی در حرام و باطل غوطه ور باشد، هیچگاه انتظار نمی رود که امید دیدار با الله را داشته باشد و برای مرگ آمادگی بگیرد. پیام دیگری که از آیات مبارکه فوق می گیریم، این است که ایمان به تمنا و آرزو نیست، چنانچه در حدیث شریف وارد شده است؛ «لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالتَّحَلِّيِّ وَلَا بِالتَّمَنِّيِّ، وَلَكِنْ مَا وَقَرَ فِي الْقَلْبِ، وَصَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ»^۱ (ایمان با آرزو و تمنا نیست؛ بلکه ایمان واقعی آن است که در دل صاحبش پایدار گردد و عمل آن را تصدیق نماید). و از جهت دیگر مؤمن واقعی کسی است که خواهان ملاقات و وصال الله متعال باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا (و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید!».

پیام و حکم فقهی آیه مبارکه فوق بیانگر این است که معامله و تجارت از اذان اول نماز جمعه الی ختم نماز جمعه حرام است. بنابر این، نیمه اول روز جمعه باید به نماز جمعه و سایر اعمال جمعه از قبیل نظافت، خواندن اذکار و... تخصیص داده شود و نیمه دوم روز که بعد از ادای نماز جمعه می باشد، به خود انسان ارتباط می گیرد، و آزاد است که به تجارت و معامله بپردازد و یا کدام تفریح سالم داشته و به دید و بازدید اقوام اقدام نماید.

۱- شعب الإيمان (۱/۱۵۹).

۲- سوره جمعه آیه ۹.

﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱ «آن‌ها می‌گویند: اگر به مدینه باز گردیم، عزیزان را بیرون می‌کنند؛ در حالی که عزت، مخصوص خدا و پیامبر او و مؤمنان است. ولی منافقان نمی‌دانند».

آیه مبارکه فوق حکایتی از موقف‌گیری منافقان در مقابل پیامبر و مؤمنان را بیان می‌کند، و در عقب آن رویکرد شجاعانه عبدالله بن عبدالله بن ابی؛ پسر سرکرده منافقان را به نمایش می‌گذارد که چطور ایمان او به الله و رسول سبب شد تا پدرش را وادار به معذرت‌خواهی از پیامبر نماید. امام احمد در بیان سبب نزول این آیه از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت کرده که فرمود: من با رسول الله در غزوة تبوک حضور داشتم و دو تن که یکی از مهاجران و دیگری از انصار بودند، بر سر نوبت آب باهم کشمکش کردند، پس عبدالله بن ابی گفت: اگر به مدینه بازگشتیم، آن کس که عزیزتر است، خوارتر را از آن بیرون خواهد کرد. من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدم و ایشان را از این سخن وی آگاه نمودم. رسول خدا از این کار وی بسیار ناراحت شدند، تا این که خبر این جسارت سرکرده منافقان به پسرش عبدالله رسید، عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول در همان غزوه به پدرش گفت: سوگند به آن کس که جز او خدایی نیست، تا نگویی که: بی‌گمان رسول خدا بلندپایه‌تر و عزیزترند و این من هستم که ذلیل‌تر و فرومایه‌تر می‌باشم، به مدینه داخل نخواهی شد. پس عبدالله بن ابی به گفتن این سخن ناگزیر شد.

﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱ «همه شما را در روز رستاخیز گردآوری می‌کند. آن روز، روز احساس خسارت و پشیمانی است و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می‌بخشد و او را در باغ‌های بهشتی که نهرها از پای درختانش جاری است، وارد می‌کند، جاودانه در آن می‌مانند. و این پیروزی بزرگ است».

آیه مبارکه فوق بیانگر این حقیقت است که دنیا جای کامیابی و ناکامی واقعی نیست؛ بلکه کامیابی، موفقیت و سعادت انسان در آخرت است؛ لذا آنچه بر انسان لازم است و باید در انجام آن تلاش کند، ایمان به الله سبحانه و تعالی و انجام اعمال شایسته و نیکو می‌باشد، در این صورت انسان می‌تواند نمره موفقیت را کسب کرده و خود را مستحق فضل، بخشش و بهشت او تعالی کند.

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲ «هیچ مصیبتی رخ نمی‌دهد مگر به اذن خدا. و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می‌کند. و خدا به هر چیز داناست».

اساس همه بینش‌های ایمانی در رویارویی زندگی با رخدادهای خیر یا شر آن است. «هیچ مصیبتی» مانند سختی، بیماری، مرگ نزدیکان، زندان، نابودی مال و غیر آن «از مصایب نمی‌رسد مگر به اذن الله متعال»؛ یعنی به قضا و قدر وی. به روایتی سبب نزول آیه این بود که کفار گفتند: اگر راه و روش مسلمانان حق بود، می‌بایست خداوند آنان را در دنیا از مصیبت‌ها ننگه می‌داشت. «و هر کس به خداوند ایمان آورد، دلش را به راه آورد» یعنی:

۱- سوره تغابن آیه/۹

۲- سوره تغابن آیه/۱۱.

هرکس باور داشته باشد و بداند که جز آن چه خداوند بر وی مقدر نموده است به او نمی‌رسد، حق تعالی در هنگام مصیبت دلش را به راه صحیح می‌برد و بنابراین، او متوجه می‌شود که آن مصیبت از جانب خداوند است و آن چه که به وی رسیده، قرار نبوده و نیست که از وی دور شود و خواه مخواه به وی رسیدنی است و آنچه که باید به وی نرسد، هرگز به وی رسیدنی نیست؛ چنان که ابن عباس رضی الله عنهما نیز در تفسیر آیه مبارکه گفته است، او در این هنگام به قضای خداوند متعال تسلیم می‌شود و استرجاع (إنا لله وإنا إليه راجعون) می‌گوید، پس در مصیبت صبر و بر نعمت شکر می‌گزارد، چنان که در حدیث شریف آمده است: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»^۱ (کار مسلمان انسان را به شگفتی و تعجب وای می‌دارد. زیرا همه‌ی کارش برای او خیر است، و این امر برای هیچ‌کس جز مسلمان ممکن نیست. اگر به وی فراخی و آسانی روی دهد شکر کند، برایش خیر است، و اگر به او سختی برسد هم صبر کند برایش خیر است).

«و خداوند به هر چیزی دانا است» یعنی او دارای علمی بلیغ و همه‌جانبه است و هیچ چیز از این امور بر او مخفی نمی‌ماند، پس به او ایمان آورید و به قضا و قدر وی تسلیم شوید.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲ «خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست، و مومنان باید فقط بر خدا توکل کنند».

۱- صحیح مسلم.

۲- سوره تغابن آیه/۱۳.

مفهوم آیه مبارکه فوق این است که انسان مؤمن و با ایمان هیچگاه در زندگی برای رسیدن به اهدافش از استفاده اسباب مادی چشم‌پوشی نمی‌کند، و با وجود استفاده از اسباب، تأثیر را از اسباب ندانسته بلکه برای موفقیت و رسیدن به اهدافش در کنار استفاده از اسباب، اعتماد و توکل بر خداوند دارد، مانند رفتن به سفر، یعنی قبل از حرکت نیاز است تا وسیله سواری خود را درست چک کنیم و از هر جهت اطمینان حاصل نماییم، این یک قسمت از کار سفر است؛ اما مهم‌ترین قسمت آن، توکل بر الله متعال می‌باشد، در سیرت پیامبر اکرم چند نمونه داریم آنگاه که مسلمانان به اسباب دل بستند، دچار شکست شدند، یکی از این نمونه‌ها غزوه حنین می‌باشد، و هرگاه در کنار استفاده از اسباب، به الله متعال اعتماد نمودند، شاهد موفقیت‌های چشم‌گیری شدند، نمونه‌های آن هم زیاد است؛ مانند غزوه‌های بدر، احد، احزاب، تبوک و...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان تان دشمن شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید. و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد). چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است».

یکی از مصداق‌های آیه فوق که امروزه در بین اکثر خانواده‌های مسلمان شاهد آن هستیم، فشارهای بیش از حد زن و اعضای خانواده بر مرد می‌باشد؛ فشارهایی از قبیل تهیه نمودن امکانات مدرن و پیشرفته زندگی و عقب نماندن از دیگران در سطح بالای آن. واضح است آنگاه که سطح در آمد و

عاید مرد خانواده پایین باشد، و از طرفی موج مادی و زرق برق زندگی طوفان بر پاکند، نتیجه آن چیزی جز آشوب در خانواده ها نخواهد بود. اگر ما امروزه شاهد رواج حرام خواری، رشوت، اختلاس و دزدی در جوامع انسانی هستیم، عامل آن گرسنگی نیست؛ بلکه عامل اصلی آن موج مادیات است که بسیاری را بر آن داشته تا زندگی شان در سطح عالی قرار داشته و مطابق به میل زن و فرزندان شان باشد، یکی دیگر از مصداق های دشمنی زن و اولاد با انسان، رها نمودن والدین در سنین پیری و افتادگی است، والدینی که با یک دنیای امید زحمت کشیدند تا اولادشان در آینده عصای دست شان باشد، اما دیده می شود که بهانه های مختلف سبب شده تا نسبت به آنان بی مهری صورت گیرد، یکی دیگر از مصداق های دشمنی زن و اولاد با انسان، دور شدن از میدان کار و فعالیت اسلامی است، چه بسا جوانانی فعال در عرصه کار اسلامی بودند که با اقدام به ازدواج و فشارهای وارد شده از طرف زن و خانواده، سبب دور شدن از عرصه کار اسلامی شده است.

و نکته دیگری که آیه مبارکه برای ما می فهماند این است که باید توجه داشته باشیم تا کانون خانواده را تبدیل به میدان جنگ و زد خورد نکنیم؛ بلکه باید هشیارانه و مدبرانه امور زندگی را مدیریت کنیم، اگر گاهی دچار اشتباه شدند، در عوض ببخشیم، شیوه میانه روی در خانه را فراموش نکنیم و سختگیری بیش از حد نداشته باشیم و این گونه هم نباشیم که نسبت به کارهای نادرست شان بی توجه باشیم و کارهای خلاف دین و اخلاق شان را اهمال کنیم. بناء بر عموم مسلمانان و به ویژه منسوبین جماعت های اسلامی و اصلاحی لازم است تا در قسمت خانواده های شان جدی باشند.

﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ

غَفُورًا رَحِيمًا»^۱ «آن‌ها را به نام پدران‌شان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است. اگر پدران‌شان را نمی‌شناسید، آن‌ها برادران دینی و یاران شما هستند؛ اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که (در نامیدن آنها به نام دیگران) از شما سر می‌زند، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد مؤاخذه قرار خواهد داد). و خداوند آمرزنده و مهربان است».

مفهوم و پیام آیه مبارکه این است که، فرزند باید به نام پدر نام‌گذاری شود؛ بعضی‌ها از داشتن اولاد محروم اند، لهذا برای این‌که این محرومیت را از خود بزایند، طفل کس دیگری را به عنوان فرزند به زندگی خود وارد نموده و او را اولاد خود تلقی می‌کند که در عرف جامعه به نام "پسرخوانده" شناخته می‌شود، بناء قرآن کریم این سنت و روش را ملغی اعلام نموده و بلکه الله متعال دستور می‌دهد تا طفل به نام پدر اصلی اش صدا زده شود، و نسبت دادن طفل به کسی دیگر از روی عمد، کاری است حرام و ناجایز.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾^۲ «و کسانی که هرگاه ستمی به آن‌ها رسد (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند».

این آیه در لابلای آیاتی از سوره مبارکه شوری آمده است که در آن الله متعال یک دسته از صفات نیک مؤمنان را به نمایش می‌گذارد، به این معنی که، هرگاه دعوت اسلامی در مرحله ضعف قرار داشت و باطل در جامعه حاکم بود، می‌طلبد تا داعی و دعوتگر از نهایت صبر و شکیبایی بر خوردار بوده و بدی را با خوبی دفع کند؛ اما هرگاه شرایط اجتماعی زندگی از حالت

۱- سوره احزاب آیه/۵

۲- سوره شوری آیه/۳۹

ضعف به حالت قوت و توانایی تغییر کرد، صفات جامعهٔ جمعی و اجتماعی مؤمنان باید این گونه باشد:

— دلداده و دیوانه دنیا نیستند؛ بلکه دنیا را وسیله ای برای آخرت قرار می دهند؛

— به الله متعال توکل دارند؛

— از گناهان کبیره اجتناب می نمایند؛

— هرگاه دچار خشم و غضب شدند، عکس العمل نشان نمی دهند؛ بلکه عفو را پیشه خود می سازند؛

— نماز را بر پای می دارند؛

— در امور زندگی به ویژه قضایای مهم و سرنوشت ساز جامعهٔ اسلامی، به مشوره می پردازند؛

— هرگاه دین نیاز به مصارف مالی داشت، در مصرف مال بخل نمی ورزند و انفاق می کنند.

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ﴾^۱ «چه کسی گمراه تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که اگر تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی گویند (و بلکه سخنانش را هم نمی شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریاد خواهندگان غافل و بی خبرند».

مفهوم و پیام آیهٔ مبارکه این است که هر کس به غیر از الله متعال از کسانی دیگر کمک بخاهد، مرتکب شرک به خداوند گردیده است؛ چرا که

الله ذات همیشه جاوید و زنده بوده و شنوای همه سخنان و بر آورده کننده حاجت ها و نیازهای بندگانست، حالانکه آنانی که غیر از الله به فریاد خوانده می شوند، هیچ کاری حتی برای خود انجام داده نمی توانند.

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْا إِلَيَّ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ﴾^۱ «ای پیغمبر! خاطرنشان ساز) زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند. هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که (تلاوت قرآن) به پایان آمد به عنوان مبلغان و دعوت کنندگان (هم جنسان خود، به آیین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند».

هنگامی که رسول خدا از شهر طائف برگشت، در بین راه به ادای نماز فجر مشغول شدند، درین هنگام یک گروه از جن ها متوجه تلاوت قرآن کریم شدند که توسط آن حضرت خوانده می شد، آنان بعد از استماع قرآن کریم به رسالت نبی اکرم و قرآن کریم ایمان آوردند و به سوی قوم خود رفتند و آنان را نیز به ایمان به قرآن کریم دعوت دادند، نکته قابل تعمق در این آیه تاثیرگذاری قرآن کریم است که چگونه بالای آن ها اثر می گذارد، اما امروزه بر ما اثری آن چنانی ندارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزی را بر خدا و پیامبرش مقدم ندارید و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست».

۱- سوره احقاف آیه/۲۹

۲- سوره حجرات آیه/۱

اصول سیاست اسلامی این است که هیچ قانونی خلاف احکام قرآن کریم و سنت نبوی تهیه شده نمی تواند، چه از سنا باشد و یا پارلمان. هرگاه قانونی تهیه می شود، باید با اصول وضع شده قرآن کریم و سنت نبوی در مخالفت نباشد.

﴿تَبَصَّرَ وَذَكَرَ لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ﴾^۱ «تا سبب بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد».

اگر دوستی برای ما تحفه ای بدهد، این هدیه می تواند یاد آور مهربانی و نیکی دوست مان باشد، به همین قسم، آسمان ها، ستارگان، زمین و موجودات دیگر که برای خدمت انسان آفریده شده و مسخر انسان گردیده است، در واقع امر هدیه خداوند به انسان می باشد و با مشاهده این هدایای الهی، باید به یاد اوتعالی بیفتیم.

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾^۲ «سرانجام، سكرات مرگ حقیقت را (پیش چشم او) می آورد (و گفته می شود) این همان چیزی است که تو از آن می گریختی».

در جهان کسانی یافت می شوند که منکر وجود خدا هستند؛ اما کسی که منکر مرگ باشد را سراغ نداریم. این یک مسأله روان شناسی است، انسان نمی خواهد در باره مرگش فکر کند و گاهی تصور مرگ نیز برای انسان دشوار است، لیکن هنگامی که عزیزی از عزیزان خود را تا قبرستان می برد و دفن می کند، با خود می اندیشد که اصل منزلت قبر است؛ لیکن پس از گذشت

۱- سوره قی آیه/۸

۲- سوره قی آیه/۱۹

اندک مدتی دوباره همه چیز را به فراموشی می سپارد و مرتکب امور حرام و ناشایست می گردد.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾^۱ «ما آسمان ها و زمین و آنچه را در میان آن هاست، در شش روز (شش دوران) آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید».

بعد از آن که اصل تورات از میان بنی اسرائیل مفقود گردید، آنان اقدام مجدد برای ترتیب و جمع آوری تورات نمودند و نهایتاً چیزهای کم و زیادی در آن درج نمودند و از جمله موارد درج شده در تورات، فلسفه رخصتی دو روز شنبه و یکشنبه می باشد، آن رخصتی هر دو روز را این گونه تحلیل می کنند که چون خداوند متعال آسمان ها و زمین را آفرید، از آفریدن آنان خسته شد، بناء ایام رخصتی در واقع امر، فرصتی برای رفع خستگی ما می باشد؛ لیکن قرآن کریم این باور را به مسلمانان می دهد که خداوند متعال از آفرینش کاینات، آنچه دیده می شود و یا دیده نمی شود، خسته نشده و چنین صفاتی در او تعالی هرگز نمی باشد و خداوند هیچگاه از خلقت و اداره امور کاینات دچار خستگی نمی شود.

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾^۲ «و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می بخشیم».

آیه مبارکه بیانگر این است که همواره آسمان ها در حال گسترش است و این گسترش ادامه دارد که این خود نشانه از عظمت الله متعال می باشد.

۱- سوره قی/آیه ۳۸

۲- سوره ذاریات/آیه ۴۷

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^۱ «و از هر چیز یک جفت

آفریدیم، (و این‌ها همه برای آن است که) شاید متذکر شوید».

آیه مبارکه بیانگر یکی از حقایق علمی و ثابت در مورد قانون زوجیت در اشیاء است، و نکته جالب در مورد این قانون این است، همان طوری که هر چیزی در کنار خود زوج دارد، در کنار دنیا، آخرت قرار گرفته است.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲ «من جنّ و انس را نیافریدم جز

برای این که مرا پرستش کنند».

لازمه عبادت معرفت معبود است، پس آفرینش جن و انس برای شناخت

حقّ و حرکت در راه خداوند می‌باشد.

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَ اللَّهُ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا تَأْكُمُ الرُّسُلُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۳ «چیزهایی را که خدا از دارایی ایشان

(یعنی بنی‌نضیر) به پیغمبر خود ارمغان داشته است، شما اسبانی و شترانی را برای آن به تاخت درنیاورده‌اید (و با جنگ تصرف ننموده‌اید) و بلکه خداوند پیغمبران خود را بر هر کس که بخواهد چیره می‌گرداند، و خدا بر هر کاری توانا است. چیزهایی را که خداوند از اهالی این آبادی‌ها به پیغمبرش ارمغان داشته است، متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه مانده می‌باشد. این بدان خاطر است که اموال

۱- سوره ذاریات آیه/ ۴۹

۲- سوره ذاریات آیه/ ۵۶

۳- سوره حشر آیات/ ۶ و ۷

تنها در میان اشخاص ثروتمند شما دست بدست نگیرد (و نیازمندان از آن محروم نشوند). چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید. از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد».

آیه مبارکه بیانگر احکام مال غنیمت و فیء می باشد. مال غنیمت، مالی است که بعد از جنگ به دست مسلمانان می افتد، و بین مجاهدین و کسانی که در جنگ اشتراک داشتند، تقسیم می گردد. و مال فیء، مالی است که بدون جنگ نصیب مسلمانان گردیده و این مال مخصوص الله و رسول اکرم بوده و صلاحیت توزیع آن، مخصوص پیامبر ﷺ است.

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱ «هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن خدا. و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند. و خدا به هر چیز داناست».

ارتباط و تعلق بنده با الله باید بر مبنای تسلیم و رضا باشد؛ وقتی یقین ما این است که حتی یک برگ از درخت بدون اجازه و اراده خداوند بزرگ جدا نمی شود، چگونه ممکن است که مصایب و مشکلات بدون اجازه او تعالی بر بندگان نازل گردد؟ هرگز. پس تقاضای ایمان این است که بنده بگوید، با اینکه مصیبت وارده بر خود را نمی پسندم، اما آنچه که از جانب الله مقدر شده است، در آن خیری نهفته است که من از دانستن آن عاجزم، لذا آیه مبارکه به ما می آموزد تا در مقابل مصایب و مشکلات، زبان شکوه و شکایت نگشاییم و در مقابل، مقام صبر و شکیبایی را پیشه خود بسازیم.

﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^۱ «و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، خدا امر او را کفایت می کند. خداوند فرمان خود را به انجام می رساند. به یقین خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است».

هر کار و امری در دنیا موعد مقرر و تعیین شده دارد، و آنگاه که زمانش تکمیل شد، خداوند متعال اسباب و امکانات انجام آن را فراهم می نماید. و در وقت معینه ای که خداوند برایش تعیین نموده است، آن کار را به نتیجه می رساند.

﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾^۲ اگر شما دو زن به درگاه خدا توبه کنید، (این برای شما بهتر است) چراکه واقعاً دل هایتان از راه راست منحرف شده است.

﴿صغت قلوبكما﴾، کلمه "صغو" در زبان عربی به معنای کج شدن و برگشتن می آید، شاه ولی الله این جمله را این گونه ترجمه کرده: «هر آئینه کج شده است دل شما» و شاه رفیع الدین آن را این گونه ترجمه کرده: «کج شده اند دل های شما»، عبدالله ابن مسعود، عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما، سفیان ثوری و ضحاک مفهوم آن را این گونه بیان کرده اند: (زاغت قلوبكما) «یعنی دل های شما از راه راست منحرف شده است». امام رازی در تفسیر و تشریح این جمله می گوید: «ای عدلت و مالت عن الحق، و هو حق الرسول علیه

۱- سوره طلاق آیه/۳

۲- سوره تحریم آیه/۴

الصلوة والسلام»، یعنی از حق عدول نموده و منحرف شده است و مراد از حق، حق پیامبر ﷺ است.

علامه آلوسی آن را این گونه تشریح کرده است: «مالت عن الواجب من موافقته ﷺ بحب ما يحبه و كراهة ما يكرهه الى مخالفته» یعنی بر شما لازم بود که در دوست داشتن آن چه پیامبر ﷺ دوست دارد و دوست نداشتن آن چه پیامبر ﷺ دوست ندارد با ایشان موافقت داشته باشید، ولی دل های شما در این باره از موافقت ایشان به سوی مخالفت ایشان کج شده است.^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگهدارید. آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیراند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند اجرا می نمایند.»

در ارتباط به پیام این آیه مبارکه گفته شده که یکی از حقوق و مسئولیت های بسیار مهم یک مسلمان این است تا متوجه اهل و عیال خود باشد، که مبدا خدای نکرده از راه خدا منحرف شوند؛ تنها اگر به این فکر باشیم که همانا مسئولیت ما تهیه نان و لباس است، این برداشت درست نمی باشد. برای بنده مؤمن لازم و ضروری است تا از همه پیشتر به فکر اهل خانواده خویش بوده و آنان را از آتش جهنم نجات دهد؛ این آیه به ما می آموزد تا متوجه تربیت اولاد خود بوده و آنان را بر اساس آموزه های نیک

۱- تفهیم القرآن ج ۶ ص ۶۳۴

۲- سوره تحریم آیه/۶

اسلامی تربیت کنیم؛ بایسته است بنده مؤمن در قدم نخست از خود آغاز کند و در ضمن توجه خود، متوجه خانواده خود نیز باشد تا هم خود و هم خانواده اش را از آتش جهنم نجات دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَافْعِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! به سوی خدا

توبه کنید، توبه ای خالص، امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی بهشتی که نهرها از پای درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند. این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راست‌شان در حرکت است، و می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانایی.»

یکی از محورهای اساسی توبه از گناهان این است که انسان باید متوجه جهت حرکت زندگی خود بوده و توجه داشته باشد که زندگی وی به کدام طرف روان است، آیا زندگی جهت خدایی دارد یا کاملاً رنگ دنیایی به خود گرفته است؟ آیا مطابق به سیرت و زندگی پیامبر ﷺ است و یا خدای نکرده به جهت مخالف و غیر آن؟ بناء انسان باید به خود آمده و متوجه سیر و حرکت زندگی اش باشد، چون اگر مسیر حرکت بر خلاف باورهای دینی و سیرت پیامبر اسلام باشد، باید تغییر جهت دهد که همین تغییر جهت دادن

به اصطلاح قرآنی توبه "نصوح" و یا خالص به شمار می آید، در غیر آن توبه ای که در آن تغییری دیده نشود، خالص نیست.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطَ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾^۱ «خداوند برای کسانی که کافر شده اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حال شان نداشت، و به آن ها گفته شد: همراه کسانی که وارد آتش می شوند، وارد شوید».

همسران حضرات نوح و لوط (علیهم السلام) بدان جهت مورد عذاب خداوند متعال قرار گرفتند که راز و برنامه های سری این دو پیامبر بزرگوار را برای دشمنان شان آشکار می ساختند. بناء نباید تصور شود که آن دو زن دچار مشکلات اخلاقی بودند؛ چون خانواده انبیاء از مشکلات اخلاقی کاملاً پاک و به دور بودند.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۲ «پر برکت و زوال ناپذیر است کسی که حاکمیت و مالکیت (جهان هستی) به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست».

سیطره و حق حکمرانی بر کاینات از آن الله متعال است. و این نشانه از سیاست در دین مبین اسلام می باشد، تنها و بالاترین مرجع حکم، الله می باشد، اما برخلاف حاکمیت های غیر الهی در دنیا، که خود را مستحق حاکمیت دانسته و به خود اجازه حلال و حرام اشیاء را می دهند و در نتیجه

۱- سوره تحریم آیه/۱۰

۲- سوره ملک آیه/۱.

چیزی جز ظلم و ستم برای انسانیت ارمغان دیگری ندارند. و هم چنان روح آیه نشان از سیاست در دین اسلام دارد. منبع حاکمیت در اسلام، قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ می باشد.

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾^۱ «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی. بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟».

آیه فوق در سوره ملک این پیام را به ما می دهد که وقتی با مشاهده چشمان مسلح و غیر مسلح کدام شگافی در آسمان پهناور جهان دیده نمی شود، باید به قدرت مطلق پرودگار اعتراف نمائیم؛ ذاتی که نه تنها آسمان بالای سرمان، بلکه هفت طبق آن را همین گونه آفریده است، پیام دیگر این آیه به آنانی است که دم از ساینس و تکنالوژی می زنند، و آن اینکه بسیاری از کرات زیر آسمان و دیگر اجرام را مشاهده می کنند، اما از اینکه الله متعال از شاهرگ گردن به آنان نزدیکتر است غافل اند.

﴿أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا﴾^۲ «خدا را بپرستید، و از او بترسید، و از من فرمانبرداری کنید».

مقام رسول از نبی بالاتر است، آنگاه که رسول به سوی قومی فرستاده می شود، پیامش به آن مردم همان پیامی است که حضرت نوح علیهِ السلام به قوم خود گفت: «بندگی الله را بنمایید و از من اطاعت کنید». بنابراین رسالت و ماموریت رسول به تناسب نبی خاص تر می باشد. رسول با یک برنامه مدون و

۱- سوره ملک آیه/۳.

۲- سوره نوح آیه/۳.

مستقل از جانب خداوند متعال برای هدایت بشر فرستاده می شود، اما ماموریت نبی محدود است، و همچنین، نبی مکلف است تا از راه رسول پیروی کند و دیگران را به روش رسول فراخواند. نکته دیگر به عنوان فرق بین رسول و نبی این است که محافظت خاص از رسول بر عهده الله است و هیچ کسی رسول را شهید کرده نمی تواند و همیشه رسولان خداوند متعال غالب بودند؛ بالعکس بسیاری از نبیان بودند که توسط بنی اسرائیل به شهادت رسیده اند، مانند حضرت زکریا و حضرت یحیی علیه السلام.

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ. وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾^۱ اما انسان! همین که پروردگارش او را بیازماید و برای این کار او را بزرگی ببخشد و بدو نعمت بدهد، خواهد گفت: پروردگام مرا بزرگوار و گرامی و محترم و مکرم دیده است! (و این عزت و نعمت، حق من و شایسته من است) و اما زمانی که پروردگارش او را بیازماید و برای این کار روزی او را تنگ و کم نماید، خواهد گفت: پروردگام مرا خوار و زبون داشته است (و با فقر و فاقه، ذلیل و حقیر نموده است)

مفهوم و پیام آیات مبارکه فوق این است که اگر کسی بگوید که پروردگام من را ذلیل کرد و یا پروردگام من را عزت بخشید در این نوع کلام توحید مکمل است؛ چراکه نعوذ بالله نگفت که فلان بت من را ذلیل و یا خوار کرد، پس اصل مشکل در کجاست؟ مشکل در این است که اگر در این دنیا هر اندازه وسعت رزق و روزی نصیب انسان شد این را عزت و اکرام برخورد ندانسته بلکه این وسعت در واقع امر امتحان است، و اگر تنگی رزق و روزی

نصیب انسان شد این را نیز ذلت و اهانت نپنداشته بلکه این نیز امتحان الهی است؛ الله تعالی با داد و گرفت نعمت‌ها و فراخی و تنگی آن، در واقع بندگانش را به صحنه امتحان وارد نموده و که آیا شکر نعمات و صبر در مقابل نامالایمات دارند یا خیر؟ و البته این را فراموش نباید کرد که امتحان بنده در مقابل نامالایمات و سختی‌ها بالاتر از امتحان در مقابل نعمات است، چراکه در مقابل مصایب و مشکلات انسان بیشتر به یاد الله متعال است، بناءً عزت حقیقی انسان در گرو موفقیت‌اش در امتحانات زندگی است و موفقیت در این آزمون‌ها سبب ورد به بهشت می‌باشد که در آنجا عزت انسان به کمال می‌رسد.

﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى. يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾^۱ در آن روز دوزخ را حاضر آورند (و نشانش دهند). در آن روز انسان به خود می‌آید، ولی چنین به خود آمدنی کی سودی به حال او دارد؟! خواهد گفت: کاش برای زندگی خود (خیرات و حسناتی) پیشاپیش می‌فرستادم!

مفهوم آیات مبارکه فوق این است که در روز قیامت انسان به این نتیجه می‌رسد و یقین حاصل می‌کند که چه توشه‌ای را با خود به همراه آورده اما افسوس که این گونه یادآوری هیچ سودی به حالش نخواهد داشت، اگر انسان در این دنیا مسیر قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ را اختیار نکند، و برای تطبیق و نشر پخش قرآن و سنت تلاش نورزد و برای سعادت آخرت خود اقدام نکند، از گروه زیانکاران خواهد بود، اما کسی که این فرصت دنیا را ضایع ساخت با خود می‌گوید ای کاش برای زندگی (آخرت) خود چیزی

می فرستادم، و ای کاش به زندگی چند روز کوتاه دنیا فریب نمی خوردم چراکه زندگی دنیا جز یک وقفه کوتاه چیزی بیش نبود، وقفه‌ای که برای امتحان بود تا انسان مورد آزمایش الهی قرار گیرد.

﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۱ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ۲ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۳ وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ۴ وَالسَّمَاءَ وَمَا بَنَاهَا ۵ وَالْأَرْضَ وَمَا طَحَاهَا ۶ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۷ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۸ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۱۰﴾^۱ به خورشید و گسترش نور آن سوگند! و به ماه در آن هنگام که بعد از آن در آید و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد و قسم به شب آن هنگام که صفحه زمین را بپوشاند و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده. و قسم به زمین و کسی که آن را گسترانیده. و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده.

حکمت سوگندهای متعدد الله متعال در این سوره تأکیدی بر اهمیت نفس در وجود انسان می باشد، نفس انسانی از نفس حیوانی برتری دارد، و دلیل آن این است که در نفس انسانی خداوند حس فرق بین خیر و شر را به ودیعت نهاده است، و به تعبیری دیگر از آن به ضمیر و وجدان یاد شده است، قرآن کریم و سنت مطهر نبوی ﷺ دو وسیله‌ای اند که میتوان با رهنمودهای آنها به تقوای واقعی دست پیدا نمود، اعمال صالح انجام داد و روح و روان خود را با آنها آبیاری نموده و از کالبد جسم بسوی الله متعال عروج داد.

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾^۲ («نه» سوگند به این شهر).

۱- سوره شمس آیات ۱/ الی ۱۰.

۲- سوره بلد آیه ۱.

با نه آغاز کردن و سپس کلام را با سوگند ادامه دادن به این معناست که مردم یک چیز نادرست و غلط می گفتند که در رد آن فرموده شده است نه، آن گونه شما پنداشته اید نیست، بلکه من در مورد های مختلف سوگند یاد میکنم که واقعیت چنین نیست و مضمون بعدی بر آن دلالت دارد.

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى﴾^۱ «اما آن کسی که طغیان کرده».

کسی که از مقام بندگی سر باز زند و اسیر قدرت و سلطه گردد، در واقع این چنین کسی در مقابل خداوند متعال طغیان و سرکشی نموده است، وظیفه انسان مسلمان بندگی خالق جهان است، و این بندگی دارای حدود تعیین شده ای می باشد که هرگاه انسان از آن تجاوز کند، در حقیقت از بند بندگی بریده و سر به طغیان زده است.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى. وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى. وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى. إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾^۲ «سوگند به شب و آنچه را که می پوشاند، و به روز سوگند در آن هنگام که جلوه گر و روشن می گردد و به آن که نر و ماده را می آفریند، همانا سعی و تلاش شما جوراجور و گوناگون است».

پیام و مفهوم آیات ابتدایی سوره مبارکه لیل این است که، هر انسانی روزانه با کار و تلاش خود مزدوری می کند تا چیزی بدست بیاورد، چنین کسی با تلاش و زحمات خود از راه حلال کسب در آمد نموده و با این کار سبب جلب رحمت خدا بر خود و خانواده اش میگردد و در نتیجه با این کار خود را لایق و سزاوار بهشت می نماید. و در طرف دیگر قضیه کسی دیگری است که منبع عایدش از راه حرام، مردم آزاری، دروغ و غش و خیانت است،

۱- سوره نازعات آیه/۳۷.

۲- سوره لیل آیات/۱-۴

چنین انسانی هرگاه در اخیر روز وارد خانه‌اش گردد، در واقع خشم و غضب پروردگار را انتقال داده و با این کار خود را لایق و مستحق دوزخ نموده است. هر انسانی در حوزه زندگی بر مبنای انگیزه‌هایش تلاش می‌نماید، این تلاش و تکاپو از انسانی تا انسانی دیگر می‌تواند متفاوت باشد، همانطوری که شب با روز کاملاً متفاوت است، بناءً، این تفاوت در تلاش‌های انسانها در زندگی نیز صدق می‌کند.

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾^۱ «کسی که (در راه خدا دارایی خود را) بذل و بخشش کند، و پرهیزگاری پیشه سازد (و از آفریدگار خویش بهراسد) و به پاداش خوب (خدا در این سرا، و خوبتر خدا در آن سرا) ایمان و باور داشته باشد».

در این آیات مبارکه به سه صفت نیک اشاره شده در صورتیکه انسان متصف به آنها گردید، در واقع به مسیر خیر و کمال در حرکت است، بالعکس این اوصاف سه صفت دیگر است که در مقابل آنها قرار دارد، در حقیقت مسیر حرکت انسان به سوی شر خواهد بود. اولین صفت نیکی که در آیات به آن اشاره شده، صفت سخاوت و بخشش است (اعطی). صفت دوم از اوصاف سه گانه فوق در آیات، صفت بیداری در انسان است (واتقی) به این معنی که انسان باید همواره بیدار باشد تا فریب شیطان و خواهشات نفسانی را نخورد و در دام‌های هموار شده شیطان گرفتار نشود، زندگی‌اش را در محور قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ قرار دهد. صفت سوم از اوصاف سه گانه صفت صداقت، حق‌گویی و پذیرش حق است (صدق بالحسنی)،

هرگاه حق برایش آشکار شد بر قبول حق خود را آماده نموده و تسلیم سخن حق می‌گردد، و هیچ‌گونه ترسی به از دست دادن دوستان و منافع مادی زندگی در دل خود راه نمی‌دهد، بناءً هر کسی که متصف به این صفات سه گانه گردد مسیرش به طرف جنت پرودگار خواهد بود.

﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ۖ ۸ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ ۹ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ﴾^۱ «و اما کسی که تنگ چشمی بکند و خود را بی‌نیاز (از خدا و توفیق و پاداش دنیوی و اخروی الهی) بداند و به پاداش خوب (خدا در این سرا، و خوبتر خدا در آن سرا) ایمان و باور نداشته باشد. او را آماده برای سختی و مشقت (و زندگی بس مشکل و ناگوار دوزخ) می‌سازیم».

در این آیات به سه صفت شر اشاره شده که در مقابل صفات خیری که در آیات ماقبل شان تذکر رفته، می‌باشد، اوصاف متذکره در این آیات بیانگر این حقیقت است که، انسان در مقابل انجام امور نیک بی‌پروا باشد، اسیر خواهشات نفس و شیطان گردد و هرگاه سخن حق را شنید نه اینکه قبول نکرده بلکه در پی تکذیب آن کمر ببندد، بناءً هرکسیکه متصف به این صفات مذموم باشد در واقع مسیرش به طرف دوزخ خواهد بود.

برای فهم درست از موضوع خوب است که به نکات ذیل اشاره‌ای داشته باشیم، علماء گرامی فرموده‌اند که تمام اساسات دین مقدس اسلام را این چهار حدیث نبوی احتواء نموده است، و توجه بر محتویات احادیث چهارگانه نبوی ما را به موضوع نزدیک می‌سازد.

اول: توجه به نیت:

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِي حَفْصٍ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ بْنِ نُفَيْلٍ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى بْنِ رِيَّاحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قُرْطٍ بْنِ رِزَّاحِ بْنِ عَدِيِّ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيٍّ بْنِ غَالِبِ الْقُرَشِيِّ الْعَدَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصَيِّبُهَا، أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ».^۱

از حضرت عمر بن الخطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت شده که گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: همانا ثواب اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس نتیجه نیت خود را درمیابد، پس کسی که هجرت او بسوی خدا و رسول او است ثواب هجرت بسوی خدا ورسولش را در می یابد و کسی که هجرتش بسوی دنیا باشد بآن میرسد یا هجرت او برای ازدواج با زنی باشد، پس هجرت او بسوی چیزیست که برای رسیدن به آن هجرت نموده است.

دوم: اجتناب از امور بیهوده و پوچ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَالًا يَعْنِيهِ^۲ از ابی هریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که: رسول الله ﷺ فرمود: از حسن و نیکویی اسلام شخص ترک امور بی فایده است.

یعنی از نشانه‌های خوبی انسان مسلمان این است که آنچه را که بی معنی و پوچ است (و یا به او تعلق ندارد) ترک می کند.

سوم: خیرخواه بودن به مسلمانان:

۱- متفق علیه.

۲- ترمذی.

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۱ از انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که: پیامبر ﷺ فرمود: مؤمن شمرده نمی‌شود یکی از شما تا دوست داشته باشد برای برادرش آنچه را برای خویش دوست می‌دارد.

چهارم: پرهیز از امور مشکوک:

وعن الثَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ، وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ، اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ، وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمَهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ: أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ»^۲.

از نعمان بن بشیر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت شده است که، گفت: از رسول الله ﷺ شنیدیم که می‌فرمود: همانا حلال واضح است و حرام واضح است و در میان آن دو امور مشتبهی وجود دارد که بسیاری مردم آن را نمی‌دانند پس آنکه از مشتبهات پرهیزد برای دین و آبروی خود پاکی جسته است و آنکه به مشتبهات آلوده شود، در حرام افتاده است، مانند چوپانی که در اطراف چراگاه ممنوعه می‌چراند نزدیک است که گوسفندان در آن وارد شود، و آگاه باشید که هر پادشاهی چراگاهی ممنوعه دارد و چراگاه ممنوعه خدا چیزهاییست که حرام نموده است، آگاه باشید که در جسم پاره گوستی است

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

که اگر صالح شود، همهٔ جسد درست و صالح می‌گردد و اگر فاسد گردد تمام جسم فاسد می‌گردد و بدانید که آن قلب است.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۱ «همانا انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم».

مفهوم و پیام آیهٔ مبارکهٔ فوق، ردی بر ادعاهای فیلسوف‌نماییانی است که عقیده دارند در انسان هیچ چیز خوب دیده نمی‌شود، بلکه هر آنچه در انسان وجود دارد، بدی است؛ مانند: شهوت، شکم، قهر، خشم و...؛ اما خداوند که آفریدگار انسان است، این مخلوق زیبای خود را توصیف نموده و خلقتش را به بهترین صورت بیان می‌دارد. بهترین شکل و شمایل برای انسان داده شده است، و انسان را بر خوردار از روح الهی نموده است، روحی که انسان را به اوج ارتقاء می‌دهد و صف انسان را از دیگر حیوانات جدا می‌سازد، و اگر دیده می‌شود که گاهی عده‌ای از انسان‌ها اسیر شهوت و امیال انسانی گردیده اند، این تقصیر به عدم تربیت درست انسان بر می‌گردد، اگر انسان مطابق با تربیت ربانی آراسته گردد، گل سرسبد انسان و انسانیت می‌باشد.

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲ «بگو: هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما مقرر داشته است. او پشتیبان و سرپرست ماست. و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

انسان مؤمن باید همواره این آیه را در ذهن خود بسپارد و یقین کامل داشته باشد که بدون اذن خداوند، هیچ مصیبتی به سراغ انسان نمی‌آید و هر گاه

۱- سوره تین آیه/۴.

۲- سوره توبه آیه/۵۱.

انسان دچار مصیبت شد، باید بداند که در وراء آن حکمتی نهفته است و بر اوتعالی توکل نموده و تمام امورش را به او بسپارد.

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۱ «به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر به الله شرک آوری، تمام اعمالت تباه می شود و از زیانکاران خواهی بود».

در قانون الهی هیچ کسی در صورتی که مرتکب گناه و شرک شود، مستثنی شده نمی تواند، حتی اگر پیامبران هم معاذالله دچار قصور و کوتاهی شوند، الله آنان را مورد پیگرد قرار خواهد داد.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲ «همانند کسانی نباشید که خدا را از یاد بردند، و خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد. آنان بیرون روندگان (از حدود شرائع الهی) و خارج شوندگان (از دایره ایمان) هستند».

هرگاه انسان دچار فراموشی و غفلت از یاد پروردگارش گردد، در نتیجه به مرض خود فراموشی و بیگانگی از خود دچار می گردد که این می تواند بدترین نوع مرض برای انسان باشد و صدمات جبران ناپذیری بر او وارد سازد.

۱- سوره زمر آیه/۶۵

۲- سوره حشر آیه/۱۹

پیام‌های قرآنی

❖ زن از دیدگاه دین مسیحیت نهایت کم ارزش است، چرا که راهبان نصرانی، آمیزش با زن را بر خود حرام نموده‌اند و زن را موجودی مضر و شیطان صفت می‌دانند؛ بر عکس، مقام و منزلت زن در اسلام بسیار بلند است تا جایی که سوره ای در قرآن کریم به نام زنان نازل گردیده است.

❖ تذکر به «ایام الله» در سوره‌های ابراهیم و جاثیه که به آن اشاره شده، در واقع تذکر و یادآوری به عذاب‌های نازل شده الهی بر اقوام مختلفی مانند عاد، ثمود و لوط می‌باشد.

❖ تذکر قرآن کریم بر اعلی بودن الله، به معنی یادآوری از قدرت، خلقت و نعمت‌های بی‌شمار الله است.

❖ وحی و یا وسوسه‌های شیطانی که در قرآن کریم از آن تذکر رفته است؛ ﴿يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ...﴾^۱ این کار (ذریعه پُف کردن در گوش) توسط شیاطین جنی بر شیاطین انسی جهت ایجاد شر و فتنه‌انگیزی صورت می‌گیرد؛ بناء برای دفع وسوسه‌های شیطانی سه مرتبه گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» و سه مرتبه گفتن «اعوذ بالله من الشيطان

الرجیم» و انداختن آب دهان به طرف چپ در صورت امکان، نهایت تاثیر را دارد.

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن بدش می آید، پس باید که سه بار از طرف چپ خویش آب دهان انداخته و سه بار از شیطان به خدا پناه جوید و باید از طرفی که خواب بوده به پهلوی دیگر برگردد»^۱.

❖ در عالم امر یعنی (کن فیکون) به اسباب مادی نیازی نیست؛ مثلاً وحی، فرشتگان و روح انسانی در آن واحد به آسمان هفتم رفته می توانند؛ لیکن در عالم خلقت و ماده، توسل به اسباب و وسایل نیاز است، مانند طفل در رحم مادر نه ماه سپری می کند تا قدم به دنیا بگذارد. هم چنان تمام قوانین عالم امر و خلقت از هم کاملاً مختلف و جدا اند.

❖ مفهوم امر پروردگار در مورد صبر و شکیبایی ﴿فَاصْبِرْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ در آیه ۸۵ سوره مبارکه حجر، یعنی ای پیامبر! گذشت زیبایی داشته باش، بزرگووارانه و حکیمانه به دعوت خود ادامه بده و در برابر آزار و اذیت های کفار شکیبایی نما؛ چون با صبر کردن درجه و مقام انسان بالا می رود.

❖ هنگام دعا و درخواست نیاز از الله متعال، انسان باید حالت گریه و تضرع به خود گرفته و شیوه خفیه در دعا کردن را رعایت نماید و دعای انسان بین خوف و رجاء باشد، خوف از جهت عذاب الله متعال و امید به استجابت خواسته و نیاز و اینکه الله متعال نهایت مهربان و بخشنده است.

❖ در قرآن کریم سرگذشت شش تن از پیامبران الهی تکرار آمده است که عبارت اند از: نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی علیهم السلام، و این

بدان جهت است که عرب ها از سرگذشت این پیامبران اطلاعاتی در دست داشتند و هر قومی که این شش پیامبر را تکذیب نمود، مستحق عذاب الهی گردید.

❖ منظور از "انباء الرسل" (سرگذشت پیامبران)، در واقع داستان های است که مفصل تر در قرآن ذکر شده است، و منظور از "قصص" انبیاء، داستان های کوتاه از سرگذشت پیامبران است که قرآن کریم به گونه ای مختصر به آن پرداخته است.

❖ منظور از توکل بعد از تصمیم در قرآن کریم ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ به هنگام تصمیم نهایی باید توکل بر خدا داشته باشیم؛ یعنی در عین فراهم نمودن اسباب و وسایل مادی، استمداد از قدرت بی پایان پروردگار را فراموش نکنیم. البته معنای توکل این نیست که انسان از وسایل و اسباب پیروزی که خداوند در جهان ماده در اختیار او گذاشته است، صرف نظر کند؛ بلکه منظور این است که انسان در چهار دیوار عالم ماده، و محدوده قدرت و توانایی خود محاصره نگردد و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد، این توجه مخصوص، آرامش و اطمینان و نیروی فوق العاده روحی و معنوی به انسان می بخشد که در مواجهه با مشکلات تاثیر بزرگی خواهد داشت.

❖ منظور از ﴿بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ﴾ در سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۷، ایمان بر الله تعالی، روز آخرت و رسول اکرم ﷺ می باشد.

❖ منظور از ﴿وَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا...﴾ در سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۰، شبیه و نظیر و مانند همتا برای الله متعال می باشد.

❖ مفهوم ﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ﴾ در سوره مبارکه ابراهیم، یعنی الله تعالی آنچه را که ما نیازمندیم، به طور شعوری برای ما بخشش نموده است و بسیاری از چیزهای دیگری است که به طور غیر شعوری و ارادی که هنوز به آن دست پیدا نکردیم و در دایره اختیار ما نیست، ما را بهره مند نموده است؛ مانند اینکه کدام یک از غذاها چه نوع ویتامین هایی دارند و برای ما بسیار مفید است و علم طب تازه آن را کشف نموده و الله متعال از رحمت بی کران خود ما را برخوردار از آنان نموده است.

❖ انسان باید در انجام امور و افعال دینی، گزینه های بهترین را انتخاب و استفاده نماید، اما در انجام امور دنیوی، می تواند از گزینه های پایین تر استفاده کند، مثلاً هر اندازه از وقتی که امروز برای کار و تقویۀ دین صرف می کنیم، فردایش زیادتر از آن را به مصرف برسانیم.

❖ هر کس که تکبر در دل داشته باشد، الله متعال روی شان را از آیات قرآن کریم می گرداند و انسان متکبر نمی تواند به قرآن کریم نزدیک شود.

❖ تقاضای ادب این است هنگامی که ما حدیث پیامبر را می شنویم، باید ساکت باشیم و مباحثه نکنیم و بعداً می توانیم آن حدیث را تحقیق کنیم، چرا که امکان دارد شخصی که حدیث را می گوید، صحیح باشد و در عالم ناخبری ما حدیث را انکار کنیم.

❖ بنابر نداشتن بسم الله الرحمن الرحیم در اول سوره توبه، حضرت علی فرمودند: این سوره همانند شمشیر بدون نیام (غلاف) بالای مشرکان نازل گردیده است.

❖ منافقان به صیغه یا ایها الذین آمنوا در قرآن کریم خطاب شده اند چرا که آنان دعوای ایمان را داشتند.

❖ در غزوة تبوک خداوند متعال اشتراک منافقان را در غزوه منع فرمود، چون این‌ها می‌خواستند فتنه را بین مسلمانان ساده لوح (نیک دل) ایجاد کنند، یعنی من حیث یک مسلمان واقعی باید سخن هر کس را بدون تحقیق و بررسی دو جانبه قبول نکنیم که مبدا انسان در فتنه بزرگی گرفتار شود.

❖ فرق بین روشنی آفتاب (ضیاء) و روشنی مهتاب (نور) این است که روشنی آفتاب سوزندگی آن بسیار شدید بوده و روشنی مهتاب به شکل انعکاس نور است.

❖ اگر کسی بت و یا انسانی را به عنوان شفیع می‌گیرد، به این معنی است که در روز قیامت برای الله متعال معلومات داده که ای الله این شخص آدم نیکی است در حالی که او تعالی تاریخچه گذشته و آینده زندگی آن شخص و تمام خصوصیت‌هایش را می‌داند، آیا کسی هست که چنین سخن را برای الله تعالی بگوید و چنین معلوماتی به الله بدهد؟

"دجل" یعنی فریب و "دجال" صیغه ای مبالغه است به معنی بسیار فریب دهنده؛ قرائت سوره مبارکه کُهِف برای نجات و در امان ماندن از فتنه دجال نهایت موثر است؛ مظاهر دجال به اشکال مختلف تبارز می‌نماید؛ در عصر حاضر بزرگترین فتنه دجال، ماده و یا دنیا پرستی است؛ چرا که توجه بیش از حد به دنیا سبب شده تا در قضایای آخرت و معنویت پرده بیندازد؛ در حقیقت محبت و گرایش بیش از حد به دنیا بر اعمال، اخلاق، و افکار عمومی مردم غالب گردیده است، به گونه‌ای که همه در پی به دست آوردن اسباب مادی، رفاه، و عیش و نوش دنیا در حرکت اند، و آن ذاتی که مسبب الاسباب می‌باشد، متأسفانه به دست فراموش سپرده شده است.

امروز زمان پرستش ماه و ستاره و دیگر اجسام گذشته و انسان مدرن تر از آن است که به این اشیاء به عنوان خدا توجه کند؛ در عصر حاضر بزرگترین "مظهر شرک" همانا ماده و دنیا پرستی است؛ در سورة مبارکه کهف، داستان مردی ذکر گردیده که نهایت به باغ خرم سرسبزش دلبسته بود، داستان در این سوره به محبت بیش از حد به دنیا، غفلت از روز آخرت و توجه و توکل به اسباب مادی اشاره نموده و هشدار گونه، انسان ها را متوجه این خطر بزرگ می سازد که مبدا انسان چنین رویه ای را پیش بگیرد.

❖ الهام دو نوع است: ربانی و شیطانی؛ اما چگونه می توانیم تفکیک کنیم تا معلوم گردد کدام الهام رحمانی و کدام الهام شیطانی است؟ در جواب باید گفت: اگر آنچه به انسان الهام شده است مطابق به اصول شریعت اسلام باشد، آن الهام رحمانی است؛ و اگر مخالف با اصول شریعت اسلام باشد، آن الهام شیطانی است. و نکته دیگر این که خواب و الهام از جمله مصادر شرعی نیست، و حکمی بر آن مرتب نمی شود.

❖ در سورة مبارکه حج، لفظ "قانع و معتر" ذکر گردیده است؛ قانع غریبی را گویند که دست به تکدی و سوال دراز نمی کند؛ معتر به غریبی اطلاق می شود که دست به تکدی و سوال بر دیگران دراز می کند. یعنی بر هردو کمک و همکاری شود.

❖ مفهوم جمله ﴿وَلْيُنْصَرْنَ لِلَّهِ﴾ در آیه چهارم سورة مبارکه حج، به معنی مؤکدترین تأکید قرآن کریم است، و دلیل آن هم این است که هرگاه قبل از حرف مضارع (ی) حرف (ل) بیاید و در اخیر فعل مضارع (ن) مشدده داشته باشد، نشان مؤکد بودن امر الله متعال است، و این چنین پیام ها در واقع امر، می رساند که انسان مؤمن باید به وعده های الهی مطمئن باشد که

خداوند متعال از وی حمایت می‌کند، و هرگاه طناب امید که همانا حمایت الله است قطع گردد، پس برای انسان هیچ پناهگاه دیگری نیست.

محور و مقصد اساسی توحید در قرآن کریم خداوند می‌باشد؛ خداوند باید بزرگ‌ترین مقصد انسان مسلمان باشد و بر مقاصد دیگر انسان از قبیل مال، فرزند، تجارت و... تاثیرگذار باشد و همه آنان باید رنگ خدایی به خود بگیرند و شعار عملی انسان مؤمن در حیات دنیا این است، لا معبود الا الله لا مطلوب الا الله؛ لا مقصود الا الله؛ لا محبوب الا الله. در صورتی که ذهن و فطرت انسان دچار پستی و بی‌مایگی شود و از معرفت خداوند متعال شناختی حاصل نکند، اینجاست که انسان به جای الله، دیگری را معبود و مقصود خود قرار می‌دهد و آن را پرستش می‌کند، مانند: وطن پرستی، قوم پرستی، دنیا پرستی، نفس پرستی، طواف کردن به حریم ذات خود، و یا عاشق بودن حسن جمال خود و...

❖ محورهای دعوت اسلامی براساس امور سه گانه ذیل مبتنی می‌باشد:

۱- توحید (یگانگی الله)؛

۲- نبوت (رسالت انبیاء)؛

۳- معاد (روز آخرت).

در قرآن کریم هرگاه بحث از امور سه گانه فوق می‌شود، آغاز آن با خطاب "یا ایها الناس" است، چرا که توحید، نبوت و معاد اساس پایه ایمان را تشکیل می‌دهد و همه بشر مکلف به اقرار آن هستند.

❖ "فلق" پاره کردن و همچنان "فلح" نیز معنی پاره کردن را می‌دهد، شخصیت اصلی انسان که وابسته به روح است، در غلاف های مادی حبس

است؛ این غلاف های مادی را پاره نمودن و روح را از آن رها کردن، "فلاح" گویند. مانند دانه ای که در زمین کشت می شود، در نتیجه دانه بعد از طی مراحل دوران، جوانه می زند و تبدیل به نباتی کامل می گردد.

❖ کشف و الهام حجت و دلیل شرعی شده نمی توانند؛ بلکه حجت و دلیل در قضایای دینی و عقیدتی، قرآن کریم و سنت است.

❖ کلمه ﴿تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ﴾ در سورة مبارکه یوسف، به این معنی است که حضرت یوسف در محل و خانه عزیز مصر پرورش یافته بود، در جایی که تمام امور اقتصادی، سیاسی و معاشرتی مردم مصر مورد بحث و بررسی قرار می گرفت، به این ترتیب مفهوم جمله ﴿تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ﴾ این است که حضرت یوسف در فهم امور فوق الذکر، دست بالایی داشتند. مفهوم دیگری که از ﴿تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ﴾ به دست می آید، یعنی تعبیر خواب و یا قادر بر پی بردن عمق یک سخن تا موضوع به شکل درست گرفته شود.

❖ هر کس با شما نیکی نمود، باید در فطرت شما احساس احسان مندی نسبت به او ایجاد شود، و اگر چنین نشد، این نشان دهنده آن است که فطرت انسان دچار آسیب گردیده است؛ عقل سالم این را تقاضا می نماید که انسان باید منعم اصلی خود را فراموش نکند.

❖ "ساعة" در قرآن کریم به معنی روز قیامت است، روز تباهی و ختم دنیا و "قیامة" روز زنده شدن و قیام نمودن و ایستادن در مقابل الله برای حساب و کتاب است.

❖ آنچه در "رحم" یا ارحام است، تنها خداوند دانا به آن است و بس؛ در عصر حاضر علم طب توانسته جنس طفل را از حیث دختر و یا پسر بودن، معلوم نماید، که این کار مشکلی نیست؛ اما موارد بسیار مهم دیگری در

رابطه به چنین است که علم طب از کشف آن عاجز و ناتوان است، مانند این که آیا طفل در آینده بر خوردار از چه نوع زندگی می گردد؟ سطح هوش و توانایی ذهنی او چه اندازه است؟ دارای چه نوع اوصاف اخلاقی و اجتماعی در جامعه می گردد و... که جز خداوند متعال، کس دیگری به آن پی برده نمی تواند.

❖ برای کار دین، فهم قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ ضروری است، برای فهم صحیح از قرآن کریم نیاز به یک اراده قوی می باشد، هرگاه چنین اراده ای در ما ایجاد شد، به تعقیب آن توفیق خداوند نیز نصیب ما خواهد گشت.

❖ انسان موجودی فوق العاده و خلیفه پروردگار در روی زمین و مسجود ملائکه است. خداوند متعال انسان را بر خوردار از صلاحیت ها و اوصاف ویژه ای نموده است، بناء انسان باید از توانایی های داده شده از جانب خدا در مسیر رشد و انکشاف دین او تعالی استفاده نماید.

❖ احکام حجاب و بیرون شدن زن از خانه، در سورة مبارکه احزاب بیان شده، اما احکام حجاب زن در داخل خانه و معرفی اصناف محرم و نامحرم در سورة نور بیان گردیده است.

❖ برای فهم درست و تابیدن انوار قرآنی در قلب، باید قرآن کریم به "ترتیل" یعنی آهسته آهسته و با تدبیر تلاوت گردد.

❖ اگر آخرت وجود نمی داشت، پس نیکوکاران در زبانی سخت و غیر قابل جبران بودند؛ چرا که در زندگی دنیوی برعکس بدکاران، انسان های نیکوکار در محدودیت های گوناگون زندگی می نمایند.

❖ مسئولیت ما جد و جهد برای اقامهٔ دین اسلام است، و اینکه چه زمانی الله متعال دینش را بر ادیان دیگر غالب می‌سازد، بستگی به تلاش و کوشش ما داشته و نتیجهٔ آن نیز به ما مربوط نمی‌شود، یا به تعبیری دیگر کار ما فراهم نمودن مقدمات است، نتیجهٔ کار به الله متعال تعلق دارد.

❖ مسلمانان امروزی، قرآن کریم را در قول و شعار تکذیب نمی‌کنند، و نمی‌گویند که قرآن را قبول نداریم؛ اما در عرصهٔ عمل متأسفانه در تناقض و دوگانگی قرار دارند.

❖ در امور تجربی، ساینسی و عرصهٔ تکنولوژی، وظیفهٔ ما تلاش و ابتکار است، و همواره باید پیشرفت کنیم؛ اما در قضایای ثابت دینی و در حوزهٔ حلال و حرام، باید تسلیم صاحب شریعت باشیم.

❖ هرگاه محبت مال و اولاد، از محبت الله متعال بیشتر باشد، انسان خود را در فتنه انداخته است.

❖ در قرآن کریم "امر" به معنی مشوره نیز مورد استعمال قرار گرفته و اطاعت یعنی سخن کسی را اهمیت دادن و یا با توجه شنیدن است.

❖ در حقیقت مالک حقیقی مال و ثروت، الله تعالی بوده و انسان، مالک مجازی آن محسوب می‌گردد و به تعبیری دیگر، مال امانتی می‌باشد که از جانب خداوند در اختیار ما قرار گرفته است.

❖ توفیق الله متعال وابسته به اراده و حرکت ما می‌باشد.

❖ دعا صرف از الله جل جلاله خواسته می‌شود و این جزء توحید است.

❖ با مطالعهٔ سیرت پیامبر ﷺ، به این نتیجه می‌رسیم که اصل اسوهٔ حسنه، دعوت به سوی دین و اقامه آن است.

❖ نبوت پیامبر ﷺ به شخص‌شان تعلق داشت، و با رحلت‌شان از دنیا، کاملاً ختم گردیده است؛ اما رسالت پیامبر که دعوت انسان‌ها به سوی دین خداوند است، توسط جانشینان پیامبر (علماء) تا قیامت ادامه خواهد داشت.

❖ دین همه ملت‌های صاحب‌ادیان سماوی، اسلام است؛ چنانچه با مطالعه قرآن کریم کلمه اسلام و مسلم از زبان همه پیامبران جاری شده است و آنان برنامه‌شان را برنامه اسلامی معرفی می‌کردند؛ اما شریعت‌های‌شان بنا بر ظروف و شرایط حاکم در زمان‌شان با هم تفاوت داشت.

❖ هنگامی که مؤمنان در بهشت داخل می‌شوند، خداوند متعال برای‌شان می‌گوید این به سبب کارهای صالح و اعمال نیکویی است که به اینجا رسیده‌اید، لیکن انسان همواره باید نعمت‌ها را از سوی خداوند متعال دانسته و خواهان فضل و رحمت پروردگار باشد.

❖ در نماز توجه ضروری است؛ ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱ و مفهوم توجه، رو کردن، قصد پرستش و انجام عبادت است.

❖ سوره مبارکه فتح به ارتباط صلح "حدیبه" نازل گردیده و در آن بحث بیعت مطرح شده است. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُولِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲ «بی‌گمان کسانی که (در بیعة‌الرضوان حدیبه) با تو پیمان (جان) می‌بندند، در حقیقت با خدا پیمان می‌بندند، و در اصل (دست

۱- سوره انعام آیه/۷۹.

۲- سوره فتح آیه/۱۰.

خود را که در دست پیشوا و رهبرشان پیغمبر می‌گذارند، و دست رسول بالایی دست ایشان قرار می‌گیرد، این دست به منزله‌ی دست خدا است و) دست خدا بالایی دست آنان است. هر کس پیمان‌شکنی کند به زیان خود پیمان‌شکنی می‌کند، و آن کس که در برابر پیمانی که با خدا بسته است وفادار بماند و آن را رعایت بدارد، خدا پاداش بسیار بزرگی به او عطاء می‌کند».

بیعت با الله متعال و بیعت با رسول الله ﷺ صورت می‌گیرد. در هنگام بیعت مصافحه یعنی دست دادن ضروری است. و در این بیعت سه دست است ۱. دست الله ۲. دست رسول اکرم ﷺ ۳. دست کسی که بیعت می‌کند و در حقیقت این بیعت و پیمان با الله بوده و برای اقامه‌ی دین و توحید عملی، بیعت ضروری می‌باشد.

❖ تا زمانی که انسان به آخرت یقین کامل نداشته باشد، برایش اسلام معنا و مفهوم نداشته و در زندگی توأم با (فسق و فجور) و خوش گذرانی دل خوش است.

❖ معیت و همراهی خداوند با بندگانش ثابت است؛ اما چگونگی و کیفیت این همراهی بر ما هویدا نمی‌باشد؛ چرا که توان درک و فهم ما انسان‌ها محدود به ظروف و شرایط حاکم است. و سوال جهت پی بردن به این امر ما را دچار فتنه می‌نماید که باید از آن اجتناب نماییم.

❖ مصروف کردن زبان به ذکر، عقل به اندیشه و قلب را به فکر واداشتن از ضروریات تربیوی یک مسلمان محسوب می‌گردد. متأسفانه امروزه در حوزه‌ی ذکر و فکر، دوگانگی دیده می‌شود. قشر متصوفان ما از فکر کردن و رشد دادن فکر محروم اند و تنها توجه شان به ذکر خالی از فکر و اندیشه است. به همین قسم متفکران ما از لذت ذکر محروم اند و تنها به فکر

مطالعه و نوشتن کتاب و مقالات می باشند؛ حالانکه این مسئولیت یک مسلمان است که در هر دو جهت توجه نموده و توازن میان آن دو ایجاد نماید. یعنی با فکر و اندیشه با مطالعه قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ، عمق معلومات و افکار اسلامی خود را رشد بدهد و با یاد و ذکر الله متعال تعلقش را با آفریدگار مستحکم نموده و قلبش را از کینه و کدورت که زنگارهای قلب محسوب می شوند، صیقل دهد.

❖ ملکیت زمین بر دو قسم است: عشری و خراجی؛ زمین عشری به زمینی می گویند که صاحب آن مسلمان است و از آن ۱۰ و یا ۲۰ درصد عشر به بیت المال مسلمین پرداخت می نماید، زمین خراجی زمینی را گویند که متعلق به تمام مسلمان ها است و مربوط به افراد مشخص نیست؛ بلکه اداره آن مربوط ریاست اسلامی است و از عواید آن برای بهبود وضعیت مسلمانان استفاده می گردد و محصول و عواید آن مربوط بیت المال است.

❖ به باور امام شاه ولی الله دهلوی رحمته الله، جامعه زمانی رو به فساد گذاشته و از هم فرو می پاشد که مردم، به فعالیت های انحصارطلبانه و استثمارری روی بیاورند. در این صورت است که آن ها تلاش می کنند تا اموال دیگران را تصاحب کنند. این کار باعث بسته شدن تمام راه های درآمدزا و معاش آن ها خواهد شد. به نظر وی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، تأثیر شگرفی بر شخصیت بشر می گذارد. پس لازم است برای حفظ شخصیت و ارزش های اخلاقی، نظم اقتصادی عادلانه ای (توزیع عادلانه ثروت) در جامعه بشری بنیان نهاده شود؛ تا زمانی که چنین نظامی برقرار نشود، زیبایی شخصیت اجتماعی ظاهر نخواهد گشت. او هم چنین معتقد است که افراد جامعه مانند اندام های بدن هستند که به ندرت اتفاق می افتد در تمام وجوه

کامل باشند. شکاف طبقات اثرات بد و ناگواری از خود بر جای می گذارد، به این معنی که عده‌ای با ثروت انبوه مصروف عیاشی و خوش گذرانی می گردند و از طرف دیگر، عده‌ای از صبح تا به شام برای به دست آوردن یک لقمه نان، دست و پنجه نرم می کنند تا مصارف روز مره خویش را مرفوع سازند. بناء اگر نظام مالی بر اساس انفاق سالم نباشد، سبب هلاکت هر دو طبقه جامعه خواهد گشت.

❖ برای مومن نصب العین زندگی طلب آخرت است و اگر دنیا را نصب العین و هدف اصلی خویش قرار داد، ناکام می شود.

❖ هر کس بدون قرآن و سنت نبوی حاکمیت و ریاست امور مسلمانان را به پیش ببرد، دچار بزرگ‌ترین خساره و زیان گردیده است.

❖ نشان فضل خداوند متعال در دنیا ناز و نعمت نیست، آن چنان که عده‌ای چنین برداشت می کنند، با مطالعه سیرت پیامبر پی خواهیم برد که ایشان در زندگی با چه مشکلات بزرگی مقابله نموده و چه سختی هایی را در زندگی متحمل شدند، و این در حالی است که فضل خداوند از همه بیشتر شامل حال آن حضرت بود.

❖ قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام در همه اعصار و قرون است و تأثیر معجزه قرآن به مراتب از عصای حضرت موسی علیه السلام برتری دارد؛ چرا که عصای حضرت موسی در حیات شان و در دست خود شان تأثیرگذار بود، اما قرآن کریم از عصر پیامبر تا امروز، و از امروز تا روز قیامت، معجزه آسا است و همه دشمنانش را به چالش کشانیده و از جانب دیگر در دسترس همه انسان‌ها قرار دارد.

❖ هر کس عضویت "حزب الله" که در قرآن کریم به حزب خدا معرفی شده به خاطر پیروی از خواهشات نفسانی ترک و یا سلب عضویت نماید، وی از جمله منافقان محسوب خواهد گشت. عموم مردم نمی‌دانند که مقصد اساسی یک مسلمان در این دنیا، اقامه دین الهی بر روی زمین است، بناء تعامل با این مردم نیز نسبتاً آسان تر است؛ اما کسی که دانسته وارد این حزب می‌شود، سپس به خاطر سختی‌ها، مشکلات و تهدیدها مسیر را رها می‌نماید، تاوان کلانی باید پرداخت نماید. اما هرگاه مشاهده نمود که رهبران و قائدان، از مسیر منحرف شدند، در این صورت رها کردن و ترک نمودن برای شان گناه و تاوانی در پی ندارد.

❖ از عقاید و باورهای اهل سنت و جماعت با استناد به این فرموده الله متعال که می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ/ الله شما و هم آنچه را که می‌سازید آفریده است.»^۱ این است که خداوند، خالق انسان و خالق اعمال انسان است؛ اما ثواب و پاداش زمانی بر اعمال مرتب می‌شود که بر اساس نیت خالص برای الله متعال باشد.

❖ آنگاه که آیات عذاب در قرآن کریم تلاوت می‌شود، عکس العمل ما باید اینگونه باشد که این دعا را بخوانیم: "اللهم اجرنا و اعجزنا من ذالک" یعنی پروردگارا ما را از این عذاب نجات ده، طاقت و توان ما عاجز است.

❖ یکی از انواع شرک، شرک سیاسی است، که مظاهر آن به گونه‌های مختلف عرض اندام می‌کند:

۱- اینکه انسان دعوای حاکمیت مطلق را داشته باشد.

۲— هر قانونی را به میل خود بسازد و لو که بر خلاف قرآن و سنت نبوی باشد. در عصر کنونی مظاهر شرک سیاسی شکل عام را به خود گرفته است. خداوند متعال نمونه‌ای از نماد شرک سیاسی را در قرآن به نام فرعون به تصویر می‌کشد، همان کسی که ادعا می‌نمود آیا جویبارهای مصر مربوط من نیست؟ برای هر کس که بخواهم اجازه استفاده کردن می‌دهم و هرکسی را که بخواهم، محروم می‌نمایم. در قرون گذشته نظام‌های سیاسی بر اساس نظام پادشاهی مروج بود، و تقریباً یک نفر نماد شرک سیاسی بود؛ اما امروزه به نام دموکراسی، عده‌ای زیاد در لجنزار شرک سیاسی غرق اند، دیده می‌شود که عده‌ای با حق انتخاب به کسی رای می‌دهند که ظلم و فساد را گسترده نموده و در جهت نشر و پخش مظالم حتی توده‌ای از ملت‌ها را با خود شریک می‌سازند.

❖ عادت شریف رسول خدا در روزهای جمعه و عیدین این بود که معمولاً سوره‌های مبارکه اعلی و غاشیه را در نماز و خطبه تلاوت می‌کردند. و این کار را به این خاطر انجام می‌دادند که در این دو سوره، دستور قاطع از جانب الله متعال برای پند و نصیحت انسان‌ها صادر شده است.

❖ از آنجای که خداوند متعال بر بندگان لطف دارد، هیچ‌گاه دستور بالاتر از توان بر بندگان صادر ننموده است؛ چرا که اگر این امر صورت می‌گرفت، انسان مسؤولیتش معنا پیدا نمی‌کرد. یعنی هیچ کسی را خداوند متعال خارج از وسعتش مسؤول قرار نمی‌دهد، هر انسان طبق توان خود مکلف و مسؤول است.

❖ بالاترین حق خداوند متعال بر دوش بندگان، اقامه دین او در روی زمین است. و بالاترین حق پیامبر این است تا تبلیغ قرآن صورت گرفته و پیام

قرآن به جهانیان رسانیده شود، تا حجت الهی بر بندگان خدا کامل گردد، و با برقراری نظام عدل اسلام و پایان دادن به مظالم بشریت، دست ظلم و ظالمان کوتاه گردد. بناء برای برآورده نمودن این هدف مبارک و مقدس، امور ذیل روی دست گرفته شود:

۱- تلاش در جهت تحقق توحید عملی به گونه‌ای که عبادت تنها به نام الله انجام پذیرد و از احکام و دساتیر او تعالی با اخلاص کامل پیروی گردد؛

۲- خاص از الله متعال حاجات و نیازها خواسته شود؛

۳- تلاش برای دعوت انسان‌ها به عبادت و شناخت الله متعال؛

۴- در صورتی که تحت سایه نظامی زندگی می‌کرد که قانون آن منبع الهی ندارد، برای حاکمیت قانون الهی تلاش نماید تا دین خدا اقامه گردد.

❖ اوامر و نواهی خداوند متعال در کنار اینکه فواید زیادی به زندگی‌ها دارد، از جانبی امتحان الهی نیز محسوب می‌گردد؛ چنان‌چه خداوند متعال بنی اسرائیل را مورد آزمایش قرار داد، شیوه امتحان آنان اینگونه بود که در روزهای شنبه، بنی اسرائیل بنابر فرمان پروردگار از صید و شکار ماهیان نهی شده بودند، و بنا بر تقدیر الله متعال، ورود ماهیان در دریا خصوصاً در آن روز زیاد بود، اما در سایر ایام هفته از این کثرت خبری نبود، خداوند متعال خواست بنی اسرائیل را مورد آزمایش قرار دهد تا آنان شیوه صبر و شکیبایی را در زندگی‌شان بیاموزند.

❖ جادوگران، ستاره شناسان و دیگر عاملان گمراه توسط شیاطین، اسرار و اطلاعات مردم را به دست می‌آورند و سپس این طبقه گمراه (جادوگران) خود را ولی و اهل الله معرفی می‌کنند و از این طریق، به سرمایه‌های مادی‌شان می‌افزایند. به همین ترتیب، فال‌گیری یا طالع‌بینی،

یکی دیگر از کارها و اعمالی است که توسط این دسته از افراد، جهت فریب مردم صورت می‌گیرد.

❖ از دیدگاه عقیده اسلامی، جادو و نظر بد حقیقت دارد، آن‌عه از افرادی که نظر بد دارند، با تمرین زیاد و تمرین قوت ارادی خود، توسط چشم‌ها در یک جهت خاص به قصد زیان رساندن به طرف مقابل و مورد نظرشان تمرین می‌کنند و در نتیجه ضررشان به دیگران می‌رسد.

❖ انسان حتی در کار خیر عجله نکند؛ چون شاید تحت آزمایش باشد. به طور مثال موسی علیه السلام، پیش از وعده ای که داشت، به کوه طور برای هم کلام شدن با خداوند متعال رفت؛ حالانکه قرار برای چند روز بعد بود، وقتی که موسی علیه السلام آنجا رسید، خداوند از ایشان پرسید چرا زود و پیش از موعد آمدی؟ در پاسخ فرمودند که از شوق هم کلام شدن با ذات تو. خداوند متعال برای حضرت موسی علیه السلام فرمود به سوی قومت بر گرد و ببین به چه فتنه بزرگی مبتلا شده اند، و آن فتنه چیزی جز فتنه سامری نبود.

❖ کمک و یاری از خداوند با توسل به اسماء الحسنی خواسته شود. و نیکوست در هنگام دعا، به ترتیب گفته شود و یک بخش از بین اسماء الحسنی به شکل ترکیبی خوانده شود؛ مثلاً "المعز و المذل"، اگر تنها "المذل" را به شکل فردی ورد نماییم، تأثیر مثبت نخواهد داشت.

❖ امر به معروف و نهی از منکر در دین مبین اسلام جایگاه والا و بلندی دارد، چنانچه الله متعال امتیاز امت اسلامی را بر سایر امت‌ها، اقدام به امر معروف و نهی از منکر بیان می‌نماید. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اهمیت این قضیه چنین روایت شده است: «خداوند متعال به حضرت جبرئیل علیه السلام دستور داد که فلان قریه را بر سر ساکنانش زیر و رو

کن. جبرئیل فرمود: پروردگارا در میان‌شان کسی است که به اندازه یک چشم به هم زدن معصیت تو را ننموده است. اما الله متعال دستور اجرای هلاکت را صادر نمود و در جواب جبرئیل فرمود: (بلی انسان متقی بوده) اما هرگز در مقابل اعمال منکر آن قوم، چهره درهم نکشیده و چهره اش دگرگون نشده است»^۱.

❖ در انسان دو عنصر وجود دارد که هر کدام انسان را به طرف خود می‌کشاند: نفس و روح. مظاهر نفسانی در وجود انسان غریزه‌های مانند: شهوت، خواب، پر خوری و مستی می‌باشند که توجه انسان را به زمین و عالم خاک مبذول می‌دارند. بر خلاف روح، که از عالم امر الهی است و انسان را به سوی خداوند می‌کشاند، بناء انسان همواره بر این تلاش داشته باشد تا به روح خود توجه نموده و از پیروی هوای نفس که می‌تواند اضرار مهلکی به انسان وارد کند، اجتناب نماید.

❖ درس تربیتی قرآنی، جهت وقایه از خشم و غضب و هجوم و سوسه های شیطانی، پناه بردن به الله متعال با بیان این جمله مبارک است؛ اعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

❖ خداوند متعال به اثر ایمان و انجام اعمال صالح، به بندگان مؤمنش نور و فراست خاصی عنایت می‌کند. در این مورد پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «از فراست مؤمن بترسید! همانا مؤمن با نور خداوند نظر می‌اندازد».

❖ یکی از نکات مثبت اخلاقی در انسان این است: همانطور که عیوب دیگران را می‌بیند، به عیوب خود نیز توجه داشته باشد، و هیچگاه در باره هیچ کس از بندگان خداوند متعال، بدون علم و تحقیق قضاوت نکند،

اول اصلاح خود بعدا به اصلاح دیگران پرداختن، رمز موفقیت و کامیابی انسان است.

❖ دل بستن بیش از حد به دنیا، در قرآن کریم مورد نکوهش الله متعال قرار گرفته است. در سوره مبارکه کُهِف خداوند متعال از مرد صاحب یک باغ یادآوری می‌کند که بی‌نهایت به باغ خود دل بسته بود و توکل به الله نداشت، و غفلت او از یاد خدا و دلبستگی زیاد به دنیا، سبب هلاکت باغش گردید.

❖ در قرآن کریم دوستی با دوستان خدا دوستی با خداوند است، و دشمنی با دوستان خدا دشمنی با خداوند است؛ چنانچه در حدیث قدسی نیز روایت شده است: «هر کس با دوستم دشمنی کند، پس از سوی من با او اعلان جنگ است».

❖ لب و لباب توحید، این است که مطلوب و مقصود بنده مؤمن، الله متعال باشد. کسانی که به خدا نمی‌رسند، علتش در انتخاب خودشان است؛ چون اگر انسان خدا را انتخاب نماید، حتما در راه رضای او تعالی نیز قدم بر می‌دارد. برای رسیدن به خداوند متعال، در قدم نخست شناخت و معرفت لازم است و اگر این شناخت نصیب انسان شد، آنگاه دیگر نیازی نمی‌بیند تا به دروازه‌بندگان بکوبد.

❖ علامه اقبال لاهوری رحمته الله می‌فرمایند: «خوار از مهبجوری قرآن شدی» مفهوم این شعر و سخن‌شان این است که اگر کسی ادعای ایمان‌داری می‌کند و اما روش عملی زندگی وی بر خلاف خواسته و آموزه‌های قرآنی باشد، نمایانگر این است که حقیقتاً به قرآن ایمان کامل ندارد، چون نوع عملکردی که مخالف قرآن است، نشان از تکذیب آن می‌باشد.

❖ احساس ایمانی به الله متعال باید به گونه‌ای قوی باشد که الله متعال همیشه در نزد انسان حاضر و ناظر دانسته شود؛ چرا که غفلت از خداوند سبب می‌شود تا نفس و شیطان انسان را گمراه کنند، بناء یکی از حکمت‌های ادای نمازهای پنجگانه در شبانه روز، بروز شدن یاد الله متعال در دل و روح روان بنده است.

❖ انسان مؤمن باید در مقابل طاغوت و طاغوتیان، مانند کوهی شامخ، سر بلند و ثابت قدم باشد، و هیچگاه در مقابل آن احساس حقارت نکند.

❖ انسان مؤمن در همه امور زندگی‌اش میانه‌رو و عاقبت اندیش است. و متوجه آواز خود بوده و بالاتر از حد نیاز آواز بلند نمی‌کند.

❖ عبادت نماز به سه حصه تقسیم می‌شود:

۱- انجام رکوع و سجده که رسم و یا ظاهر عبادت گفته می‌شود؛

۲- توجه به اعمال باطنی نماز از قبیل خشوع و فروتنی و تواضع؛

۳- انجام عبادت با عشق، علاقه و محبت قلبی به الله متعال.

❖ اجتناب از گناهان کبیره و توبه از آن، لازمه ایمان است. از گناهان صغیره نیز باید تا حد امکان اجتناب صورت گیرد، چرا که انجام مکرر گناهان صغیره، سبب داخل شدن انسان به گناهان کبیره می‌گردد.

❖ رسیدگی به خواسته‌های نفسانی از راه حرام، نشان‌دهنده این است که انسان نفسش را معبود خود قرار داده و اسیر و بنده نفس خود گردیده است.

❖ اعمال نیک و بد قلب بر ظاهر انسان تأثیر بسزایی دارد، بناء اگر قلب انسان دچار گناه و معصیت شد، آثار آن بر چهره انسان ظاهر می گردد، و اگر انجام اعمال صالح و نیک را پیشه خود نمود و با انوار الهی روشن شد، آثار نور الهی در چهره و ظاهر انسان هویدا خواهد گشت.

❖ انسان مؤمن با انجام کار نیک نوعی آرامش درونی در خود احساس می کند، چرا که یکی از نشانه های ایمان، آرامش ایمانی می باشد، آن چنان که در حدیث شریف بیان شده است: «ابی اُمَامَه می گوید: مردی از رسول خدا پرسید ایمان چیست؟ فرمودند: هر وقت از انجام کارهای نیکو احساس خوشحالی نمودی و از کار های زشت تنفر داشتی، مؤمن هستی»^۱.

❖ انفاقی که برای اقامه دین خداوند متعال باشد، "قرض الحسنه" می گویند، و الله متعال آن را به ذمه خود می گیرد، زکات و دیگر وجوهات انفاق در ردیف صدقات محسوب می گردند.

❖ از علامت های بیماری قلب که در قرآن کریم تعبیر "فی قلوبهم مرض" به کار رفته است، محبت بیش از اندازه به دنیا می باشد.

❖ تعلیم زبان عربی برای فهم درست دین، یک ضرورت اساسی است؛ بناء به عنوان یک وظیفه دینی جهت تعلیم زبان عربی همان طوری که اولاد خویش را جهت فراگیری دیگر زبان ها تشویق می کنیم، اقدام عملی روی دست گیریم، تا انوار الهی هنگام تلاوت قرآن کریم بر قلب ما نازل گردد.

❖ ما برای تربیت اولاد خود بر اساس دستورات و رهنمایی دین، کمتر همت به خرج می دهیم؛ و برای تعلیم امور دنیای شان حاضریم به هر گوشه دنیا آنان را بفرستیم، نهایتاً نتیجه این بی توجهی یا کم توجهی، سبب مشکلاتی

برای ما و اولاد مان گردیده و سرانجام سبب شکوه‌ها و گلایه‌ها از وضعیت نا مطلوب تربیت شان می‌شود.

❖ راه نجات از ارتکاب اعمال سه‌گانه ذیل توبه فوری می‌باشد:

۱- قنوت و تعظیمی که به الله باید اداء گردد، به غیر خدا حرام است، و اگر کسی چنین عملی انجام داد، توبه فوری لازم است؛

۲- کمک خواستن از غیر الله؛

۳- انجام اعمال خیر به هدف خشنودی بندگان که ریاء می‌باشد، در احادیث نبوی از ریاء به شرک اصغر تعبیر گردیده است.

❖ پیروی از هوای نفس و شیطان در حد اندک آن‌هم، کفر عملی محسوب گردیده، بناء باید از آن توبه صورت گیرد.

❖ به تعبیر حدیث پیامبر اسلام ﷺ، همکاری و تقویۀ نظام طاغوتی، انسان را در سلک آنان قرار می‌دهد، و کسی که در سایه نظام طاغوتی زندگی می‌کند، باید در حد ضرورت از اسباب زندگی استفاده نموده و با نظام طاغوتی همکاری ننماید، و از انسان مسلمان و آزاده، چنین توقع می‌رود تا مال و انرژی خود را در راه سقوط نظام طاغوتی، به مصرف برساند.

❖ انسان خود برای خویش زندان آباد می‌کند، در جوانی از نفس و شیطان پیروی می‌کند و هنگامی که پیر می‌شود، قادر به این نیست که خود را از قید زندان آن آزاد سازد. (در جوانی جان گرگت را بگیر، وای گر این گرگ گردد با تو پیر).

❖ گاهی اوقات انسان با خود می‌گوید، من در بعضی از امور دنیوی ناکام شدم و به هدف و آرزوی خود نرسیدم، اگر من فلان کار را انجام

می دادم، کامیاب می گردیدم. یا گاهی اوقات بنا بر حکمت الهی، انجام کار به تاخیر می افتد و در نتیجه انسان مأیوس می گردد؛ باید توجه داشت که در واقع نرسیدن به همه آروزها و تأخیر در انجام کارهای دل خواه، خیر و برکاتی نهفته است که ما از درک آن عاجزیم؛ «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ/ لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد، و خدا می داند و شما نمی دانید»^۱.

❖ بنا بر باور و عقیده اسلامی، همه امور به الله متعال بر می گردد و اوتعالی هیچ وقت در حق بنده اش ظلم روا نداشته و خیر بندگان را می خواهد.

❖ الله متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ ای مؤمنان! قطعاً بعضی از همسران و فرزندان تان دشمنان شما هستند (که شما را از راه خدا باز می دارند) پس از ایشان خویشتن را بر حذر دارید. اگر عفو کنید و چشم پوشی نمایید و ببخشید (خدا هم شما را مشمول عفو خود می کند) چرا که خداوند بخشنده مهربان است»^۲.

خانه و خانواده کانون مهر و محبت می باشد که انسان باید در آن انس و الفت بگیرد، بناء اگر گاهی اوقات در خانه اختلافاتی بوجود آید، باید انسان از آن چشم پوشی نماید تا بدین وسیله بتواند کاروان زندگی را به مقصد

۱- سوره بقره آیه/۲۱۶.

۲- سوره تغابن آیه/۱۴.

رساند، نهایت تلاش صورت گیرد تا خانه تبدیل به میدان جنگ نگردد، اگر بر اطفال بسیار سخت‌گیری شود، این کار سبب تأثیرگذاری ناگوار و منفی در روان آن‌ها خواهد گشت.

❖ یکی از راه‌های فهم و شناخت شخصیت دیگران که در کدام موقعیت دینی و اجتماعی قرار دارد، توجه به تربیت اولادش است که آیا آن‌گونه که باید تربیت شوند، فرزندانش را تربیه نموده و گام‌های مؤثر در تربیت شان برداشته است؟ آیا اولادش مطابق به معیارهای اسلامی تربیت شده‌اند؟ یا تنها به ایشان توجه محض دنیوی صورت گرفته و از این طریق منبع عایدات مالی وی قرار گرفته‌اند؟ با این نوع نگاه، همه ارزش‌ها هویدا می‌گردد.

❖ قرآن کریم روح را در بدن انسان زنده می‌سازد و باعث می‌شود که روح به سوی خداوند عروج کند.

❖ ایمن شدن از قهر و غضب خداوند متعال در انجام اعمال نادرست به این بهانه که خداوند غفور و رحیم است، اشتباه بزرگی است، و این نوع برداشت از دین، در واقع برداشت خطاء بوده و چیزی جز فریب شیطان و نفس نمی‌باشد.

❖ از راه‌های نفوذ شیطان برای فریب انسان، مصروف شدن و تمایل بیش از حد انسان بر اذکار، نوافل و دیگر ورد و اوراد است، به گونه‌ای که مشاهده می‌شود، بعضی به بهانه انجام نوافل، ادای فرض را اهمال می‌کنند، و این قضیه نه تنها در میدان عبادی، بلکه در میادین دیگر هم مشاهده می‌شود، ما باید در قدم اول به اولویت‌ها در همه امور توجه داشته باشیم تا از این طریق راه‌های نفوذ شیطان را مسدود سازیم.

❖ آنگاه که انسان مؤمن در زندگی خود دچار آشفتگی روحی می‌گردد، با تلاوت و خواندن دو سوره "ضحی و انشراح" می‌توان روح و روان خود را آرام نمود. هر چیز دو پهلوی دارد؛ روشن و تاریک، در هنگام آشفتگی روحی انسان همه چیز را تاریک می‌بیند و در حالت نشاط و داشتن روحیه، همه چیز را روشن و خوب می‌بیند.

❖ آنگاه که انسان در حالت نشاط و خوشی بسر می‌برد، باید همه نعمت‌ها و خوبی‌های را که خداوند عز و جل در حقش نموده، به خاطر داشته باشد، به یاد آورد که با چه دشواری‌های در زندگی خود روبرو گردیده، اما الله متعال او را بر خوردار از رحمت و عافیت خود نموده است. وقتی چنین روحیه‌ای به انسان دست دهد، یقیناً که رحمت الله متعال بر انسان نازل خواهد شد.

❖ روح انسان جدا از جسم انسان می‌باشد، روح انسان طبیعت بلند و آسمانی دارد؛ اما جسم انسان چنین نیست. روح به وسیله اسباب و وسایل تعریف شده در قرآن کریم و سنت نبوی مانند: انجام عبادات، انفاق مال و رعایت تقوای الهی، می‌تواند به اوج و کمال برسد.

❖ تورات کتابیست مشتمل بر یک سری دستورات و احکام صادر شده از جانب الله متعال بر بنی اسرائیل که کدام کارها اجراء شود و کدام کارها اجراء نگردد؛ و انجیل، کتابی است که در حاشیه قرار دارد و مستقل نیست، مسایل و احکام شرعی در آن دیده نمی‌شود و مشتمل بر یک سری قضایای اخلاقی و قصص است، اما قرآن کریم حاوی همه مطالب کتب سابقه و بالاتر از آن کتاب هدایت و حکمت نیز می‌باشد.

❖ قرآن کریم باید روزانه تلاوت گردد، در صورتی که نفس انسان سرکشی کند، بهترین وسیله رام نمودن نفس، همانا تلاوت قرآن کریم است؛ چرا که تلاوت روزانه قرآن کریم، سبب میخکوب شدن نفس انسان گردیده و از جانبی قلب انسان را مملو از انوار الهی می‌کند.

❖ بر هر مسلمان فرض است تا جهت ادای مسؤولیت‌های دینی و اسلامی و برچیدن نظام‌های طاغوتی، به عضویت یک جماعت حقیقی اسلامی که از آن به (حزب الله) تعبیر شده، شامل گردد. و لازم است جهت پیدا نمودن جماعتی که دارای خصوصیات ذیل است تلاش و تحقیق نماید:

۱- جماعت اسلامی دارای رهبری واحد بوده و دارای نظم و نظام باشد؛

۲- هدف اصلی این جماعت حاکم ساختن دین خداوند متعال باشد؛

۳- اسوه عملی جماعت، قرآن کریم و سنت نبوی باشد؛

۴- دیده شود که آیا رهبری جماعت دین را در خانه خود حاکم ساخته است یا خیر؛ و منبع درآمدش از کجا تأمین می‌گردد؟

۵- بنیاد جماعت باید بر اساس بیعت باشد؛

۶- هرگاه کسی عضویت جماعت را حاصل نمود، بر وی لازم است پایبند به خواسته‌های جماعت باشد، سلب عضویت و بریدن از جماعت جایز نیست، مگر آنگاه که جماعت مسیرش را از اهداف تعیین شده اسلامی مطابق قرآن و سنت تغییر دهد، که در این صورت همراهی با آن بر انسان لازم نیست. تمام اوقاتی که در جستجوی جماعت فوق صرف گردد، ان شاء الله به درجه جهاد در راه خداوند متعال محسوب می‌گردد.

❖ هدف و خواست اسلام این است که دنیا و همه امور زندگی تابع دین اسلام باشد.

❖ دیگر آن زمان گذشت که مردم فکر می کردند اسلام تنها ادای نماز، روزه و حج است؛ بلکه برنامه اسلام شامل همه ابعاد زندگی بشر می شود. بناء تلاش برای حاکم ساختن دین الله، فریضه ای است بر عهده مسلمانان. به همین ترتیب وظیفه ما تلاش پیگیر و مستمر است، و این که این تلاش ها چه زمانی به ثمر می نشیند و دین خدا غالب می گردد، به عهده ما نیست و ما با حرکت و تلاش خود، مسئولیت خویش را ادا می نماییم و بس.

خاتمه

مطابق به رهنمود حدیث نبوی ﷺ که فرمودند: «بلغوا عنی ولو آیه» انسان مسلمان وقتی از حقایق دینی آگاهی حاصل می کند، به عنوان وجیهه دینی بر وی لازم است تا پیام دین را به دیگران برساند. چنانچه در خطبه حجة الوداع پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ آنگاه که مطالب مهمی را به سمع یاران شان رساندند، از آنان تعهد گرفتند تا آنچه شنیده اند را به دیگران برسانند؛ «...أَلَا لِيُبْلِغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، فَلَعَلَّ بَعْضَ مَنْ يَبْلُغُهُ أَنْ يَكُونَ أَوْعَى لَهُ مِنْ بَعْضٍ مَنْ سَمِعَهُ» ثُمَّ قَالَ: «أَلَا هَلْ بَلَّغْتَ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتَ؟» قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ/ آگاه باشید، پس باید شخصی که حاضر است به کسی که حاضر نیست، این پیام را برساند، شاید برخی از کسانی که پیام به او می رسد، آنرا بهتر حفظ کند از بعضی که آنرا شنیده اند. سپس فرمود: آیا تبلیغ کردم؟ گفتیم: بلی. فرمود: بار خدایا شاهد باش!»^۱.

مطالبی که در کتاب پیش رو خدمت شما گرامیان تقدیم شد، "سلسله گفتارهای قرآنی" از محاضرات و دروس تفسیر قرآن کریم اثر دانشمند جهان اسلام دکتر "اسرار احمد" بوده که بنده "مترجم" با تاسی از فرموده نبی مکرم اسلام ﷺ، وقتی صحبت های این دانشمند بزرگوار را استماع نمودم، سخت

احساس مسئولیت نموده و بر این شدم تا سخنان شان را به زبان فارسی ترجمه نموده و به دسترس همه پویندگان علم و دانش، خصوصاً جوانان عزیز قرار دهم. امید است با این کار قدمی در راستای مسئولیت دینی و اسلامی خویش بر داشته باشم.

امیدوارم ترجمه این اثر برای خوانندگان مفید و نافع واقع گردیده و گامی باشد برای کارهای بعدی در عرصه خدمات قرآنی.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله

فرمودند: هر بنده‌ای که دچار دل مشغولی و غم و اندوه شود و این دعا را بخواند که: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسُكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجِلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي (خداوندا من بنده‌ی تو و فرزند بنده‌ی تو و فرزند کنیز تو هستم، پیشانی من به دست توست، حکم تو در مورد من اجرا شدنی است، قضایات در مورد من نافذ است؛ از تو به هر نامی که داری و خودت بر خود گذاشته‌ای یا به کسی از آفریده‌هایت یاد داده‌ای یا در کتابت نازل کرده‌ای، یا در علم غیب نزد خودت محفوظ داشته‌ای می‌خواهم قرآن را بهار قلب من و نور سینه‌ام، و از بین برنده‌ی اندوهم و غصه‌ام قرار دهی) حتما خداوند دل مشغولی و غم و اندوه او را از بین برده، گشایشی حاصل می‌کند. گفتند: ای پیامبر خدا، آیا آن را فرا نگیریم؟ فرمود: آری، برای هرکه آن را بشنود شایسته است فرایش گیرد. رواه احمد. علامه آل‌بانی این حدیث را در سلسله الصحیحة (۱۹۹۹) صحیح دانسته است.

اَللّٰهُمَّ اِنْسِ وَحْشَتِيْ فِيْ قَبْرِىْ اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْنِىْ بِالْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ وَاجْعَلْهُ لِىْ
 اِمَامًا وَنُوْرًا وَهُدًى وَرَحْمَةً اَللّٰهُمَّ ذَكِّرْنِىْ مِنْهُ مَا نَسِيتُ وَعَلِّمْنِىْ مِنْهُ مَا جَهِلْتُ
 وَارْزُقْنِىْ تِلَاوَتَهٗ اِنَاءَ اللَّيْلِ وَ اِنَاءَ النَّهَارِ وَاجْعَلْهُ لِىْ حُجَّةً يَّا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ. اٰمِيْنَ.

خدایا! وحشت مرا در قبرم به آرامش تبدیل کن، خدایا! به حق قرآن، بر
 من رحم کن، و آنرا برای من پیشوا و راهنما و رحمت قرار ده. خدایا! آنچه را
 که از آن فراموش کرده‌ام، به یادم آور، و آنچه را که از آن نمی دانم، به من
 بیاموز، و تلاوتش را در اوقات شب و روز، روزی ام فرما، و آنرا برایم حجت
 قرار ده، ای پروردگار جهانیان! آمین.

"ومن الله التوفيق"

پیوست‌ها:

در اخیر این کتاب جهت تبرک، به گزیده‌ای از اقوال عالم جلیل‌القدر کشور عزیز مان افغانستان جناب حضرت مولوی شیخ محمد سرور فیضی "جیجه‌ای" اشاراتی می‌نمائیم ایشان در نوشته خود به مسایل مهمی از علوم اسلامی اشاره نموده و تاکید دارند تا هر فرد مومن اعم از مرد و زن مسلمان به آن عقیده داشته، تا رستگاری دنیا و آخرت را کمایی نماید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الشُّكْرُ لَهُ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ نَبِيٍّ أَرْسَلَهُ هَذِهِ نَفَايِهِ مِنْ
عِدَّةِ عُلُومٍ يَحْتَاجُ الطَّالِبُ إِلَيْهَا وَ يَتَوَقَّفُ كُلِّ عِلْمٍ دِينِي عَلَيْهَا وَ اللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَنْفَعَ
بِهَا وَ يُوَصِّلَ أَسْبَابَ الْخَيْرِ بِسَبَبِهَا، أَصُولُ الدِّينِ عِلْمٌ يَبْحَثُ فِيهِ عَمَّا يَجِبُ
اعْتِقَادُهُ، أَلْعَالَمُ حَادِثٌ وَ صَانِعُهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ قَدِيمٌ لَا ابْتِدَاءَ لَوْجُودِهِ وَ لَا انْتِهَاءَ
ذَاتُهُ، مُخَالَفَةُ لِسَائِرِ الذَّوَاتِ وَ صِفَاتُهُ الْحَيَاتِ وَ الْإِرَادَةُ وَ الْعِلْمُ وَ الْقُدْرَةُ وَ السَّمْعُ
وَ الْبَصَرُ وَ الْكَلَامُ الْقَائِمُ بِذَاتِهِ الْمُعْبَرُ عَنْهُ بِالْقُرْآنِ الْمَكْتُوبِ فِي الْمَصَاحِفِ
الْمَحْفُوظِ فِي الصُّدُورِ الْمَقْرُوءِ بِاللُّسِنَةِ قَدِيمَةً مُنْزَعَةً تَعَالَى عَنِ الْجِسْمِ وَ اللَّوْنِ وَ
الطَّعْمِ وَ الْعَرِضِ وَ الْحُلُولِ وَ مَا وَرَدَ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ مِنَ الشَّكْلِ نُومِنُ
بِظَاهِرِهِ وَ نُنْزَرُهُ عَنْ حَقِيقَتِهِ ثُمَّ نَقْوِضُ مَعْنَاهُ إِلَيْهِ تَعَالَى أَوْ نُؤَلِّ وَ الْقَدْرُ خَيْرُهُ وَ
شَرُّهُ مِنْهُ تَعَالَى مَا شَاءَ كَانَ وَ مَا لَا فَلَا، لَا يَغْفِرُ الشَّرْكَ بَلْ غَيْرُهُ إِنْ شَاءَ لَا
يَجِبُ عَلَيْهِ تَعَالَى شَيْءٌ أَرْسَلَ رُسُلَهُ بِالْمُعْجَزَاتِ الْبَاهِرَاتِ وَ خَتَمَ بِهِمْ مُحَمَّداً
ﷺ وَ الْمُعْجَزَةُ أَمْرٌ خَارِقٌ لِلْعَادَةِ عَلَى وَفْقِ التَّحَدَّى وَ يَكُونُ كِرَامَةً لِلْوَلِيِّ إِلَّا
نَحْوُ وَلَدِ دُونِ وَالِدٍ وَ نَعْتَقِدُ أَنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ حَقٌّ وَ سُؤَالَ الْمَلَائِكِينَ حَقٌّ وَ الْحُشْرَ
الْمَعَادَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الشَّقَاعَةَ حَقٌّ وَ رُوبِيَةَ الْمُؤْمِنِينَ لَهُ
تَعَالَى حَقٌّ وَ الْمِعْرَاجَ بِجَسَدِ الْمُصْطَفَى ﷺ حَقٌّ وَ نُزُولَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قُرْبَ
السَّاعَةِ وَ قَتْلَهُ الدَّجَالِ حَقٌّ وَ رَفَعَ الْقُرْآنَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ مَخْلُوقَتَانِ الْيَوْمَ

وَأَنَّ الْجَنَّةَ فِي السَّمَاءِ وَ نَقْفَ عَنِ النَّارِ وَأَنَّ الرُّوحَ بَاقِيَةٌ وَأَنَّ الْمَوْتَ بِالْأَجْلِ
وَأَنَّ الْفَسْقَ لَا يَزِيلُ الْإِيمَانَ وَلَا الْبِدْعَةَ إِلَّا التَّجْسِيمَ وَ انْكَارَ عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى
الْجُزْئِيَّاتِ وَلَا نَقْطَعَ بَعْدَابٍ مَنْ لَمْ يَثْبُثْ وَلَا يَخْلُدْ وَأَنَّ أَفْضَلَ الْخَلْقِ حَبِيبُ اللَّهِ
الْمُصْطَفَى ﷺ فَخَلِيلُهُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَهُمْ أَوْلُو الْعِزْمِ، فَسَائِرُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَالْمَلَكُوتُ وَ أَفْضَلُهُمْ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَبُوبَكْرٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَعُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَعُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَعَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَبَاقِي الْعَشْرَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَأَهْلُ الْبَيْتِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَأُحَدِّثُ بِالْحَدِيثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَسَائِرُ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَبَاقِي الْأُمَّةِ عَلَى
اخْتِلَافٍ أَوْصَافِهِمْ وَأَنَّ أَفْضَلَ النِّسَاءِ مَرْيَمُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَ أُمَّهَاتُ
الْمُؤْمِنِينَ خَدِيجَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ وَأَنَّ الصَّحَابَةَ
عُدُولٌ وَأَنَّ الشَّافِعِيَّ وَ مَالِكًا وَ أَبَا حَنِيفَةَ وَ أَحْمَدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَائِرَ الْأَئِمَّةِ عَلَى هُدًى
وَأَنَّ الْإِمَامَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيَّ إِمَامًا فِي السَّنَةِ مُقَدَّمٌ وَأَنَّ طَرِيقَ الْجَنَّةِ وَ صَحْبُهُ
طَرِيقٌ مُقَوِّمٌ. (المؤلف: مولوی شیخ محمد سرور فیضی جیجہ ای، المتوفی،
سنه ۱۳۴۶ هـ ش)

همه خویبها از خداست و شکر از برای اوست و درود و سلام بر بهترین
پیامبری که او را فرستاد این خلاصه از چند علم است که دانشجو به آن
احتیاج دارد و تمام علوم دینی به آن وابسته است و تنها از الله متعال سوال
میکنم که به واسطه آن نفع برساند و اسباب خیر را بسبب آن پیوست کند،
اصول دین علميست که در آن از آنچه اعتقاد آن واجب است بحث می شود
جهان نو پیداست و سازنده اش الله متعال و یگانه است که قدیم است نه
ابتدایی دارد و نه انتهایی، ذاتش مخالف تمام ذوات دیگر می باشد و صفات
آن عبارت اند از حیات، اراده، علم، قدرت، سمع، بصر و کلام که همه قائم
بذات اوست که در قرآن کریم از آن تعبیر شده است، قرآن کریم در صحیفه
ها نوشته شده است در سینه ها حفظ شده است و به زبانها خوانده شده
است؛ تمام صفات او قدیم است؛ الله تعالی از جسم، رنگ، مزه، عرض، و
حلول پاک است و آنچه در کتاب و سنت از مشابهات وارد شده است به
ظاهرش ایمان می آوریم و حقیقت معنایش را به الله تعالی می سپاریم (یا

مطابق اقوال سلف صالح) تأویل می نمائیم، و قدر خیر و شر آن از جانب خداست آنچه بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود، الله تعالی شرک را نمی بخشد بلکه آنچه را که غیر از شرک باشد برای هر کس بخواهد می بخشد، بر او تعالی هیچ چیز واجب نیست پیامبرانش را با معجزه های روشن فرستاد و حضرت محمد ﷺ را خاتم پیامبران گردانید. معجزه امر خارق العاده ای است که از راه علل ماوراء طبیعی با اراده خداوند از انبیاء ﷺ به نشانه صدق نبوت شان، همراه با مبارزه طلبی ظاهر می شود، و کار خارق العاده ای که به دست ولی از اولیاء الله انجام یابد کرامت نامیده می شود، مگر پسر بدون پدر. و اعتقاد داریم که عذاب قبر حق است و سوال نکیر و منکر از میت در قبر حق است و زنده شدن در روز معاد (برای حسابرسی) حق است و پل صراط حق است و ترازوی میزان حق است و شفاعت حق است و دیدن مؤمنان الله متعال را حق است و معراج به جسد مصطفی ﷺ حق است و فرود آمدن عیسی علیه السلام در نزدیکی قیامت حق است و کشتن دجال توسط عیسی علیه السلام حق است و بلند رفتن قرآن کریم حق است و بهشت و دوزخ دو مخلوق از مخلوقات الهی است و هم اکنون موجود اند حق است، بهشت در آسمان است و از بحث نمودن پیرامون دوزخ اجتناب می نمائیم، روح باقیست، و مرگ انسان و موجودات وابسته به اجل معین است، فسق و بدعت ایمان را نابود نمی کند مگر جسم قرار دادن الله متعال و انکار کردن علم خداوند متعال به جزئیات، حساب آخرت مسلمان گنهکار را به الله واگذار می نمائیم و بطور قطع در مورد آن حکم نمی کنیم، بهترین مخلوق نزد الله متعال حضرت محمد مصطفی ﷺ می باشند بعد از ایشان به ترتیب خلیل خدا ابراهیم، موسی، عیسی و نوح علیهم السلام اند که ایشان را

پیامبران اولوالعزم نیز نامیدند. بعد از آنان همه پیامبرانی که در قرآن کریم نام شان یاد شده و یا آنانی که نام های شان ذکر نگردیده است، بعد از آنان ملائکه اند که بهترین شان حضرت جبرئیل علیه السلام می باشد، بعد از آنان به ترتیب هریک از یاران بزرگوار نبی اکرم صلی الله علیه و آله اند که نام های شان ذکر میگردد، ساداتنا ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذوالنورین، علی مرتضی، عشره مبشره، یاران بدر و أحد، اهل حدیبیه و بعد از آنان سایر اصحاب کرام رضی الله عنهم بنابر مراتب و اوصاف شان در نزد الله تعالی محبوب اند، با فضیلت ترین زنان و سردار زنان بهشت، حضرت مریم، حضرت خدیجه، حضرت فاطمه، حضرت عایشه و سایر امهات المومنین رضی الله عنهن می باشند، انبیاء علیهم السلام از گناه معصوم اند و یاران رسول الله صلی الله علیه و آله همه شان عادل اند و حضرات امام شافعی، امام مالک، امام ابوحنیفه و امام احمد حنبل رضی الله عنهم و سایر ائمه دین بر مسیر هدایت بودند، امام ابوالحسن اشعری رحمته الله امامی پیشوا در سنت نبوی صلی الله علیه و آله اند، طریقی که حضرت جنید رحمته الله برگزیده اند همان راه پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب بزرگوار شان بوده که استوار و پایرجاست.

معرفی گناهان کبیره

﴿إِنْ تَجْنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ الْغَرَامَةِ﴾^۱ «اگر از گناهان کبیره‌ای پرهیزید که از آن نهی شده‌اید، گناهان صغیره‌ی شما را (با فضل و رحمت خود) از شما می‌زدانیم و (به شرط استغفار از کبائر و عدم اصرار بر صغائر) شما را به جایگاه ارزشمندی (که بهشت برین است) وارد می‌گردانیم».

امام ذهبی رحمته الله در کتاب «الکبائر» اشاراتی زیبا به انواع گناهان دارند و می‌فرمایند: آنچه از گناهان که در قرآن و سنت ذکر شده بر دو قسم اند (گناهان صغیره) یعنی: گناهان کوچک و (گناهان کبیره) یعنی: گناهان بزرگ. گناهان صغیره در دنیا با دو طریق بخشیده می‌شوند با توبه و یا انجام نیکی‌ها اما گناهان کبیره فقط با توبه بخشیده می‌شوند که در ذیل به مجموعه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. شرک به الله،

۲. کشتن انسان و یا قتل ناحق،

۳. جادوگری،

۴. بی‌نمازی و ترک نماز،

۵. زکات ندادن،
۶. بدون عذر روزی از روزهای رمضان را روزه نگرفتن،
۷. با وجود توانائی حج نکردن،
۸. نافرمانی پدر و مادر،
۹. با اقوام و خویشاوندان قهر و قطع روابط و صله رحم نمودن،
۱۰. زناکردن،
۱۱. لواطت،
۱۲. سود خواری و پرداخت سود،
۱۳. خوردن مال یتیم به ناحق و ظلم،
۱۴. بر الله تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ دروغ بستن،
۱۵. از میدان جهاد و نبرد فرار کردن،
۱۶. خیانت رهبر به ملت و ظلم نمودن به آنها،
۱۷. تکبر و غرور بیجا،
۱۸. شهادت و گواهی دروغ و ناسپاس بودن،
۱۹. شراب نوشی و استعمال مواد مخدر،
۲۰. قمار بازی،
۲۱. تهمت زدن به زنان عقیفه و پاکدامن،
۲۲. خیانت و دزدی در مال غنیمت و بیت المال و مال،
۲۳. دزدی و خوردن مال یکدیگر بطور غیر شرعی و غیر قانونی،

۲۴. سرقت و قطاع الطریقی،
۲۵. به دروغ قسم یاد کردن و خلاف وعده کردن،
۲۶. به مال و آبروی مردم تعرض کردن (مال مردم خوردن و آبروی مردم ریختن) و ظلم کردن،
۲۷. گرفتن مالیات به ناحق و غیر قانونی،
۲۸. حرام خواری،
۲۹. دست به خود کشی زدن،
۳۰. دروغ گفتن،
۳۱. قضاوت بر خلاف قرآن سنت نمودن،
۳۲. رشوت دادن و رشوت گرفتن،
۳۳. زنان و مردان خود را به یکدیگر تشبیه کردن و رفتار مخالف را تقلید نمودن،
۳۴. دیوینی کردن (زمینه فحشاء را به ناموس خود) فراهم کردن،
۳۵. حلاله نمودن (کسانیکه زن مطلقه را به حيله به نکاح می گیرند و بعداً طلاق داده تا به شوهراولش حلال گردد)،
۳۶. بی توجهی در نظافت بدن (بدن و لباس را از ادرار محافظت نکردن)،
۳۷. ریاکاری در اعمال و عبادات،
۳۸. فراگیری علم دین برای حصول دنیا و کتمان حقایق علمی از دیگران،
۳۹. خیانت در امانت،

۴۰. نیکی نمودن به هم نوعان و آن را بر رخ شان کشیدن و اظهار احسان کردن،
۴۱. انکار از تقدیر خیر و شر و مسلمان را کافر گفتن،
۴۲. تجسس در سخنان و اعمال دیگران،
۴۳. نمامی (سخن چینی و پخش نمودن سخنان مضر)،
۴۴. لعن و دشنام دادن برادر مسلمان،
۴۵. عهد شکنی و خلاف وعده نمودن،
۴۶. سخنان کاهنان و منجمان را قبول کردن، رفتن نزد فال گیران و ستاره شناسان و قبول ادعای شان،
۴۷. بغاوت و نافرمانی زن از دستورات شرعی شوهر،
۴۸. ساختن مجسمه مخصوصاً که برای جنبه عبادی تهیه گردد،
۴۹. درهنگام مصیبت اظهار کلمات خلاف شرع بر زبان جاری کردن، زدن بر سر و صورت و پاره کردن گریبان،
۵۰. سرکشی و بی انصافی در حقوق دیگران،
۵۱. ظلم نمودن بر زن، خادم، ضعیف و حیوانات و یا سوء استفاده از آنها،
۵۲. آزار و ضرر رساندن به همسایه،
۵۳. مسلمان آزاری و دشنام دادن بر زنان و مردان مسلمان،
۵۴. آزار رسانی به بندگان الله متعال و خود را از دیگران برتر دانستن،

۵۵. رها کردن پاچه شلوار پایین تر از قوزک پای و لباس را به قصد تکبر از حد معمول بلند نمودن،

۵۶. پوشیدن لباس ابریشمی و استفاده از طلا توسط مردها،

۵۷. فرار غلام و برده از نزد آقا و صاحبش بدون کدام عذر،

۵۸. ذبح حیوانات بدون اسم الله تعالی و یا ذبح نمودن شان به اسم کسی دیگر،

۵۹. خود را به غیر پدر به کسی دیگر نسبت دادن،

۶۰. مجادله و مباحثه برای دفاع از باطل و یا برای خود نمایی،

۶۱. آب اضافی را در زمان نیاز به مردم نیازمند ندادن،

۶۲. کاستن از وزن پیمانه و ترازو و یا کاستن از متراژ اجناس،

۶۳. ایمن شدن از عذاب الهی،

۶۴. خوردن گوشت خنزیر (خوک)، خون و ناامید شدن از رحمت الهی،

۶۵. بدون عذر همیشه نماز را تنها خواندن و نماز با جماعت را بدون عذر شرعی ترک نمودن،

۶۶. نمازهای جمعه را همیشه و بدون عذر شرعی ترک نمودن،

۶۷. ظلم کردن در وصیت یا خیانت کردن در تقسیم میراث و غصب میراث،

۶۸. مکاری و فریبکاری،

۶۹. افشای راز مسلمانان به کفار و دشمنان اسلام و سلاح کشیدن بر روی برادر مسلمان کردن،

۷۰. دشنام دادن یاران و اصحاب حضرت پیامبر اکرم ﷺ.

مولوی شیخ محمد سرور فیضی "جیجہ ای"

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم، ونفَعني وإياكم بما فيه من الآيات
والذكر الحكيم